

شورای اسقفان کاتولیک آسیا

(آوریل ۱۹۹۸)

تا ایشان حیات یابند
و آن را زیادت‌تر حاصل کنند
(انجیل یوحنا ۱۰:۱۰)

شورای اسقفان کاتولیک آسیا

(آوریل ۱۹۹۸)

تا ایشان حیات یابند
و آن را زیادت‌تر حاصل کنند
(انجیل یوحنا ۱۰:۱۰)

فهرست

۵	مقدمه
	گزارشی از شورای اسقفان
۱۷	کلیسا در آسیا به سوی هزاره سوم
۲۰	کلیسا و مأموریت او
۲۴	منتخبی از سخنرانیهای ایراد شده در شورا
۱۱۳	پیام از سوی شورای اسقفان

شوم در مورد کلمه شورا یا سینود که گاهی اوقات «سونخرادوس» می‌گوییم توضیحاتی بدهم. این کلمه در اصل یونانی است و از کلمه «سینودوس» می‌آید و به معنی همگام بودن و با هم راه رفتن می‌باشد (راه رفتن برای رسیدن به هدف). تعجب نکنید که این طرز فعالیت از آغاز زندگی کلیسا به وجود آمد. می‌توانیم بگوییم اولین سینود کلیسای همان است که در اعمال رسولان (۱۵: ۱-۳۴) آمده و به انجمن کلیسای اورشلیم معروف است. انجمن ترجمه کلمه سینود است در کتاب مقدس چاپ فارسی.

حال ببینیم چه شد که در آن زمان اختلافاتی بین مسیحیان پیش آمد؟ و این اختلاف چه بودند؟

هر فرد قبل از این که مسیحی شود می‌بایستی مراسم یا قوانین شریعت موسی در مورد وی اجرا شود و بعد تعمید یابد مثلاً باید ختنه می‌شد. رهبران کلیسا در آن زمان (رسولان) با هم جمع شدند و پس از بحث و گفتگو، دعا و الهام گرفتن از روح القدس گفتند (پطرس در کتاب اعمال رسولان ۲۸: ۱۵ به نام رسولان صحبت می‌کند): رأی روح القدس و ما رسولان بر این قرار گرفته است که جز دستوراتی که در زیر می‌آید بار شما را سنگین تر نسازیم یعنی شما را مجبور ننماییم قبل از این که مسیحی شوید قوانین یهود را رعایت نمایید. و بدین ترتیب آنها را از رعایت قوانین یهود آزاد کردند. و این ثمره اولین شورا بود. همچنین در تاریخ کلیسا می‌بینیم که گاهگاه شوراهایی تشکیل می‌شده که اسامی و تاریخ بعضی از آنها به این قرار است:

شورای نیقیه (شهری در آسیای صغیر بین ترکیه و یونان) که در سال ۳۲۵ میلادی تشکیل شد. در اثر تعلیمات نادرست که آن زمان درباره راز خدا (سه گانه مقدس) رایج شده بود اسقفان شورایی تشکیل دادند تا جلوی تعلیمات نادرست را بگیرند و ایمان صحیح را به ایمانداران برسانند.

شورای اسقفان آسیا (اردیبهشت ۱۳۷۷)

مقدمه

«تا ایشان حیات یابند و آن را زیادتراً حاصل کنند» (یوحنا ۱۰: ۱۰).
از آن جا که فیض مشارکت یکی از اسقفان در جلسات شورای اسقفان آسیا به کلیسای ایران داده شده، در ابتدای این جزوه گزارشی کوتاه از تجربیات پر برکت ایشان ارائه می‌گردد.

گزارشی از شورای اسقفان آسیا

تشکیل این شوراها یکی از نشانه‌های حضور روح القدس و کلیسا می‌باشند. چون وقتی ایمانداران به نام مسیح جمع می‌شوند تا با هم مشورت و تبادل نظر نمایند تا مأموریت کلیسا را بهتر پیش ببرند این عمل، این فعالیت، کار روح القدس می‌باشد. من در این سفر دو ماهه یک ماه در رم بودم و به عنوان عضو سینود آسیا در این شورا شرکت داشتم.
این شورا تقریباً ۴ هفته به طول انجامید، از ۳۰ فروردین تا ۲۴ اردیبهشت ماه. اجازه می‌خواهم قبل از این که وارد بحث و عملکرد شورا

موضوع ایمان است نه تشکیلات ظاهری. وقتی کلیسا اسقفان را برای تشکیل شورا دعوت می کند می خواهد ثابت کند که امروز روح القدس در کلیسا حاضر می باشد، یعنی کلیسا فقط یک مؤسسه بشری یا یک انجمنی که بشر تأسیس کرده نیست. کلیسا جماعت ایماندارانی است که روح القدس در درون آنها، در بطن آنها، حاضر است و فعالیت می کند. بر طبق وعده مسیح وقتی که او، «پارا کلیت»، می آید شما را راهنمایی خواهد کرد و با شما خواهد ماند چون کلیسا بدون او نمی تواند مأموریتش را انجام دهد. این یک نکته مهم در رابطه با شورا است. در شورای اورشلیم پطرس می گوید «رأی روح القدس و ما». پطرس می خواهد بگوید که ما به وسیله روح القدس که در ما حاضر بود این دستور را به شما می دهیم، «روح القدس و ما».

دلیل دیگر تشکیل شورا در کلیسا نشان دادن و اهمیت دادن به کار دستجمعی در کلیسا است. کار کلیسا کار یک فردی نیست ولو این که این فرد دانشمند و بحرالعلوم و مقدس باشد. نه. کار فردی نیست. حال می توانیم بفهمیم چرا مسیح به تنهایی کارش را انجام نداد و به سوی پدر برگشت؟ مسیح جماعتی انتخاب کرد تا بعد از او مأموریت و مژده اش را به همه ملتها برسانند (تأکید بر اهمیت کار جمعی). بنابراین امروز شخص مسیحی با هر موقعیت کلیسایی اعم از اسقف، کشیش، راهب یا مسیحی عادی اگر می خواهد به تنهایی کار کند باید بداند که این کارش برای کلیسا مضر است، به نفع کلیسا نیست. حتی اگر یک گروه با گروههای دیگر کلیسا همکاری و یا تماس نداشته باشد این گروه برای کلیسا مضر است چون یک کار انفرادی انجام می دهد. بس کار دستجمعی، برای پیشبرد مأموریت کلیسا مهم است چون در کلیسا هر مسیحی از آن کودک، آن طفلی که تعمید گرفته تا اولین رهبر کلیسا اسقف، پاتریارک، ... هر کدام عطیه ای از روح القدس دریافت کرده اند که باید در خدمت کلیسا به

شورای دیگری داریم به نام شورای قسطنطنیه (استانبول امروزی که در آن زمان، بعد از رم و اسکندریه، یکی از شهرهای مهم مسیحیت، پایتخت شرقی امپراتوری روم و مرکز مسیحیت بود) در این شهر در سال ۳۸۱ شورای تشکیل شد درباره روح القدس که بعضی منکر شخصیت الهی او بودند. در این شورا گفته شد که روح القدس شخص سوم سه گانه مقدس و با پدر و پسر برابر است.

شورای دیگر شورای افسس است (شهری در ترکیه نزدیک از میر که احتمالاً حضرت مریم در این شهر زندگی زمینی اش را به پایان رسانید). بعد از این شورا شورای دیگری در سال ۴۵۱ تشکیل شد به نام شورای خلقدونیه (کالسدون)، این هم جهت حل اختلافاتی که در آن زمان بروز کرده بود. همچنین به مرور زمان شوراها تشکیل می شد تا راه صحیح به مسیحیان نشان داده شود. ناگفته نماند این شوراها را می توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی شوراها جهانی که همه اسقفان جهان در آنها شرکت می کنند. آخرین شورای جهانی در تاریخ کلیسا شورای واتیکان دوم است که بین سال ۱۹۶۵ - ۱۹۶۲ میلادی تشکیل گردید و حدود ۲۳۰۰ اسقف که آن زمان در جهان بودند در این شورا شرکت کردند.

شوراها و شوراهای دیگر شوراهای محلی یا قاره ای هستند. در چنین شوراهایی اسقفان یک قاره یا یک منطقه کلیسایی مثلاً خاورمیانه در مورد مشکلاتی که برای آن کلیسا مطرح است به بحث و گفتگو می پردازند. بنابراین می توان گفت آخرین شورای قاره ای همین شورای اسقفان آسیاست که از همه کشورهای آسیایی اسقفانی در آن شرکت کردند.

حال این سؤال پیش می آید که چرا برای کلیسا این فعالیت شورایی مهم است؟ چرا هر اسقف به تنهایی در مورد مشکلات تصمیم نمی گیرد؟ و یا پاپ از همان واتیکان به تنهایی برای کل کلیسا تصمیم نمی گیرد؟ فعالیت شورا در کلیسا از نظر ایمان معنی بسیار مهم دارد. موضوع

تمدن‌ها و آداب و رسوم آسیاییها را در نظر بگیرد تا پیامش یک پیام بیگانه و خارجی نباشد.

ویژگی پنجم: که باعث تأسف است این که قاره آسیا دارای بیشترین تعداد فقیران و محرومین جهان و مسکن مستمندان است.

کلیسا اگر می‌خواهد پیامش در قلب آسیا نفوذ نماید نمی‌تواند این مسئله را نادیده بگیرد.

موضوع شورای اسقفان آسیا از دو بخش تشکیل می‌شد: بخش اول، «رسالت خدمت و محبت عیسی مسیح نجات‌دهنده در آسیا» و اما بخش دوم موضوع آیه ای است از انجیل یوحنا ۱۰:۱۰ (تا این که همگی حیات یابند و آن را کامل تر داشته باشند)، و این شعار شورای اسقفان آسیا بود.

تعداد اعضای این شورا ۲۵۶ نفر بودند که ۱۷۸ نفر اسقف و بقیه تقریباً ۶۴ عضو دیگر نمایندگان کشیشان، راهبان و راهبه‌ها، نماینده لائیکها (مسیحیانی که دستگذاری نشده‌اند، مسیحیان عادی، جوانان و کارگران) و در میان اینها نمایندگان کلیساهای غیرکاتولیک مخصوصاً کلیساهای پروتستان ارتدکس و انگلیکن (اسقفی) به عنوان میهمان دعوت شده بودند.

متأسفانه اسقفان مهمترین کشور آسیا از لحاظ جمعیت، یعنی چین کمونیست، نتوانستند در شورای اسقفان آسیا شرکت کنند چون اجازه خروج از کشور به ایشان داده نشد باوجود این که حضرت پاپ شخصاً این دو اسقف چین را طی نامه ای عوت نموده بودند. اما آنها برای ما پیغام فرستادند که توسط دعا با شورا در اتحاد هستند. اما از تایوان و هنگ کنگ اسقفانی حضور داشتند.

حضرت پاپ مرتباً در جلسات شورا شرکت می‌کرد.

هدف از تشکیل این شورا آمادگی برای برگزاری مراسم بزرگداشت

کار برند. پس وقتی جمع می‌شویم یعنی از عطایای یکدیگر بهره مند می‌گردیم و قوی تر می‌شویم. این عطایا که پولس می‌گوید متنوع است وقتی با هم جمع شوند کار کلیسا بهتر پیش می‌رود، چنان که پولس می‌گوید، یکدیگر را تقویت می‌کنیم.

این یک مقدمه کوتاه بود. حال قبل از این که وارد شرح کار شورای اسقفان آسیا شوم اطلاعاتی چند راجع به این قاره به شما می‌دهم. **ویژگی اول** قاره آسیا این است که بزرگترین قاره جهان می‌باشد و بیش از نصف جمعیت جهان در این قاره زندگی می‌کنند. از ۶ میلیارد کل جمعیت جهان ۳/۵ میلیارد در قاره آسیا زندگی می‌کنند. مهمتر این که جوانان در آسیا درصد مهمی از این جمعیت را تشکیل می‌دهند. قاره آسیا جوان ترین قاره جهان است.

ویژگی دوم این که در قاره آسیا نسبت تعداد مسیحیان کمتر است از قاره‌های دیگر. آسیا بزرگترین قاره از لحاظ جمعیت و کوچکترین از لحاظ تعداد مسیحیان است. تعداد مسیحیان در آسیا طبق آمار موجود ۲۵۰ میلیون نفر می‌باشد. (از ۳/۵ میلیارد جمعیت).

تنها کشور آسیایی که اکثریت جمعیتش مسیحی هستند فیلیپین می‌باشد که تقریباً ۹۵ درصد مسیحی دارد.

ویژگی سوم: قاره آسیا سرزمین مذاهب بزرگ جهان است، سرزمین ادیان بزرگ جهان. مهمترین ادیان جهان در آسیا به وجود آمدند: یهودیت، مسیحیت، اسلام، بوداییسم، هندوئیسم، کنفوسیوئیسم. مردمان آسیا طبیعتاً به مذهب گرایش دارند و به ارزشهای معنوی و روحانی اهمیت می‌دهند. به یک موجود مطلق، کل، معتقدندو به یک زندگی بعد از مرگ ایمان دارند.

ویژگی چهارم: قاره آسیا دارای اقوام، فرهنگها، و تمدنهای بسیار کهن و غنی می‌باشد. مسلم است که کلیسا اگر می‌خواهد پیام انجیل در این قاره بزرگ جایی پیدا کند، ریشه بگیرد و رشد نماید باید این فرهنگها،

آسیا) بسیار مفصل تر و کامل تر توسط حضرت پاپ و چند اسقف همکار که انتخاب شدند تهیه خواهد شد که شاید سال آینده به ما خواهد رسید. این پیام برای ما روشن خواهد کرد که کلیسای آسیا چه راهی باید پیش بگیرد تا رسالت و مأموریتش مثمرتر باشد.

اما مهمتر از همه دستور کار شورا است: ببینیم در این جلسات، اعم از همگانی یا فرعی چه موضوعات و مسائلی مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. این مطالب را می شود در چندین محور گنجانید:

۱: مطالبی که آن جا مطرح گردید این بود که تعداد زیادی از اعضای شورا تأکید بر این نکته داشتند که کلیسای آسیا که ما عضو آن هستیم قبل از این که به فکر رساندن مژده انجیل به ملل آسیایی باشد باید در وهله اول این مژده به خودش برسد. و این موضوعی بسیار اساسی است چون کلیسای مسیح هرگز به اندازه کافی از مژده انجیل برخوردار نیست. یعنی مژده انجیل در درونش آن ریشه عمیقی که باید داشته باشد ندارد. به عبارت دیگر محور اول این است که کلیسا دعوت شده تا توبه کند یعنی اجازه دهد که در درونش انقلاب عمیقی رخ دهد. چون اگر فرزندان کلیسا از مژده انجیل، از شادی انجیل به اندازه کافی برخوردار نیستند چگونه می توانند دیگران را از این مژده، از این شادی و این فیض نجات بهره مند سازند.

اولین پیام مسیح وقتی مأموریتش را آغاز کرد این بود: «توبه کنید» یعنی آماده باشید برای پذیرفتن پیام خدا، پیام نجات.

تا وقتی که مژده انجیل در زندگی ایمانداران مسیحی ریشه نداشته باشد هرگز نمی توانند آن را به دیگران، به ملت‌های آسیا، منتقل سازند.

۲: که این نیز برای کلیساهای آسیا اساسی است این است که اعضای شورا در سخنرانیهای خود بر فعال کردن روند اتحاد بین کلیساهای تأکید کردند. فراموش نکنیم متحد نبودن مسیحیان یا متفرق بودن ایشان بزرگترین لغزش است برای کسانی که می خواهند در کلیسا باشند. تفرقه

سال دو هزار میلادی و آغاز سومین هزاره مسیحی بود. به همین دلیل قبل از شورای آسیا شورایی داشتیم برای قاره آفریقا که در سال ۱۹۹۴ تشکیل شد و بعد از آن در سال ۱۹۹۷ شورای اسقفان آمریکا و در پائیز امسال بعد از چند ماه دیگر شورای اسقفان استرالیا و سال آینده یعنی سال ۱۹۹۹ شورای قاره اروپا تشکیل خواهد شد و بدین ترتیب تمام قاره‌ها تا سال ۲۰۰۰ شورهایی خواهند داشت.

حال ببینیم این ۲۵۶ نفر در این شورا می کردند؟ می توان گفت کار اصلی این شورا تشکیل جلسات بود. این جلسات به دو شکل برگزار می گردید: اول جلسات همگانی که همه اعضای شورا در آن شرکت می کردند، روزی ۵ ساعت. در این جلسات همگانی هر عضو (فراموش نکنید این شورا از چندین ماه قبل از تشکیل توسط کلیساهای محلی آماده شده بود) سخنرانی را که قبلاً آماده کرده بود در جلسات عمومی می خواند و دیگران گوش می دادند یعنی هر روز ۵ ساعت متن سخنرانیها قرائت و شنیده می شد. تقریباً دو هفته اول شورا به این روال به کار خود ادامه داد.

و جلسات فرعی که به این صورت بود که این ۲۵۶ نفر به چندین گروه ۲۰ یا ۲۵ نفری تقسیم شدند. ملاک تقسیم بندی زبان بود. آن جا ۳ زبان استفاده می شد. زبان اکثریت انگلیسی و بعد از آن فرانسه و خیلی کم ایتالیایی بود.

جلسات فرعی هم هر روز ۵ ساعت بود. در این جلسات بر روی مسائل و مشکلاتی که در جلسات همگانی مطرح شده بود تعمق و بحث نموده تجربیات کلیسای خودمان را منعکس می ساختیم تا بتوانیم پیشنهادات مناسب داده و تصمیمات مناسب بگیریم. تقریباً کمتر از دو هفته به این روال کار کردیم.

البته چکیده این جلسات قبل از پایان شورا در یک اعلامیه نهایی منتشر شد اما بعد از این اعلامیه یک پیام رسولی (پیامی برای کل کلیساهای

پس آغاز و ادامه گفتگو با پیروان ادیان دیگر دستور یا خواست خود مسیح است و کلیسا باید آن را انجام دهد. این یک دستور است. یک مسیحی نمی تواند فقط به فکر خودش یا گروهش یا ملتش باشد بلکه باید به فکر همه ملتها باشد تا این که نجات یابند. البته گفته شد که این بحث و گفتگو با ادیان دیگر در سه سطح می تواند انجام گیرد، و سه بُعد دارد.

بُعد اول بحثی است که بین دانشمندان و متخصصین هر مذهب صورت می گیرد و بحثی است علمی درباره شاید اصول عقیدتی و مفاهیم دیگری که هر دین دارد.

بُعد دوم این گفتگو، گفتگو بین فرهنگهایی است که پیروان این مذاهب دارند. و خیلی مهم است چون می توان از طریق تفاهم و نزدیکی فرهنگی در پی شناخت مذهب یکدیگر هم باشیم. هر فرهنگ دارای ارزشهای معنوی است چنان که هر مذهب دارای چنین ارزشهایی می باشد. فرهنگ هم می تواند وسیله ای باشد جهت گفتگو بین مسیحیت و مذاهب دیگر.

بُعد سوم این گفتگو، گفتگوی زندگی روزمره نامیده شده و به همه ما مربوط است همه ما می توانیم چنین بحثی با غیر مسیحیان داشته باشیم. منظور از بُعد سوم این بحث چیست؟ ما در زندگی هر کجا برویم با غیر مسیحی رو به رو هستیم، در خیابان در محل کار در همسایگی؛ طرز زندگی ما می تواند بهترین راهی باشد تا با پیروان مذاهب دیگر گفتگو برقرار نماییم.

این بحث باعث شد که دیگران مسیح را بشناسند. کلیسای اولیه، مسیحیان اولیه که در اعمال رسولان آمده با هم متحد بودند، با هم دعا می کردند و در اموال هم شریک می شدند. غیر مسیحیان که این نوع زندگی مسیحیان را می دیدند به آنها ملحق می شدند یا از خود می پرسیدند اینها کی هستند که این گونه در اتحاد زندگی می کنند. پس بُعد سوم گفتگو با

درب کلیسا را بر روی کسانی که مسیح را جستجو می کنند می بندد. پس تعجب ندارد اگر مسیح خودش در آخرین دعایش قبل از مرگ (یوحنا ۱۷) برای اتحاد پیروانش، مسیحیان، دعا می کند. (ای پدر، یکی باشن چنان که تو و من یکی هستیم. تا مردم ایمان آورند). کلیسا باید متحد باشد تا این که ملت های آسیا به مسیح نجات دهنده، پسر حقیقی خدا، ایمان آورند. اتحاد شهادتی است بسیار زیبا و مؤثر برای جلب غیر مسیحیان به سوی مسیح. ماندن در تفرقه یعنی ماندن در گناه. همه ما در این زمینه گناهکار هستیم و باید توبه کنیم و یکدیگر را ببخشیم تا گامی مؤثر در راه اتحاد برداشته باشیم.

تفرقه و جدایی که امروز در میان مسیحیان دیده می شود باعث تضعیف رسالت بشارتی کلیسا در آسیا می باشد. اما خوشبختانه باید گفت که در این زمینه و در این اواخر مسیحیان در زمینه اتحاد بین کلیساها گامهایی بسیار زیبا و جدی برداشته اند و امیدواریم گامهای دیگر نیز برداشته شود تا روزی که اتحاد همه مسیحیان کامل گردد، یک شبان و یک گله.

۳: بازدر شورای اسقفان آسیا تعدد کثیری از سخنرانان بر ایجاد گفتگو و محوره یا مباحثه با ادیان دیگر مخصوصاً ادیانی که ذکر شد، اسلام، بوداییسم، هندوئیسم، یهودیت و.. تأکید کردند. چرا این مطلب برلی رشد کلیسا و وفاداریش نسبت به مأموریتی که عیسی به او سپرد اساسی است؟ چون کلیسا معتقد است که همه مردم بدون استثنا دعوت شده اند تا از فیض نجات و حیات جاودانی که با مرگ و رستاخیز مسیح تحقق یافت بهره مند شوند. چنان که پولس می گوید: خدا می خواهد همه جهانیان نجات یابند. پس کلیسا وظیفه دارد که این فیض نجات را به همه ملتها برساند.

آخرین دستور مسیح به شاگردانش این بود «بروید و همه ملتها را شاگرد من سازید. آنها را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید». یعنی عضو کلیسا شوند.

حمایت و دفاع کند و مخصوصاً آزادی هر فرد را تضمین نماید چون که کلیسا در خدمت انسان است.

همچنین اشاره شد که کلیسا باید از حقوق کارگران مهاجر و پناهندگان دفاع کند، در این زمینه به حقوق کودکان که به طرز غیر انسانی مورد سوء استفاده قرار می گیرند و نیز به حقوق زنان اشاره شد و چندین اسقف آسیا به خطرات تهاجم فرهنگی غرب به آسیا اشاره کردند که باعث از بین رفتن ارزشهای سنتی، مثلاً اهمیت خانواده، احترام گذاشتن به بزرگسالان و ارزشهای معنوی و فرهنگی شده است.

همچنین به موضوعات جوانان که قاره آسیا بیشترین تعداد جوانان را دارد اشاره های خاصی شد و در مورد اهمیت و نقش وسایل ارتباط جمعی در رساندن پیام انجیل سخنانی ایراد گردید.

۶: تربیت کشیش و دیگر پرسنل لازم برای کلیسا جهت احیا و تقویت مأموریت کلیسا در آسیا.

کلیسا نیاز به کارگران دارد: مسیح می گوید «دعا کنید کارگران مقدس و شاد و فداکار برای کلیسا آماده شوند».

شورای اسقفان آسیا با برگزاری نماز قربانی مقدس شروع و با این مراسم نیز خاتمه یافت.

ادیان دیگر برای ما اهمیت بسزایی دارد و همه ما می توانیم وارد چنین گفتگویی شویم.

اگر زندگی ما منعکس کننده ارزشهای انجیل باشد مطمئناً بسیاری وارد کلیسا خواهند شد یا حداقل در قلبشان علاقه ای پیدا خواهد شد تا پیروان مسیح گردند. مسیح خود به این نوع گفتگو اشاره می کند: «مردم اعمال شما را خواهند دید و به من یا به پدر من ایمان خواهند آورد».

در انجیل به گفتگوی دانشمندان و متخصصین بسیار به ندرت اشاره شده اما به گفتگوی بعد سوم اشاره بسیار شده و می توان گفت این بعد سوم از دوگفتگوی اول بسیار مؤثرتر است. کافی است مادر ترزا (مادر فقیران و مسکینان) را به یاد آوریم که از کدام راه با پیروان ادیان غیر مسیحی در هندوستان و کشورهای دیگر وارد گفتگو شد. نه از راه مباحثه تئوری و علمی و اختصاصی بلکه از راه گفتگوی زندگی روزمره که نشانه آن محبت مخصوصاً به فقیران، مستمندان و محرومین بود. این باعث شد که دنیا با شنیدن خبر مرگ وی نتوانست نسبت به او ستایشی ابراز ننماید.

مادر ترزا چه کرد؟ گفتگو از راه زندگی روزمره.

۴: پیام انجیل: پیام انجیل در هر کشور باید متناسب با فرهنگ و سنن آن کشور باشد و این دقیقاً با راز تن گیری مسیح ربط دارد. خدا تنها فرزندش را فرستاد تا هم شکل ما باشد، انسان شد تا در همه چیز جزء ما باشد یعنی فرهنگها و سنتهای ما را تقبل کرد.

خوشبختانه کلیسا در سالهای اخیر در این راه به پیشرفتهایی نائل گردیده و شکی نیست که خدمت بشارتی در شخص مسیحی و نیز در آداب و رسوم و فرهنگ مردم ریشه دارد. تا این که پیام انجیل مردم را جذب کند.

۵: کلیسا در آسیا باید از حقوق انسانها در قوانین عدالت اجتماعی

سوادآموزی، فرهنگ، هنر، تعلیم و تربیت، بهداشت، و حقوق انسانی بسیار بیشتر از آنچه می‌توان از تعداد آنها تصور نمود کمک کرده و می‌کنند. به موازات ورود به هزاره سوم، کلیسا در آسیا دعوت شده تا با توجه به محتوای اجتماعی، مذهبی و اقتصادی جامعه مأموریت محبت و خدمت به زندگی در آسیا را انجام دهد.

روح قدوس خدا در آسیا در کار است.

آنچه که تا به حال درباره حضور نجات بخش روح قدوس خدا در میان مردم گفته شد به طور خاص در آسیا حقیقت دارد. در این جاست که تمام ادیان بزرگ متولد شده و تجربیات خود از خدا را به کمال رسانیده‌اند. در آسیا این ادیان تفسیرهای مذهبی خود را از کتب مقدسه ادامه داده و به فرمهای مناسب فرقه‌ها به کمال رسانیده، قوانین رفتارهای انسانی را فورموله کرده، و شیوه‌های خاص روحانی و زهد را برای پری حیات و رهایی از شیطان کشف نموده‌اند. تمام اینها، در شیوه‌های خاص خود آماده‌سازی هستند برای دریافت خبر خوش که در عیسی مسیح آشکار شده است. و نیز مبارزه‌ای مثبت برای کلیسا در آسیا، ابتدا برای تشخیص اشعه‌های بارز حقیقت، فیض نهفته در آنها و شادمانی تأیید آنها، و سپس شهادت دادن در کلام و عمل به پری مکاشفه در عیسی مسیح.

نظریه‌ای این چنین به محاوره‌ای فروتنانه در تمام سطوح کلیسایی و ابعاد زندگی دعوت می‌کند، مثلاً محاوره زندگی، محاوره قلب، محاوره تجربه مذهبی و الهیات، روحانیت و غیره. محاوره به معنی صادقانه گوش فرا دادن، یادگرفتن، دریافت کردن، دادن و سهیم شدن است. خوشبختانه چنین محاوره‌ای در بسیاری قسمتهای کلیسا در آسیا از طریق مطالعه سایر مذاهب، فلسفه‌های آنها، فرهنگها، متون مقدس و تجربیات نیایشی در حال شکل‌گیری است.

محاوره واقعی کلیسا در آسیا به کشف ارزشهای متعدد مشترک با

کلیسا در آسیا: به سوی هزاره سوم

کلیسا در آسیا به موازات نزدیک شدن به هزاره سوم، با سپاسگزاری به ایمانی می‌نگرد که برای مردم آسیا به ارمغان آورده است، ابتدا توسط خود آسیائیه‌ها در زمان رسولان و بعدها تحت شرایط تاریخی و توسط مبشرین غربی. واژه «مبشر» را نباید به معنی محدود شده جغرافیائی یا خدمت مذهبی آن برداشت نمود. مبشرین شامل مردان و زنان، خادمین مذهبی، برادران و خواهران، معلمین مذهبی و افراد عادی هستند که با شهادت خود به زندگی مسیحی از طریق: شهادت، تعمق، موعظه به انجیل و نیز با نیایش و قربانی نمودن به رشد کلیسا کمک کرده‌اند. در نتیجه کلیسا در زمینه سوادآموزی، تعلیم و تربیت، بهداشت، اعمال شبانی، تعالیم مذهبی، حقوق بشر و ارتقاء انسانی در خدمت مردم آسیا بوده است.

این صحیح است که در طی دو هزاره قبلی هیئتهای بشارتی مسیحی در آسیا توسط الهیات بشارتی و الهیات مذهبی در هر زمان شکل گرفته و پا برجا مانده‌اند. بعضی مواقع، توافقهائی با دنیا انجام شده اما کوشش چندانی برای هم‌فرهنگ شدن صورت نگرفته است. هیئت بشارتی مسیحی در آسیا نه فقط یک هیئت الهی بوده بلکه همین‌طور هیئتی انسانی و بنابراین در خطر ضعفهای انسانی، اولویتهای اشتباه، و حدس و گمانهای ناقص الهیاتی نیز می‌باشد.

از سوی دیگر، به شکرانه کار تمام «مبشرین» گذشته، مسیحیت در اغلب کشورهای آسیائی حضور دارد و در بعضی کشورها حتی حضوری شاخص. آنها همانند خمیرمایه در جامعه آسیائی عمل کرده و سیستمها، عادات و سیاستهای اجتماعی را که منزلت انسان را رعایت نمی‌کنند و پری حیات را به مخاطره می‌اندازند به مبارزه می‌طلبند. آنها به رشد

کلیسا و مأموریت او کلیسا: مشارکتی سه گانه

کلیسا در نقشه نجات بخش خدا

واتیکان دوم اظهار می دارد که خدا در نیکی و حکمت بی نهایت خود بشر را آفرید تا آنها را قادر سازد در حیات الهی او شریک شوند. حتی وقتی که بشر از طریق ناطاعتی گناه کرد خدا او را در سرنوشت خود رها نکرد بلکه همانند پدری پرمحبت به عرضه شیوه های آزادی و نجات ادامه داد، در انتظار آمدن عیسی مسیح، نجات دهنده «که صورت خدای نادیده است، نخست زاده تمام خلقت» (۱-قرن ۱۵: ۱). روح خدا در سکوت در قلب انسانها کار می کند و آنها را برای آمدن یکتا پسر، عیسی مسیح، آماده می سازد. در عیسی مسیح خدا نقشه پنهان خود را در اراده نجات آشکار ساخت تا این که همگی بتوانند به عنوان جماعت شاگردان، به پدر در پسر او از طریق روح القدس دسترسی داشته باشند.

تشکیل کلیسا، جماعت پرستشگر که توسط عیسی مسیح و روح القدس دعوت شده اند که گرد هم آیند، نتیجه یک اراده نجات بخش و نیز نقشه پدر است که در عیسی مسیح از طریق قدرت روح القدس به انجام رسیده است. «مأموریت مسیح و روح القدس در کلیسا، که بدن مسیح و معبد روح القدس است، به کمال رسیده».

بنابراین کلیسا و مأموریت او چیزی اضافه بر مأموریت عیسی مسیح و روح القدس نیست. کلیسا در نتیجه کار آنها به وجود آمد تا رازی قابل درک از همان مأموریت برای بنای ملکوت قابل رؤیت خدا بر روی زمین، شاهی برای او و نیز خادمی در تمام فعالیت های او باشد. بنابراین کلیسا

پیروان سایر مذاهب و سنت های فلسفه مثلاً: محور بودن اراده خدا در اسلام و هندوئیسم، انجام تعمق، خلسه و نفی تمایلات شخصی، و روح آرام در بودائیسم، جدا شدن و شفقت در کنفوسیوئیسم، بشر دوستی و تقوا در تائوئیسم، سادگی و فروتنی در مذاهب سنتی، و به احترام و خضوع برای طبیعت هدایت خواهد کرد.

از سوی دیگر، کلیسا در آسیا چیزهای بسیار برای هدیه کردن به پیروان سایر سنت های مذهبی دارد: مکاشفه خدای سه گانه، اراده نجات دهنده او در عیسی مسیح، معنی و ارزش نجات بخش شفقت او، مرگ و رستاخیز، ارزش های آشتی و صلح، اطاعت نسبت به خواست خدا، تقدس و عزت هر شخص، محبت و خدمت به همسایه، آموزه اجتماعی کلیسا، ارتقاء کلی بشر در صور مختلف آن، ارزش درد و رنج و خدمت - که برای راز عیسی مسیح مرکزیت دارند - و بالاتر از همه شخص عیسی مسیح.

مأموریت کلیسا با محاوره تنها به پایان نمی رسد با وجودی که این یکی از عناصر مهم می باشد. حضور گناه در عمق قلب افراد و فرهنگها به توبه، آزادی و نجات دعوت می کند. کلیسا باور دارد که چنین تبدیل درونی از گناه، نجات و پری در زمان آخر حیات توسط خدا در پسر او عیسی مسیح راعرضه می دارد، از طریق عمل روح القدس. او تمام افراد را به شیوه مرموز خود هدایت می کند، به آفرینش نوین در عیسی مسیح که «نخست زاده و نویر خوابیدگان می باشد» (۱-قرن ۲۰: ۱۵). نقشه جهانی خدا برای نجات بشریت پنهانی اجرا نمی شود، آن گونه که در اذهان انسانهاست، و نه توسط تلاشها، حتی مذهبی، که از طریق آن انسانها به بسیاری از شیوه ها در جستجوی خدا هستند، در تلاشی برای لمس کردن و یافتن او ... تلاشهای آنان نیاز به روشن شدن، غنی گشتن و پاک شدن دارد... خدا تصمیم گرفت به شیوه ای جدید و قطعی به درون تاریخ بشریت وارد شود، با فرستادن پسر خود در جسم انسانی.

مسیح و غیره هدایت می‌کند. اولاً ما بین کاتولیکها در تمامی جهان مشارکتی حقیقی وجود دارد. ثانیاً کلیساهای مختلف محلی و کلیساهای خاص در مناطق بخصوص بدون توجه به این که یکدیگر را کجا پیدا می‌کنند و یا سنتهای نیایشی و روحانی آنها چیست با یکدیگر در مشارکت هستند. ثالثاً مشارکتی وجود دارد در درون کلیساهای محلی و خاص هر جا که افراد در مشارکتی شرکت می‌کنند، هر کدام برحسب تعهد خود. نهایتاً هر حوزه‌ی کشیشی با سایر جوامع در فعالیتهای شبانی و اهداف بشارتی کلیسای جهانی مشارکت دارد.

مشارکت بیرونی مشارکت کلیسا و دنیای آسیاست. به درجات متفاوت، کلیسا نشانه و ابزار مشارکت با پیروان سایر ادیان و فرهنگهاست، آن طوری که واتیکان دوم گفته است.

مشارکت با کلیسای جهانی

مشارکت جهانی بدین معنی است که کلیسا در آسیا، همانند کلیسای محلی، با سایر کلیساهای محلی و همه به اتفاق هم با مرکز اتحاد، یعنی جانشین پطرس و سازمان جهانی کلیسا در موضوعات اساسی که مربوط به ایمان و اخلاق است مشارکت دارد. مشارکت کلیسای محلی با کلیسای جهانی و رهبر مرئی آن پاپ، جانشین پطرس، بخشی اساسی از ایمان کاتولیکی است. بنابراین ما با فروتنی تقاضا می‌کنیم که جمهوری خلق چین به برادران کاتولیک ما اجازه دهد تا آزادانه و برحسب وجدان خود به ایمان کاتولیکی خویش عمل نمایند، چنان که پاپ ژان پل دوم در پیام اخیر خود به کلیسا در چین گفته است: «مسئولین دولتی جمهوری خلق چین اطمینان داشته باشند که، یک شاگرد مسیحی می‌تواند در هر سیستم سیاسی به ایمان خود زندگی کند» «به شرطی که برای حق او و ایمان او احترامی وجود داشته باشد. به این دلیل من به مسئولین دولتی تکرار

مأموریت دارد تا راز مشارکت تثلیث اقدس را اعلام کند، بر آن شهادت دهد، و آن را به ظهور رساند و گسترش دهد.

حضور و فعالیت روح القدس در جهان بدین منظور است که همه مردم را به راز مشارکت تثلیث اقدس هدایت کند. بنابراین کلیسا تلاش می‌نماید تا در مشارکت خود با پدر و پسر و روح القدس رشد کند و همه مردم را به مشارکتی مشابه راهنمایی نماید، که معنی نجات است.

کلیسا: شراکتی از کلیساهای خاص

کلیسا اجتماعی است از افراد در شراکت با تثلیث اقدس و در شراکت میان خودشان. این بدان معنی است که هر کلیسای محلی و هر کلیسای خاص یک بعد درونی و یک بعد بیرونی دارد. کلیساهای خاص در سطح دایره اسقفی منطقه، کشور و قاره، در شراکتی با یکدیگر وارد می‌شوند. چنین مشارکتی قبل از هر چیز در میان سلسه مراتب کلیسائی و همکاری متقابل در اعمال بشارتی و شبانی کلیسا بیان می‌گردد. مشارکت درونی به معنی اتحاد و تکمیل نمودن یکدیگر در درون کلیساست، در میان اسقفان، کشیشان، مقدسین و ایمانداران عادی تا این که هر کلیسا یک «کلیسای مشارکتی» بشود، یعنی یک کلیسا که در آن هر شخص بتواند تعهد و نقش مناسب خود را ایفا نماید.

مشارکت درونی به همبستگی میان کلیساها هدایت می‌کند. کلیسا در آسیا نیازمند معرفی خود به عنوان کلیسای خدمتگزار است. چنین تصویری از کلیسا بهتر می‌تواند مشارکت داخلی کلیسا را برای مردم آسیا بیان نماید. استفاده از تصویر مشارکت در معرفی کلیسا در آسیا ارجحیت دارد زیرا مشارکت اشاره به تجربه ما از خدا از طریق عیسی مسیح و در روح قدوس او دارد. چنین مشارکتی با تثلیث اقدس مسیحیان را به مشارکت در سطوح دیگر منجمله مشارکت کلیسائی، مشارکت ما بین تمام ایمانداران به عیسی

منتخبی از سخنرانیهای ایراد شده در شورا:

مسیح باید به آسیائیه‌ها به عنوان استاد روحانی معرفی شود
اسقف آگوستین یون-ایشی نومورا (ژاپن)

۱- ما در آسیا امروزه جستجوی متعهدانه برای ادغام ایمان و زندگی، هماهنگی روح، قلب و جسم و نیز پیوستن به میراث روحانی خودمان داریم.
۲- در ژاپن همانند سایر نقاط آسیا، در روند تعمق و تبدیل چشم نقش کلیدی مهم تری از گوش دارد. در جلسات اخیر، اسقفان آسیا اظهار داشته‌اند که مردم آسیا، به احتمال زیاد بیشتر از سایرین، با شاهد بودن و دیدن بیشتر قانع می‌شوند تا با تعلیم گرفتن. و این که آنها برای بعد متفکرانه انزوا، تواضع، سادگی و سکوت ارزش بیشتری قائل هستند. بنابراین انجیلی که در زندگیهای ما ادغام شده باشد اعتبار و قدرت اطمینان‌زادتری خواهد داشت تا انجیلی که در کلمات، تعلیمات و دستورات اخلاقی زیبا پیچیده شده است.

۳- امروزه بیشتر از همیشه، در میان زندگی مصرفی، مردم در جستجوی راههای دیگری در همبستگی، سادگی، خدمت و مشارکت هستند. آنها از مسیحیت انتظار دارند که جواب معتبر و زنده‌ای ارائه دهد.

۴- هنگامی که عیسی مسیح را به ژاپنیها (یا آسیائیه‌ها) معرفی می‌کنیم باید او را به عنوان استاد روحانی که راهی به سوی آزادی حقیقی در رهائی، سادگی و بخشایش و نیز بر مشارکت کامل در همدردی، شفقت و صلح باز می‌کند معرفی نمائیم. این فضائل جهانی به طور خاص با زندگی روحانی و اخلاقی مردم آسیا مطابقت دارد. عیسی راهنما برای راه است، اما چنین راهنمایی خود، نهایتاً به راه تبدیل می‌شود، زیرا در او و با او ما به

می‌کنم، همان‌گونه که بارها هم به سایرین گفته‌ام، که آنها نباید از خدا یا از کلیسای او ترسی داشته باشند. من در واقع، با احترام از آنها درخواست می‌کنم که در رعایت آزادی واقعی که حق مسلم هر فرد است، اطمینان حاصل کنند که آنهایی که به مسیح ایمان دارند هم می‌توانند به طور روزافزون انرژی و استعدادهای خود را صرف پیشرفت مملکت خود بنمایند ... کاتولیکها می‌توانند کمک شایانی به این موضوع باشند.

برقراری رابطه مابین کلیسای جهانی و کلیساهای محلی می‌باید با رعایت اصل اتحاد در ایمان و اخلاق، الویتهای شبانی، رفاقت و همکاری خادمین و رعایت سلسله مراتب توأم باشد. این برقراری رابطه دعوتی است برای ابتکارهای قانونی، مخصوصاً در رابطه با محاوره، هم-فرهنگ کردن و رعایت الویتهای شبانی، و درعین حال حفظ مشارکت و برقراری محاوره مابین کلیساها با یکدیگر و با کلیسای جهانی.

شهادت دادن به هر حال، فقط شامل چسبیدگی سرسختانه به ایمان در مواجهه با مرگ نیست. ما همچنین نیازمند تأیید شهادت دادن به عنوان شیوه‌ای از زندگی هستیم. در Instrumentum Laboris شماره ۲۶ به طور خلاصه و کوتاه عنوان شده که «عمل قطعی نجات مسیح از طریق راز شام آخر او به انجام می‌رسد، یعنی به توسط درد و رنج او بر صلیب، مرگ و رستاخیز او». اما به هر حال از اشاره کردن به این موضوع قاصر است که برای مسیح، شهادت دادن یعنی مأموریت او برای موعظه خبرهای خوش «در فصل خود و در غیر فصل خود»، انکار شیطان و شفای بیماران... تا این که همگی حیات به فروانی داشته باشند.

بنابراین سهل انگاری خواهد بود اگر از نجات صحبت کنیم و چشمان خود را بر کارهای او قبل از درد و رنج ببندیم. در این رابطه است که تقبل مسیح به عنوان خداوند زندگی مستلزم یک پیش روی در تبدیل است. این تمرکز باید به هر حال، با تأکید بر بعد اجتماعی تبدیل همراه باشد، که اجباراً باید متلاشی شدن ساختارهای گناه را جستجو کند.

متانویا (توبه) به صورت الهامی برای آزاد بودن از گناه در تمامی تجلیات تاریخی خود آشکار می‌شود و انتخابی ارجح برای فقر است. این به هر حال در جایی است که مقوله «آزاد سازی» هنوز کهنه نشده و نباید از آن اجتناب شود.

غربی کردن مذهب در به حرکت درآوردن قلب آسیائیه

شکست می خورد.

اسقف برارد توشیو (ژاپن)

۱- موضوع مورد علاقه من امروز بیشتر ماهیت شبانی دارد. لازم نیست

مشارکت و صمیمیت با خدا، پدر و با خلقت عالی او می‌رسیم. ۵- بشارت دادن با روحانیت همیشه میوه‌های فراوان به بار خواهد آورد. اما بشارت دادن بدون روحانیت مسؤولیت ایمانداران مسیحی را زیاده‌تر کرده و غیر ایمانداران را رسوا خواهد نمود.

۶- ما به روحانیتی نیازمندیم که ریشه در آسیا داشته باشد، که با روح قدوس عیسی مسیح زنده شده باشد و از قلب ایماندار به سادگی جریان یابد. در این صورت اجتماعات مسیحی ما ادامه خواهد داد به:

(a) پیروز شدن بر ابهامات بشری و اخلاقی و تئوری نسبیت در آسیا؛

(b) عمیق‌تر کردن معنی و ارزش انسانی و حقوق همگان؛

(c) اعتبار بخشیدن به پیام ما که همه مردمان فرزندان خدا هستند؛

(d) تشدید روند احیا کردن و برقرار نمودن زنان بر عزت به حق آنها و مقام آنها در کلیسا و جامعه؛

(e) تعلیم دادن همگان بر نگرانی برای عدالت، برای صلح فعال و هماهنگی حیات بخش با تمامی خلقت.

با شهادت دادن تعلیم ده که عیسی تنها نجات دهنده ماست.

اسقف ریکاردو. جی. ویدال (فیلیپین)

*Instrumentum Laboris شماره ۲۷ و ۲۸ دعوت می‌کند که به عنوان عوامل اصلی شهادت دهیم تا مردم بدانند که خداوند «تنها و تنها» نجات دهنده است. در این رابطه ما باید به شهادتی که توسط شهدای آسیائی داده شده، که آمادگی آنان برای مردن در راه ایمان هنوز هم به ملهم ساختن هموطنان آنها تا امروز ادامه می‌دهد، اقرار نماییم و در پیشبرد شیوه‌های نوین بشارتی شهادت شهدای قدوس آسیائی را در نظر داشته باشیم.

آسیائی «طریق» یک تصویر مرکزی و بسیار الهام بخش از رشد در محبت خدا و حکمت است. ما باید این روند ایمانی را به سفری واقعی تبدیل کنیم، تجربه‌ای از رشد تا از «آشنائی روانی به مسیحیت»، آن طور که اغلب مدنظر است.

۶- تدریجی بودن هم‌چنین بدین معنی است: ۲- که سایر کلیساها این پیشرفت مداوم را که تحت رهبری اسقفهای آسیائی صورت می‌گیرد احترام گذاشته و حمایت کنند. در دنیائی که به مرور بیشتر و بیشتر بین‌المللی می‌شود بسیار از هر زمان دیگر مهم‌تر می‌باشد که گوناگونی و ویژگیهای فرهنگهای مختلف و کلیساها را تغذیه کرده و حمایت نماییم. اینک وقت آن رسیده که از اشتباهات گذشته درس گرفته و مطمئن شویم که هیچ‌گونه تحمیلی از هیچ نوع آن سدی در برابر کار روح القدس در زندگی و اذهان مردمی که در گوناگونی عالی تاریخچه‌ها و فرهنگهای خود با قلبی صادق به دنبال خدا هستند، به وجود نمی‌آورد.

۷- تدریجی بودن بدین معنی است: ۳- که مقرر مقدس پاپ از سر نو نقش خود را توصیف نموده و با احتیاط، انعطاف‌پذیری، اطمینان و شجاعت وسائل انجام یک محاوره جدید از همه کلیساها در سفری روحانی به سوی پری در مسیح را فراهم می‌کند. این به معنی فاصله گرفتن از یک قاعده خلاصه، ساده و متحدالشکل است که بیان نیایشی روحانی و آسیائی را شعله‌ور ساخته و جستجوی صادقانه مذهبی و رشد حقیقی را در بلوغ موجب می‌شود. ما هم‌چنین باید به اتفاق یکدیگر به سوی شرایط کاری روحانی‌تر و خلاق برای یک هماهنگی جدید پیش برویم جائی که عطایای روح القدس برای کلیساها تبدیل به گنج جدید کل کلیسا می‌شود، که به درون آن تمام افراد اعم از مسیحی و یا غیر مسیحی را به طور یکسان می‌توان دعوت کرد تا در پری حیات خدا سهیم شوند.

تلاش زیادی بکنیم تا دریابیم که چرا مسیحیت در ژاپن رشد نمی‌کند. علیرغم توضیحات مکرر درباره هم‌فرهنگ شدن به نظر می‌رسد که قاعده برای زندگی مسیحی، برای نظم و انضباط کلیسائی، برای بیان نیایشی و ارتدکسی الهیات هنوز هم همانی است که در کلیسای غرب می‌باشد.

۲- این واقعیت ممکن است طبیعی و برای غرب بسیار خوب باشد. اما به هر حال وقتی که برای کلیساهای شرق، و به طور خاص برای ژاپن نحوه عملکرد می‌شود، متأسفانه سدی بسیار مؤثر در برابر هر نوع تلاش شبانی جهت در دسترس بودن برای جوانان و کلیساهای اقلیت، و روندی واقع‌گرایانه و پرمعنا برای رشد در ایمان، روحانیت و حیات اخلاقی ما می‌گردد.

۳- با وجود تلاشهای با ارزش عوامل محلی و خارجی انجیل، غربی شدن زبان الهیات ما، آهنگ و ساختار نیایشهای ما، و برنامه‌های آموزش دینی ما همگی در لمس کردن قلبهای آنانی که به جستجو می‌آیند شکست می‌خورد. این واقعیت که بعضی از «خادمین به طور خاص مستعد» یک موفقیت مسلم دارند، اشاره و تأکیدی است بر مسئله اساسی، جائی که محدودیتهای انسانی ما توسط شرایط سیستم فعلی کمک نمی‌شود.

۴- «اصل تدریج» که توسط ژان پل دوم اعلام و توصیه شده می‌باید قاعده‌ای هدایت‌کننده در روابط مابین Curia رومی - مجموعه سازمانهایی که در واتیکان پاپ را در انجام وظایف خود یاری می‌دهند - کلیساهای غربی در جنوب و شرق، باشد.

۵- تدریجی بودن یعنی: ۱- بالاتر از همه این که ما مسیحیان آسیائی این مسؤولیت را که باید در مسیح رشد کنیم بردوش گرفته‌ایم. و این بدان معنی است که برای ایمان مسیحی مان باید این کار را کم و بیش از راه گشودن فرهنگ خود در یک دوباره‌خوانی و تعمق در انجیل و درمیان دردها، تلاشها و امیدهای جوامع خود انجام دهیم. در مفهوم یک مذهب

توسط هر نوع دیگر از محاوره تغذیه و حمایت شود - مثلاً محاوره بحثهای الهیاتی، محاوره تجربیات مذهبی، و محاوره زندگی. فقط در این صورت است که مذهب می‌تواند عمیقاً زندگی مردم را لمس کرده، و به نیازهای عمیق آنان پاسخ دهد و بدین گونه وظیفه واقعی خود را به انجام رساند. به این دلایل است که، شورای پاپی برای محاوره مابین مذاهب، و WCRP خودشان را متعهد به همکاری نزدیک می‌دانند.

هم‌فرهنگ شدن می‌باید با ریشه‌ها شروع شود و نه شاخه‌ها کاردینال. د. سیمون لوردوسامی

۱- آسیا دو سوم سکنه جهان اما درصد نسبتاً ناچیزی از کاتولیکها را در خود جای داده. در آستانه هزاره سوم، کلیسا در آسیا به توسط قدرتی که روح القدس به او بخشیده، نیازمند آن است که با شجاعت انجیل را که عیسی به امانت به او سپرده است اعلام کند. بنابراین لازم است که، کلیساها از هر سنت نیایشی و روحانی، با یکدیگر همکاری نموده و در جهت نیل به این هدف بکوشند. بدین ترتیب وقتی که منابع روحانی، بشری و مادی ادغام شوند، تمام کلیساها فقط یک هدف مشترک خواهند داشت: اعلام انجیل.

۲- انجیل نمی‌تواند در خلاء اعلام شود. با توجه به این که کلام حیات است، خطاب آن به شرایط واقعی زندگی است. فقر، گرسنگی و بیماری، بی‌سوادی و نبود عدالت، بی‌کاری و نفی حقوق اساسی انسانی، تحت فشار قرار دادن زنان و سوءاستفاده از کودکان، سوءاستفاده از محیط زیست، اصول گرائی و تعصب گرائی مذهبی فقط چند نمونه از واقعیت‌های تیره‌ای هستند در جایی که انجیل به بشارتی خوش تبدیل خواهد شد و چهره مسیح به آسیا آشکار خواهد گردید.

محاوره می‌تواند اشعه امید در دنیای منقسم شده باشد کاردینال پیتر سایچی شیرایانگی (ژاپن)

بخشایش، ویژگی تمامی کلیساهای محلی آسیاست. دلیل اصلی این که مسیحیت را بیگانه تلقی کرده‌اند این است که کلیساهای محلی در ممالک آسیائی عمدتاً خود را از جریان اصلی زندگی مردم، تاریخ آنها، تلاشها و رؤیاهای آنها به دور نگاه داشته‌اند. آنها نتوانسته‌اند خودشان را با مردم هم‌هویت سازند. بر علیه این زمینه است که ما باید جهت‌گیری فدراسیون کنفرانسهای اسقفان آسیا (FABC) را درک نموده سپاسگزاری نماییم. اگر بخواهیم جهت‌گیری FABC را در یک کلمه خلاصه کنیم، آن کلمه محاوره است. من مایلم بر اهمیت محاوره مابین مذاهب در تلاشهای خودمان برای دسترسی به عدالت و صلح در جهان امروزی تأکید بگذارم. من باور دارم که مردم از هر مذهب در هر قاره انتظار دارند که ادیان مهم در جستجوی راه حل آشتی‌جویانه برای برخوردهای قهرآمیز همکاری نمایند، و در راه خلق جامعه‌ای عادلانه‌تر، متحمل‌تر و با مساوات بیشتر بکوشند.

طی سی سال گذشته، من شخصاً در یک همکاری جهانی میان ادیان، کنفرانس جهانی درباره مذهب و صلح که WCRP خوانده می‌شود، و وظیفه آن پیشبرد همکاری صلح‌آمیز مابین ادیان جهانی است، درگیر بوده‌ام. در سالهای اخیر WCRP مفتخر است که به رهبران ادیان اصلی در بوسنی-هرزگوین کمک نموده تا اولین جامعه چند-مذهبی، شورای بین مذاهب، را در مملکت خود تشکیل دهند و در تلاشهای آنان برای پیشبرد صلح در مملکت نیز آنان را یاری داده است. این نمونه‌ای آشکار و صریح است که نشان می‌دهد که محاوره عمل چگونه می‌تواند نور امیدی برفراز دنیایی که توسط درد جدائی تاریک شده بیندازد.

با وجود این، محاوره عمل، اگر بخواهد حقیقتاً موثر واقع شود، می‌باید

مردم آسیا باید به «کلیسا بودن» شهادت دهند اسقف ژوزف سوواتان (اندونزی)

۱- سری شوراهای اسقفان که توسط پدر مقدس برگزار شد نشان داد که چگونه پدر مقدس برای همکار بودن اسقفان ارزش قائل است. همان گونه که در گزارش دبیرکل آمده، پدر مقدس احساس می کند که خوب خواهد بود اگر او را به نام «پاپ شوراها» بشناسیم. من مایلم بر ارزش این «روحیه شورایی» به عنوان بیانی و تحقیقی از رهبری دوستانه در کلیسائی که بیشتر و بیشتر مشارکت جوامع را تجربه می کند، تأکید نمایم.

۲- در برنامه کار شورا (Vademecum Synodi) آمده است: «شورای اسقفان وظیفه دارد تا راهنمایی و نصیحت ارائه دهد. بنابراین، توصیه های آن به طور اختصاصی برای شورای عالی پاپی رزرو می شود». این صحیح است اما فکر می کنم که شورای اسقفان ارزشی بیشتر از این دارد که فقط مجمع خاص برای پدر مقدس باشد.

به نظر من شورا به عنوان اجتماع آن همه اسقفان از تمامی آسیا همراه با پدر مقدس، ارزش و اعتبار خاص خود را دارد. و حدس می زنم که از این شورای اسقفان، همراه با پدر مقدس، پیامی دوستانه - دستوالعملی برای مردم آسیا یا حتی تمامی جهان فرستاده خواهد شد.

۳- با هم بودن، روحیه جماعتی، زندگی کردن در مفهوم یک خانواده گسترده و غیره ویژگیهای فرهنگ آسیائی هستند، به عنوان متفاوت از فردگرایی و تمایل به مفرد بودن در نحوه زندگی غریبها. بدین سبب است که «کلیسای آسیا» می باید به صراحت بیشتر نشان دهد که کلیسائی است که اصولاً براساس «مشارکت ایمانداران» (communio fidelium) بنا گردیده.

۴- با وجود این، به عنوان گروهی کوچک، اقلیتی در میان ایمانداران

۳- کلیسای آسیا با تعهد به خدمت کشیشی و زندگی روحانی به متبارک بودن ادامه می دهد. آیا این می تواند ساعتی باشد که در آن نور انجیل نیاز به برده شدن از شرق به غرب دارد؟ برای برآورده کردن این نیاز، کلیسای آسیا باید به تشویق اساس سازمانهای بشارتی ادامه دهد با هدف خاص «مأموریت به سوی امتها» (missio ad gentes) که به ورای مرزهای ناحیه ای، ملی و قاره ای می رسد.

۴- آسیا زادگاه و گهواره ادیان بزرگ جهان است. این موضوع کلیسای آسیا را از کلیساهای خواهر در سایر قاره ها متمایز می سازد. کلیسا در آسیا نیاز قطعی به اعلام بشارت به انجیل دارد. به هر حال، او هم چنین نیازمند گوش فرادادن به آن چیزی است که روح القدس از طریق ایمان به او می گوید، درجایی که «بذر کلام... نهفته است» و به کمال خود در عیسی مسیح می رسد. در این روح محاوره است که کلیسا می تواند با مردان و زنان خوش نیت همکاری نماید.

۵- اگر مسیحیت در آسیا باید ریشه دوانیده و میوه بیاورد، هم فرهنگ سازی نیز باید با ریشه ها شروع شود و نه با شاخه ها. «سازگاری با انجیل و مشارکت با کلیسای جهانی» دو اصل هدایت کننده در روند هم فرهنگ سازی هستند، که درحالی که نیازمند کمک متخصصین هستیم نباید هرگز نگاه خود را از طرز فکر عامیانه ایمانداران (sensus fidei fidelium) برگیریم.

در خاتمه، در آستانه هزاره سوم، کلیسا در آسیا دعوت شده تا منابع خود را جمع آوری نموده، انجیل را گسترش دهد و حیات واقعی در مفهوم آسیائی را خطاب نماید، و جوامع بشارت دهنده را ترویج دهد، محاوره مابین ادیان را پرورش داده تا با هم برای خیریت بشر همکاری نمایند، و ایمان را هم فرهنگ سازد تا به مسیح اجازه تولد مجدد و آشکار نمودن چهره و ویژگیهای آسیائی او را بدهد. آیا این شورا به این اولویتها عمل خواهد کرد؟

اندک هستند، و مهمتر از این، طرز فکر مسیحی به جریان اصلی جامعه آسیائی وارد نشده. دلیل آن نه فقط تنوع فرهنگی بلکه هم چنین تفاوت‌هایی در قلب انسانهاست. مسیحیت رشد کرده در غرب مابین خدا و جهان، و بهشت و جهنم آشکارا تمایز قایل است و به جنبه پدرانۀ خدا تأکید دارد. مردم آسیای شرقی اعتقاد به وحدت وجود خدا (پانتئیسم) دارند، و به انتقال ارواح می‌اندیشند و مجذوب در آغوش گرفتن بخشش خدا هستند. بنابراین بیایید بر ویژگیهای مشخصه پدرانۀ خدا در مذهب و تعالیممان تأکید کنیم. به این صورت مسیحیت چهره‌ای گرمتر و بیشتر قابل نزدیک شدن، به خود خواهد گرفت. مذهبی که به صمیمیت دعوت می‌کند. در تعالیم مذهبی ما برای نوآموزان، پایه‌های ایمان باید با عمق بیشتری مطالعه شوند. ما باید از نمونه عیسی پیروی کنیم، که از حیات و جسم بشری، و عادات و رسوم انسانها هنگامی که درباره ملکوت خدا صحبت می‌کرد غافل نشد. بدین شکل، می‌توانیم امید واقعی داشته باشیم که مسیحیت ریشه‌های خود را در شرق آسیا خواهد گسترانید.

مسیحیت عاری از رنگ و بوی فرهنگ اروپائی

سراسقف فرانسیس، ایک‌کانامه شیما موتو (ژاپن)

با وجودی که مسیحیت وابسته به یک فرهنگ خاص نیست، انسان نمی‌تواند فرهنگ مردمی را که برای آنها کتاب مقدس موعظه می‌شود در نظر نگیرد. در قاره آسیا مسیحیت هنوز به نحوی در فرهنگ اروپائی پوشیده است. بنابراین در چارچوب تمدن آسیائی بشارت اجباراً در رابطه با دور ریختن تدریجی ویژگیهای تمدن اروپائی رشد خواهد کرد. این رشد که در تعلیمات نوین مذهبی هم فرهنگ شدن (inculturation) نامیده می‌شود در

سایر مذاهب در آسیا، کلیسا به عنوان یک جمع مشارکتی نباید به یک «جمع مشارکتی بسته» یا به گروهی خاص که برای خودش زندگی می‌کند تبدیل شود. ما به کلیسائی نیازمندیم که برای محاوره باز است و برای همکاری با ایمانداران سایر ادیان و با تمامی افراد با حسن نیت آماده است و با اجتماعی که در آن کلیسا زندگی می‌کند هم فرهنگ می‌باشد. کلیسا نباید خودش را به «اجتماعات مسیحی» محدود کند، بلکه باید درگیر در «اجتماع وسیع تر انسانی» باشد و فعالانه در بنای برادری اصیل بشری شرکت نماید.

۵- همچنین مجمع اصلی FABC در سال ۱۹۹۰ در بندونگ درباره «شیوه‌ای جدید از کلیسا بودن» در آسیا به عنوان «اجتماعی از اجتماعات» صحبت می‌کند.

کلیسا در آسیا به خاطر عنصر «سازماندهی، ساختن بناها، سرمایه‌گذاری، خدمت» خود شهرت دارد، مردم آسیا نیاز به کلیسای «شهادت دهنده»، شاگردان عیسی مسیح بودن دارد. شاهدهی که در میان «اجتماع مسیحیان و جوامع بشری» زندگی کرده است.

امید واقعی برای مسیحیت جهت نشانیدن ریشه‌ها

در شرق آسیا

اسقف اعظم لئوجون ایکنانگا (ژاپن)

خطاب من به موضوع بشارت در آسیای شرقی است. مبشرین قرن‌ها در این راه زحمت کشیده‌اند. در هندوستان، که البته غرب آسیاست، فعالیت‌های بشارتی تا زمان رسولان به عقب برمی‌گردد. با وجود این خدمت بشارتی تا به امروز فقط گام‌های کوچکی برداشته است. تعمیرها بسیار

مسیحیان باید به احترام برای دگرگونی شهادت دهند اسقف آنتوان آدو، اس، ج. حلب (سوریه)

مسیحیان عرب و یا شرقی به عنوان کلیساهای زنده در دنیای عرب و مسلمانان در خاورمیانه، برای پا برجا ماندن و رشد کردن نیاز به دیدی روحانی از رابطه خود با اسلام دارند، که شیوه جدیدی از پیام آور مسیح بودن و شهادی است بر محبت او.

۱- سؤالی را که موضوع شورای ما مطرح می کند می توان به طریق ذیل جمع بندی کرد: چگونه ما می توانیم شاهدان عیسی مسیح، نجات دهنده، باشیم و به مأموریت محبت و خدمت او در آسیا شهادت دهیم؟ برای پاسخ دادن به این سؤال در واقعیت خاورمیانه ای ما، بالاتر از همه، پذیرش این حقیقت است که ما توسط اسلام محاصره شده ایم، به این معنی که ما جزئی جدائی ناپذیر از این جامعه هستیم بدون هیچ گونه عقده ها، تا در عین حال که فرهنگ اعراب و مسلمانان را فرهنگ خود می سازیم بر آزادی انجیل در نگرش به این فرهنگ شهادت دهیم و تلاش کنیم تا دیدگاه زبان قرآن را وسیع تر نموده، آن را به یک زبان علوم بشری تبدیل نماییم.

۲- ضروری است که روح اطمینان و امید را در درون جوامع مسیحی گسترش دهیم. در اسلام امروزی یک تنش آخرتی وجود دارد مابین دو عقیده یکی انتظار مداوم دخالت قریب الوقوع الهی و دیگری حالت تسلیم به سرنوشت که مدعی است هیچ کاری نمی شود کرد و همه چیز توسط قدرت مطلق این جهان تنظیم می یابد. درون این جوامع، مسیحیان می توانند شاهدان امید باشند، با دیدی واقع گرایانه نسبت به آینده و تقبل مخاطره شروع دوباره و دوباره بدون تسلیم شدن به وسوسه سرنوشت گرائی یا به آخر رسیدن قریب الوقوع زمان. در این جا می باید یادآور شد که جریانات تعصب گرایانه بذر نگرانی را در روحها، مخصوصاً در میان اقلیتهای مسیحی می کرد. ما دعوت شده ایم تا به این سوالات که به وجود می آیند با

بشارت غیرقابل اجتناب است، زیرا در غیر این صورت مسیحیت برای مردم آسیا مذهبی بیگانه باقی خواهد ماند. دور ریختن ویژگیهای تمدن اروپائی همیشه جدائی از ایمان کاتولیک را تداعی نمی نماید، چون هم فرهنگی، اگر منبع ایمان را محکم حفظ کنیم، همواره ترقی می کند.

ادیان بزرگ دنیا در قاره آسیا تولد یافتند. این نشانگر آن است که آسیا سرزمین تعمق، زهد و روحانیت عمیق است. اگر کلیسا مایل است تا «راز مقدس نجات جهانی» باشد، باید بیشتر به یک «کلیسای نیایشگر» تبدیل شود. نیایش مقدس، نیایش آشکار قوم خداست. به هر حال نیایش امروزی در اروپا با چارچوب فرهنگی آن تدوین گردیده و از عنصر آسیائی بی بهره است. بنابراین بازسازی نیایش برای کلیساهای محلی آسیا که ابزار اصلی برای هر نوع هم فرهنگی هستند الزامی است. برای انجام بازسازی نیایشی، کلیساهای محلی نیاز به آزادی عمل بیشتری دارند و می باید داوطلب ابتکار عملهای گسترده تری باشند. نیایش همگانی قوم خدا در آسیا باید به صورتی باشد که با روح مردم آسیا که خدای عیسی مسیح را پرستش می کنند مطابقت نماید.

آلودگی محیط زیست هر روز خطرناک تر می شود. به منظور مقابله با این مشکل جهان باید توجه خود را به خدا معطوف کند و بپذیرد که تمامی خلقت به او تعلق دارد. خدا این جهان را خلق و محافظت نموده برای این که آن را دوست دارد. انسان وظیفه دارد که خدا را برای عمل خلقت سپاس گوید و آن را همگام با خواست الهی تکامل بخشد، اما حق ندارد که به شاهکار خلقت خالق آسیب وارد آورد.

رشد نموده شکوفا شدند به این دلیل که رسولان و یا جانشینان بلافصل آنها جامعه، فرهنگ و تنوع قومی مردم را نه به عنوان یک سد بلکه به عنوان وسائلی جهت آماده سازی مردم برای پذیرش عیسی به عنوان حیات دهنده در شرایط موجود قوم خود تلقی می نمودند.

با نگاهی به عقب، به تاریخ کلیساهای شرق مخصوصاً به کلیسای سریانی شرقی، شخص متوجه می شود که تلاش بشارتی یک «کلیسای در آتش» به آسانی به ورای بسیاری از سدهای فرهنگی شرق برده شده. ایماندارانی که ایمان مسیحی را دریافت کرده بودند عادت داشتند همراه با مبشرین خود به جاهای دیگر مهاجرت کنند و نور ایمان ایشان در برابر افرادی که آنها نیز ایمان مسیحی را در آغوش گرفتند درخشید. ایمان مسیحی در «جایگاه آنها در زندگی» بدون موانع طبیعی، فرهنگی و خصوصیات اخلاقی کسانی که ایمان را پذیرا شدند، مورد پذیرش قرار گرفت.

اعلامیه مجمع دوم واتیکان برای پذیرش و تحسین گوناگونی کلیساها را باید هنوز هم به معنی کامل آن به مورد اجرا گذارد، اگر مردم آسیا باید به کلیسا به عنوان منبع حیات بنگرند. جوامع آسیائی را نباید تغییر شکل داد تا با طرح ساختار جهانی رومی منطبق شود، بلکه انعطاف پذیری و آزادی که توسط مسیح اعلام گردید باید مردم آسیا را قادر سازد تا با فرهنگ، و ویژگیهای نژادی و اخلاقی خود حیات کامل را در مسیح در آغوش گیرند.

برای این منظور، وابستگیهای منطقه ای باید آزادتر گردد و به اقتدار فردی در محیط آسیائی اهمیت بیشتری داده شود. این سطحی از اطمینان را در میان مسیحیان - همانند غیرمسیحیان - آسیا به وجود خواهد آورد که با در آغوش گرفتن عیسی به عنوان منبع حیات به فراوانی، آنها نه تنها چیزی از دست نمی دهند بلکه به مشارکت کنندگان واقعی در رشد و نجات، که با اشتیاق در جستجوی آن هستند، تبدیل می گردند.

اطمینان و خونسردی بنگریم، و بیاموزیم که چگونه هشیار شویم و چگونه احساس اعتماد و نه پریشانی را منتقل سازیم.

۳- زیستن با همبستگی مؤثر بدین معنی نیست که از افراد فقیر و ضعیف سوء استفاده کنیم، بلکه در اطراف خودمان، در درون جوامع مسیحی جو همدردی به وجود آوریم که به ورای محدوده های کلیسا گسترش یابد. ضروری است که استثمار متوقف شود، اما باید همچنین احساس همدردی با افتادگان، در روح انجیلی آن به وجود آید. این پیش فرض در همدرد بودن با دیگران رها کردن خود از گزینه های قومی است. مسیحیان، با زندگی جدی در همبستگی و با روح مشارکت در میان خودشان، نوعی خصوصیات اخلاقی به وجود می آورند که به اصل هر فرد در گروه خود احترام قائل است، در حالی که از او انتظار می رود که با همه موجودات بشر همبستگی نشان دهد.

در پذیرش فرهنگ عرب به عنوان فرهنگ خود یا با نظری حاکی از اعتماد و همدردی واقعی، از مسیحیان دنیای عرب خواسته می شود که با دور کردن خودشان از واکنشهای ترس آلود و با پرهیز از حاشیه نشینی خود را کاملاً در جامعه ادغام کنند. درون این جوامع، مسیحیان دعوت شده اند تا برای رسیدن به این هدف مشکل بکوشند. مسلمان کسی است که من او را به عنوان متفاوت از خودم می پذیرم، زیرا من، به عنوان مسیحی دعوت شده ام تا در آزادی خود در مقام فرزند خدا در عیسی مسیح زیست نمایم.

بشارت مدرن را نمی توان محدود به يك منطقه نمود

اسقف کوریاکوز کوناشری. (سیرو مالابار، هندوستان)

در آسیا، مخصوصاً در خاورمیانه، کلیساهای مختلف در مناطقی مشابه

تأکید شده، ما به سطح لازم از مشارکت در واقعیت کلیساهای محلی خودمان نمی‌رسیم. ما هنوز هم اسیر این ایده هستیم که کشیشان تنها شبانان هستند و از مردم عادی انتظار می‌رود که به طور غیرفعال اطاعت کنند، و فقط توسط کشیش هدایت شوند. بر این طرز تفکر باید غلبه کرد تا بتوان انرژی مشارکت در کلیسا را فعال نمود.

برای پیشبرد تعهد خدمت رسولی افراد عادی و تقویت احساس مسؤلیت آنها، این افراد نیاز به حفاظت و حمایت توسط کلام خدا دارند. مناسب‌ترین جا برای قوم خدا جهت تغذیه با کلام زنده خدا کلیساهای جوامع کوچک است، جایی که آنها می‌توانند عملاً کلیسا را به عنوان مشارکت تجربه کنند. به منظور فراهم آوردن مقدمات تأسیس جوامع کوچک کلیسایی، تشکلی مناسب از رهبران عادی غیرقابل اجتناب است. ما اسقفان نباید در سرمایه‌گذاری در تشکل افراد عادی در حوزه‌های اسقفی خودمان درنگ کنیم، همان کاری که برای تشکل افراد خادم یا مذهبی انجام می‌دهیم.

کلام عیسی را در میان مستمندان گسترش دهید

اسقف ایگناتیوس پاول پینتو (هندوستان)

۱- یونانیها به نزد فیلیپس آمدند (یو ۱۲: ۲۰-۲۵) و سؤال کرده گفتند «می‌خواهیم عیسی را ببینیم». این آرزوی میلیون‌ها آسیائی نیز هست، آنها مایلند عیسی را در کلیسا ببینند اما متأسفانه آنها مشکل می‌توانند عیسی را در سازمانهای ما، در کلیساهای منقسم شده مسیحی در آسیا، ببینند. تا آن زمان و مگر این که ما، از شبان تا ایماندار، به مسیحهای دیگری تبدیل شویم، به عیسی ناصری واقعی آن‌گونه که در

بشارت در زمانهای امروزی می‌باید بیشتر به سوی شخص هدف گیری شود و محدود به یک منطقه نباشد. اصرار بر جنبه شخصی بیشتر از جنبه منطقه‌ای فعالیت‌های بشارتی برای موجودیت و شکوفائی کلیساهای شرق الزامی است. با پذیرش این واقعیت، ما باید اجازه دهیم تمام این کلیساهای دست در دست، و با احترام متقابل و همکاری رشد نمایند تا علائم مرزی منطقه‌ای پیام مسیحی را که این کلیساهای تلاش دارند هرکدام به شیوه خود منتقل نمایند - و طبیعتاً ابعادی جدید به تنوع فرهنگی و قومی آسیا می‌افزایند که به آن ایمان مسیحی باید شناخته شود نه به عنوان یک دخالت کننده، بلکه به عنوان خمیرمایه‌ای که تمام مایه را تخمیر می‌کند - خفه نسازد.

جهانی‌گرایی محلی باید متوجه مسائل آسیائی باشد، کلیسای محلی یک کلیسای واقعی است. راز کلیسا واقعاً و حقیقتاً در کلیسای محلی ظاهر می‌شود. کلیسای جهانی اجتماعی است از کلیساهای خاص. کلیساهای محلی در آسیا فوق‌العاده متنوع هستند با شرایط، نیازها و منابع خاص خودشان. ابتکار عمل کلیساهای جهانی می‌باید از کلیساهای محلی بیاید و آنها نیز باید توسط کلیسای جهانی پرورش یافته پیشرفت نمایند. هیچ کلیسای محلی نمی‌تواند تحت سلطه کلیسای محلی دیگری باشد، بلکه در مشارکت با آن و با دیگر کلیساهای. در سطح محلی گروههای جهانی، منجمله مردم تمام کلیساهای، ادیان و ایدئولوژیها می‌باید دست به دست هم داده با مشکلات موجود در آسیا منجمله عدم رعایت حقوق بشر، عدالت اجتماعی، حقوق زنان، هماهنگی بین ادیان و سایر مشکلات جهانی مقابله نمایند.

زنده کردن انرژی مشارکت در کلیسا

اسقف پیتر کانگ - یو - ییل (سئول - کره)

با وجودی که موضوع کلیسا به عنوان مشارکت در Instrumentum Laboris

خدمت و محاوره مأموریت بشارتی ما برای مسلمانان است سراسقف سیریل سالیم بوسترو (لبنان)

پدر بسیار مقدس، پدران محترم شورای اسقفان آسیا، برادران و خواهران عزیز:

من به پاراگراف Instrumentum Laboris رجوع می‌کنم که دربارهٔ کلیساهای آسیای شرق صحبت می‌کند و از کلیساهای سریانی انطاکیه، ملکیت یونانی در انطاکیه و مارونیت انطاکیه، کلیسای لاتین اورشلیم، کلیسای کلدانیان بابل و کلیسای آرامنه سخن می‌گوید. در مورد آنها گفته شده است: «امروز بیشتر این کلیساها در بین جوامع و فرهنگهایی زیست می‌کنند که سوابق یهودی یا اسلامی بر آنها مسلط است و در خدمت مؤمنین خود هستند که از همان قرون اولیه حضور مسیحیت در کشور را تداوم بخشیده و شاهدان عیسی مسیح در میان سایر مذاهب هستند».

سپس می‌افزاید: «هر چند این کلیساها با فرهنگ اسلامی و زبان عربی هم فرهنگ شده‌اند و به همین خاطر در موضعی قرار دارند که می‌توانند با اسلام گفت و شنود داشته باشند، اما همچنین در حیطة کشمکش قرار گرفته‌اند و توسط اصول‌گرائی مذهبی تهدید می‌شوند».

در این باره مایلیم سه مورد را تذکر دهیم:

۱- کشمکشهایی که این کلیساها مواجه می‌شوند بیشتر جنبهٔ سیاسی دارند تا مذهبی. اصول‌گرائی مذهبی به طور همزمان جنبهٔ مذهبی و سیاسی دارد. مقاومت اسلامی در لبنان که برخاسته از جناح حزب الله است نیز به همین گونه می‌باشد.

بدین ترتیب این جناح متکی بر ایران شیعه است و هدف آن استقرار دولتی است که توسط ساختار اسلامی اداره شود و به طور هم‌زمان به اشغال

اناجیل ترسیم گردیده، نخواهیم توانست آنها را نزد عیسی بیاوریم.
۲- باز هم، برادران آسیائی ما مایلند «ملکوت خدا» را در کلیساهای ما و جوامع کلیسائی ما ببینند. عیسی به ملکوت خدا موعظه نمود یعنی به ابای پرمحبت و بخشاینده، و حضور آزاد کنندهٔ او در میان ایمانداران و کلیسای رسولی تحقق عینی هدف یا ملکوت خدا بود، جامعه‌ای که حضور خداوند رستاخیز کرده را تجربه کرده، به سخنان رسولان گوش داده، در نیایش و شکستن نان و بالاتر از همه در نیکوکاری می‌ماند (اع ۲: ۴۲). آیا جوامع کلیسائی ما کلیسای رسولی را مجدداً به وجود می‌آورند؟ ما هنوز هم از این ایده‌آل بسیار دور هستیم.

۳- در یوحنا ۱: ۳ عیسی به نیکودیموس می‌گوید «تو باید از آب و روح القدس از سر نو متولد شوی». برای کلیسا در آسیا به این تولد دوباره نیاز است. حتی پس از ۲۰۰۰ سال عیسی هنوز هم باید به آسیا بیاید زیرا به جز در مورد اقلیتهای بسیار ناچیز افراد نیاز مبرم به تازگی درونی است، نه به مراسم بیرونی.

۴- همدردی مادر ترزا برای فقرا انعکاسی بود از شفقت و محبت خود مسیح برای مسکینان. به اعمال نیکو که از ایمانی عمیق به عیسی سرچشمه گرفته نیاز هست تا بتوان ارزشهای ملکوت را منتشر کرده و افراد بیشماری را در آسیا بشارت داد.

۵- مسیحیان ما باید بیشترین واقعی شوند. در تشکل کاتولیکهای ما هنوز هم نیاز به روح اصیل بشارتی احساس می‌شود. آنها مسیحی هستند اما نه فقط برای نجات خودشان، بلکه آنها باید نشانه‌ها و ابزار از ملکوت خدا در میان هم‌نوعان مرد و زن خود باشند.

دنیاست تلاش کند. امروزه دعوت عیسی مسیح از یهودیان را در آغاز موعظه اش باید در این جهت دریافت: «توبه کنید و به انجیل ایمان آورید». در مقابل قانون اسلامی، درست مثل قانون یهود در زمانهای گذشته، ما باید به دنبال مسیح انجیل محبت را اعلام کنیم. پیغام اصلی موعظه ما در جوامع مسلمان این است: خدا یک قانون نیست، خدا محبت است. و انسانها دعوت شده اند نه برای این که شریعت را به عمل آورند بلکه تا پسران خدای محبت شوند و حقیقتاً برادران یکدیگر، حتی اگر انسانها در مذاهب گوناگون هم خدا را بپرستند مسیحیت در انجیل عیسی مسیح آنها را به زیستن در خانواده، در خانواده خدا فراخوانده است. سومین هزاره، هزاره همکاری بین مذاهب برای برقراری همبستگی، عدالت و صلح در میان انسانها خواهد بود.

مسلمانان در انتظار رستگاری در آخرت هستند. این مهدی است که با مسیح برای برقراری حکومت عدالت بر روی زمین خواهد آمد. پیغام مسیحیت این است که نجات و رستگاری با مسیح شروع شده و عملی روزانه است که وقتی انسانها «همچون فرزندان خدا و همچون برادران و خواهرانی از یک پدر آسمانی» زندگی می کنند تحقق می یابد (بند ۲۸). این همان پیامی است که ما باید «در فرصت و غیر فرصت» اعلام نمائیم، و دعوت شده ایم تا مسلمانان و پیروان سایر مذاهب را توسط این پیام به گرویدن به سوی خدا بیاوریم.

و ما زمان و لحظه ای را که خود خدا قرار داده تا بتوانیم به مسلمانان در حالی که توسط آب و روح تعمیدشان می دهیم بگوئیم: «محمد علی من تو را بهنام پدر، پسر و روح القدس تعمید می دهم. آمین» به خداوند واگذار می کنیم. ۳- گفتگوی جهانی و هم فرهنگ سازی.

مسیحیان در آسیای شرقی فقط کاتولیکها نیستند، سه حوزه پاتریارکی یونانی ارتدکس (قسطنطنیه، انطاکیه، اورشلیم)، دو کاتولیکوس و دو

جنوب لبنان توسط گروههای اسرائیلی خاتمه دهد. معذالک آزاد سازی جنوب لبنان توسط دیگر جناحهای لبنانی غیر بنیادگرا نیز دنبال می شود و چون اسرائیل به طرزی غیر مشروط توسط ایالات متحده آمریکا پشتیبانی می شود و این کشور را کشوری مسیحی تلقی می نمایند پس مسلمانان اکثراً مسیحیان را به عنوان عاملان استعمارگر آمریکائی و غرب در نظر می گیرند. بدین ترتیب مأموریت مسیحیان در نزد مسلمانان توسط پشتیبانی بی حد و مرز ایالات متحده آمریکا از اسرائیل با مانع برخورد می کند. حل مشکل اسرائیل و فلسطین و آزاد سازی سرزمینهای اشغالی توسط اسرائیل در سوریه و لبنان برای ما مسیحیان خاورمیانه کمک در گفتگو و همزیستی ما با مسلمانان خواهد بود.

به همین خاطر است که شورای اسقفان آسیا باید از ملل بزرگ دعوت به عمل آورد تا بدون درنگ راه حلی منصفانه برای این مشکل که ۵۰ سال به طول انجامیده بیابند.

۲- مأموریت کلیسا در نزد مسلمانان در بردارنده جنبه ای دو گانه است: الف- «منعکس کردن تصویر کلیسای خدمتگزار» چنان که Instrumentum Laboris (بند ۱۱) می گوید این کار توسط «اعمال خیریه و شهادت مسیحی در مدارس، بیمارستانها و سایر خدمات رسولی» امکان پذیر است. این امور جنبه تن گیری پسر خدا را، به همان شکلی که در بند ۲۸ Instrumentum Laboris توضیح داده شده ادامه می دهد.

متن می گوید اجتماعی که عیسی پایه ریزی کرده باید «نمونه او را دنبال کند و توسط کیفیتهای انسانی از قبیل شفقت، بخشش، سادگی و نمونه بودن زندگی، محبت برادرانه و نیکوکاری در خدمت متقابل و مشارکت در اموال روحانی و مادی» مشخص شود (بند ۲۸).

ب- کلیسا همچنین باید برای تغییر دادن طرز فکر مسلمانان و به ویژه اصول گرایانی که هدفشان استقرار قوانین اسلامی (شریعت) در

مستقل از انجمنهای مسوول کلیساهای روم قائل شویم. زیرا به طور سنتی انتخاب اسقفان در مرکز هر حوزه اسقف اعظمی صورت می گیرد. اگر امروز پاپ رُم اسقفان کلیسای کاتولیک را منصوب می نماید، آنها را به عنوان پاتریارک غرب و نه اسقف اعظم کلیسای جهانی معین می نماید».

ب- « برای شوراهای کلیساهای پاتریارکی حق به وجود آوردن حوزه های اسقفی و منصوب کردن اسقفان را برای مؤمنان کلیساهای خودشان خارج از سرزمینهای سنتی شرق قائل باشیم و این امر نیز مستقل از انجمنهای مسوول کلیساهای رومی صورت گیرد.

ج- برای کلیساهای پاتریارکی حق داشتن کشیش متاهل را در حوزه اسقفی غرب درست همان طور که در مورد حوزه اسقفی شرق است قائل شویم.

تمام این نکات با هم فرهنگ سازی در ارتباط هستند و با رعایت آنان کلیسای کاتولیک رومی فرآیند اتحاد مسیحیان را که نامه پاپ ژان پل در مورد کلیسای شرق، و در آستانه هزاره سوم به فوریت به آن فرا می خواند پیش می برند.

در آستانه هزاره سوم خوانده شده ایم تا گوناگونی سنتهای کلیسایمان را بپذیریم، تا با یکدیگر ایمان مشترکمان در مسیحی که برای الوهیت بخشیدن به انسان آمد اعلام کنیم، تا همه انسانها حیات الهی یابند و «آن را به فراوانی حاصل کنند».

اعلام پیام تازگی کامل

سراسقف ژوزف پواتیل (سیرومالابار، هندوستان)

۱- آسیا دارای اکثریت افراد فقیر و تحت فشار در جهان می باشد.

پاتریارکی ارمنی ارتدکس (اچمیازین، قلیقیا، قسطنطنیه و اورشلیم)، یک پاتریارکی سوری ارتدکس (انطاکیه) و یک پاتریارکی آشوری. Instrumontum Laboris در مورد این کلیساها ذکر می نماید که در میان خود احساس به اشاره ای در بند ۳۹ درباره «وحدت فرهنگی» که در میان خود احساس می کنند اکتفا می نماید. در آسیای غربی، مسیحیان، کاتولیکها و ارتدکسها ... یک روح شراکت در عناصر مهم که برخاسته از سنت کلیسائی مشترک است دارند» (بند ۳۹).

من می خواستم بر همین سنت کلیسائی مشترک تأکید نمایم تا بگویم هم فرهنگ سازی مطلوب امروز برای کلیساهای شرق قبلاً توسط کلیساهای آسیای غربی در جریان هزاره اول تحقق یافته است. و آیا تفرقه هایی که کلیساها را در هزاره نخست و در سال ۱۰۵۴ از هم جدا کرد، قسمت اعظم آن ناشی از عدم کفایت کلیساها برای درک پدیده هم فرهنگ سازی نبوده است؟ نمی توان پذیرفت که همان ایمان به صورت متفاوتی در سنتهای مختلف لاتین، یونانی، سوری، ارمنی بیان شده باشد. همچنین نمی توان قبول کرد که اداره کلیسا در شرق و غرب تفاوت داشته است. بنابراین امروز، راه حل تفرقه بین کلیساها را باید در پذیرفتن تفاوتی که در ابراز همان ایمان وجود دارد و تفاوتهای سنتهای کلیسائی جستجو کرد.

در بند ۳۸ Instrumontum Laboris می خوانیم: «بعضی پاسخها تأکید دارند که اختیارات بیشتری در مورد گفت و شنود، هم فرهنگ سازی و انطباق... باید به کلیساهای محلی داده شود». به نام این سنت کلیسائی مشترک که با کلیسای ارتدکس داریم می خواهیم برای کلیسای کاتولیک شرق همان اختیاراتی را درخواست کنم که به کلیساهای ارتدکس روزی که وحدت بین کلیساهای ارتدکس و کاتولیک رومی تحقق یابد واگذار خواهد شد. من به سه نکته اکتفا می کنم:

الف- برای شوراهای کلیساهای پاتریارکی حق انتخاب اسقف را

که تلاشهای بشارتی کلیساهای شرق می باید پروراندن شود کمیسیون کاملاً آسیائی می تواند تشکیل گردد تا تلاشهای بشارتی همه کلیساها را هماهنگ سازد. تلاشی هماهنگ از دایره های اسقفی روم، می تواند از بشارت در آسیا حمایت نماید، و تجلی اتحاد و گوناگونی کلیساهای کاتولیک باشد.

۴- در بیانیه *Instrumentum Laboris* به اهمیت فوق العاده حمایت و پرورش جهانی بودن بشارت در آسیا اشاره کافی نمی شود. ما باید راههای بیشتری بیابیم تا به طور جمعی در نقاطی که می توانیم با سایر کلیساها همکاری نماییم به مسیح شهادت دهیم، خصوصاً درباره موضوعاتی همانند عدالت اجتماعی، اخلاق سیاسی، بشر دوستی و سایر کوششهای تکاملی، رسانه ها و تعلیم ارزشها.

نقش تعمق صوفی گرایانه

ویژگیهای این بشارت جدید برای قاره ما چه باید باشد؟ این سؤالی است که من مایلم به طور خلاصه در این فرصت مطرح نمایم.

۱- همانند همه جا، تلاشهای بشارتی ما می باید ریشه در مأموریتی داشته باشند که رسولان از عیسی خداوندمان دریافت نمودند: «همان گونه که پدر مرا فرستاد، همان طور نیز من شما را می فرستم». حال بینیم که آنها چگونه این مأموریت را انجام دادند. «در من حیات داشته باشید». مأموریتی که توسط عیسی به ما محول شده برای آنها، همچنان که برای ما اسقفها- جانشینان ایشان - اشتیاقی بارز برای جهت تبدیل به وجود می آورد. ما باید شاهدان این تجربه روحانی باشیم که ما را وادار می سازد تکرار

کلیسا در آسیا نمی تواند در میان این واقعیت تلخ گوش و زبان بسته باشد. کلیسا در آسیا نمی تواند از این شهادت برخوردار باشد که تلاش زیادی دارد تا توسط سازمانهای مختلف خود درد و رنج فقرا و ستمدیدگان را کاهش دهد. اما با تغییر شرایط جهانی شدن، فقر، و فشار اشکال نوین و خطرناکی به خود می گیرد. سخن مهاتما گاندی: «اقتصادی غیرواقعی است که ارزشهای اخلاقی را در نظر نگیرد»، همیشه صادق است.

کلیسای آسیا می باید پیام تازگی و آزادی کامل را اعلام نماید. همان گونه که قبل از خدمت بشارتی آشکار و عمومی خداوند ما خدمت نبوتی یحیی تعمید دهنده بود، کلیسا در آسیا نیز می باید خدمت نبی گونه خود را برنده تر کرده تا شاید آسیا را برای بشارتی نوین مهیا سازد. ما باید صدای بی دفاعان در جنگل بهره کشی و غارت و فقر در آسیا باشیم. کلیسا انسانها را بهتر از همه می شناسد زیرا دیدگاه او توسط انجیل منور گشته است. فراگیری دقیق تعالیم اجتماعی کلیسا را از اساس مهیا می سازد تا در این شرایط وجدان اخلاقی آسیا باشد. نقش افراد عادی از صدای رهبریت، در زمینه اجتماعی - سیاسی حساس تر است. اگر جامعه ای عادل باید به وجود آید کافی نیست که افراد را تربیت نماییم تا تعلیم دهندگان مذهبی یا خادمین عادی باشند بلکه باید آنها را تعلیم دهیم تا شهروندان ممتاز و فعالان سیاسی شوند.

۲- به واقعیت چندگانگی سنتهای کاتولیک در *Instrumentum Laboris* توجه چندانی نمی شود. تمام کلیساهای *Sui Juris* (کلیساهایی که با هم ارتباط خاص و در نتیجه قوانین خاصی دارند) در آسیا «دارای مرتبتی برابر و حقوق و وظائفی مساوی هستند، حتی در رابطه با موعظه به انجیل در تمامی جهان تحت رهبریت مقام پاپی روم».

۳- در معرفی «مجموعه قوانین کلیساهای شرق» پاپ ژان پل دوم به کلیساها یادآور می شود که با «دوریه شرق و غرب» تنفس کنند. از آن جا

این گونه شهادت در خدمت برادران مسلمان خود شدیداً احساس نیاز می‌نمائیم. چه کسی خواهد آمد تا در احیای رهبانیت واقعی آسیائی و شرقی، که ما در انتظار آن برای خدمت به مردم خود هستیم سهیم شود؟ اما الهیات آسیائی، بالاتر از هر چیز، باید تعمق‌کننده و عرفانی باشد. بیائید راز خدا را با بردوش گرفتن سنت آپوفاتیکی (apophatic) - نظریه خداشناسی مبنی بر این که توصیف و درک خدا ممکن نیست - پدرانمان که به چارچوبهای فکری اعتماد نکردند و ترجیح دادند تا رازهای نیایش، بخصوص در شعر و سرودها و شمایل‌های اصیل را به طور سمبولیک احیا نمایند، راز خدا را محترم شماریم. بدین ترتیب ما به تبدیل تمام انسانها توسط روح قدوس در عیسی خداوندمان شهادت خواهیم داد و از مباحثات بیهوده درباره چارچوبهای فکری بیگانه برای شیوه تفکرمان اجتناب خواهیم کرد. این حدس و گمان درباره این راز ناگفتنی شکافهای زیادی را از همان ابتدا در کلیسای شرقی مسیح در آسیا موجب شده است. ما باید وسوسه غرور را که گاهی در کمین استدلال‌های ماست تشخیص دهیم و برای ستایش و پرستش ارجحیت قائل شویم.

رابطه مابین نیایش و روحانیت سراسقف یوهانس لیکوآدا (اندونزی)

a-۱) برای بسیاری از کاتولیکها در آسیا نیایش «رسمی» اغلب حاوی مراسمی است که برای آنها بیگانه می‌باشد و «قلب را لمس نمی‌کند». برای آنها سرچشمه هنوز در جایی دیگر قرار دارد، مثلاً در دیانت شناخته شده یا در ادیان سنتی.

b) کلیساهای محلی مسؤولیت رشد و پرورش یک فرهنگ مشترک و

کنیم که «من دیگر زیست نمی‌کنم، این مسیح است که در من زیست می‌کند» علاوه بر این، مخصوصاً در آسیا، جایی که ما در کنار نیازمندان بسیاری قدم برمی‌داریم، کلیسای ما باید در میان کسانی که مسیح ترجیح می‌داده بشارت خوش را به آنها برساند - «متبارک هستند مسکینان» - حضوری شاخص داشته باشد.

۲- به طور خاص درباره موضوع مأموریت ما در آسیا: آیا کلیسای ما در آسیا یک کلیسای اروپائی است؟ آیا او تاریخ هزاران ساله خود را به یاد می‌آورد؟ بعضیها با نمایشی غنی از فرهنگهای دینی و انسانی کلیسا، که بسیار شاخص و متنوع است، کلیسا را سرزنش می‌کنند زیرا بیش از حد غربی شده و تمدنی بسیار بیگانه را به فرهنگ ما وارد نموده است. به هر حال، تاریخ دو هزارساله کلیسای شرقی ما شهادتی است بر سایر ارزشها. آیا ما فراموش کرده ایم که، از انطاکیه تا پکن، کلیسای ما انجیل را به هندوستان، مغولستان و چین برد و این را به صورتی سامی، بین النهرینی عرضه نمود که تحت اندک تأثیر افکار یونانی-رومی قرار گرفته بود. پس از سختیهای فراوان آیا می‌توانیم از این شورای مقدس برای احیا و تازه نمودن وابستگی ما به کلیساهای سریانی در این قاره بهره ببریم و بار دیگر در تاریخ سرگذشتمان تعهد مشترک آسیائی خویش را کشف نماییم؟ آیا کلیساهای سریانی ما می‌توانند در ضعفهای انسانی ما اما با قدرت روح القدس، جایگاهی را که زمانی در میان کلیساهای محلی متعلق به آنها بود در این قاره باز یابند؟ آیا از طریق سنتهای شرقی مدرن تر می‌توانیم با دیگران در راه شکوفائی مسیحیت اصیل آسیائی، که ما پریم و سایر پدران آسیائی با آن زیست نموده و آن را به ما منتقل نموده اند، همکاری نماییم؟

حیاتی عرفانی، به صور مختلف، قاره ما را قویاً علامتگذاری نموده. ما در حال حاضر در ایران صومعه ای برای تفکر و عبادت نداریم و برای

به این محیط است که کلیسا دعوت شده تا پیام عیسی مسیح و انجیل او را بیاورد. مسیحیان عادی در بازار (اقتصادی) زندگی می‌کنند، و اهمیت اساسی دارد که مسؤولیت کامل اعمال خود را بپذیرند. برای این افراد کافی نیست که بگویند اگر به جمع نپیوندند و هر کاری که دیگران می‌کنند نکنند، زیان خواهند کرد.

در چنین زمانه‌ای هر مسیحی که برای صداقت و وفاداری بهای سنگینی می‌پردازد باید از مسیحیان دیگر انتظار حمایت داشته باشد.

امروزه، بیشتر از هر زمان دیگر، اگر مسیحیان می‌خواهند عیسی مسیح را به مردم آسیا در زمینه‌های فرهنگی آنها بشناسانند، می‌بایستی برای آنچه که باور دارند محکم بایستند.

در این برنامه‌های تشکلی، به یک عنصر مهم باید توجه کرد، و آن این که تمایل طبیعی آسیائیه‌ها برای نوع دعای با تعمق می‌باشد. در حالی که سایر ادیان آسیائی خلسه را به راههای ساده و عملی می‌آموزند، ما اغلب خودمان را محدود به نیایشهای لفظی همانند روزاری (Rosary)، کتاب نیایش مخصوص) می‌کنیم. ما باید سنت فوق‌العاده صوفیان مسیحی خودمان را با مردم تقسیم نماییم.

Instrumentum Laboris می‌گوید که آسیائیه‌ها بیشتر تشنه تجربه عمیق مذهبی هستند تا فقط درک خردمندانه تعلیمات تعصب‌گرایانه. مسیح را در تجربیات مشترک بهتر می‌توان ارائه داد تا در آموزه‌های تئوری یا لفظی. در آسیا وسیله نزدیک شدن به الوهیت، گفتار نیست بلکه سکوت. مؤثرترین و ارزشمندترین اعلام خداوند رستاخیز کرده شهادت بیان نشده شخصی است که تجربه‌ای عمیق از خدا را پشت سر گذارده و زندگی او به توسط آن تبدیل یافته است.

معتبر در محاوره با ادیان سنتی یا دیانت مقبول عامه را بر عهده دارند، بدین جهت آنها نیازمند آزادی بیشتری هستند تا به نیایشی که می‌تواند توسط مردم آسیا آسانتر به آن زیست شود شکل دهند.

(c) در اندونزی در بسیاری جاها نمی‌توان مراسم شام خداوند را برگزار نمود، و کاتولیکها اکثراً به علت نداشتن کشیش نمی‌توانند رازهای مقدس را قبل از مرگ دریافت نمایند. چه زمانی راه حلی مؤثر برای این مشکل وجود خواهد داشت؟

۲- a) خدمت روحانی در یک مفهوم آسیائی به معنی آمادگی و توانائی یافتن حقیقت، خوبی و زیبایی در مردمان غیرمسیحی می‌باشد، زیرا روح القدس در حال کار در آنهاست. این باید یک روحانیت تحمل و محاوره صادقانه، هماهنگی و خواهری و برادری باشد.

b) خدمت روحانی در آسیا باید براساس دیدگاهی بشارتی در یک مفهوم آسیائی بنا شود، مثلاً بیشتر توسط شهادت و گفتگو تا موعظه مستقیم.

آسیائیه‌ها تشنه تجربه عمیق‌تر مذهبی هستند.

ترزا ای - چروی (مالزی)

پس از بحثهای زیاد، مشاوره‌ها و گفتگوهای فراوان درباره دلائل سقوط اقتصادی آسیا، من به این نتیجه رسیده‌ام که در میان دلائل بسیار، یک فاکتور اصلی آشکار است و آن - موضوع طمع - طمع برای کسب سود بیشتر، برای قدرت، برای بازی با افراد، برای کنترل سیاسی رسانه‌های جمعی و غیره می‌باشد.

همه چیز، منجمله وفاداری را در مذهب رشد اقتصادی قربانی می‌کنند. طمع فاکتوری بسیار گسترده است نه فقط در ممالک آسیائی، بلکه هم‌چنین در تمامی جهان.

است تا یک سمینار «اسقفی» به خوبی سازمان داده شده تحت توجهات FABC شروع به کار کند، در همکاری نزدیک با فدراسیون کتاب مقدسی کاتولیک (CBF). امید این است که این پروژه با استقبال و شراکت فعالانه روبه رو شود.

نقش بزرگتر کلیسا برای ایمانداران معمولی اسقف جرج پونا کوتیل (هندوستان)

روح القدس تشکیل دهنده کلیسا است. این بعدی خاص به کلیسا به عنوان اجتماع قوم خدا می دهد. هیچ برتری و بی کفایتی وجود ندارد. خدمات و صدقات مختلف هستند که همان طور که روح القدس تمایل دارد، بعضیها رسول، بعضی معلم، بعضی مدیران و بعضی نبی می باشند (۱- قرن ۱۲: ۱۱ و ۲۸). این بدان معنی نیست که انتصاب خادمین و دادن صدقات توسط کلیسا را انکار نماییم بلکه فقط نقش روح القدس را در بنای کلیسا به عنوان یک ارگانیزم زنده روشن می سازد، به عنوان یک جسم زنده به توسط توزیع خدمات و صدقات و نگهداری اعضای جسم مسیح با هم. ایمانداران معمولی در گذشته در هر زمینه تحت فرمان سلسله مراتب کلیسایی بوده اند و در هر مورد دستور گیرنده تلقی می شوند، به جز در مورد دادن هدایا. آنها را می بایستی تعلیم داد، اداره کرد و توسط مقامات کلیسایی تقدیس نمود. «شما را می باید معلمان باشید» (عبر ۵: ۱۲)، که این در مورد آنها صادق است. در مجمع واتیکان دوم به آنها جایگاه صحیحشان در کلیسا به عنوان قوم خدا که در این خدمات سهیم هستند نشان داده شده. کلیسای آسیا نیازمند این است که درباره تعلیم کتب مقدسه و واتیکان دوم به ایمانداران عادی به عنوان افرادی که بدون

کتاب مقدس را به عنوان کلامی زنده به درون زندگی مردم بیاورید اسقف جان شانگ - بیک (کره)

در حوزه رسولی انجیلی نیازی جدی برای تشکلی مکفی وجود دارد. و این برای کشیشان، سمیناریستها، مؤمنین و رهبران معمولی صادق است. در گذشته تأکید بسیار و یک جانبه ای بر زندگی مقدس، تعلیم مذهبی ادراکی، حضور در کلیسا و تقوای شخصی وجود داشت، که اغلب به بهای بی توجهی به کتاب مقدس صورت گرفته. اصول Dei Verbum (کلام خدا) ۱۹۶۵ آوردن انجیل به درون زندگی مردم را تأکید می کند. زیرا کلیسا نان حیات را از سفره هم خدا و هم جسم مسیح دریافت و عرضه می کند. در این اواخر، در سال ۱۹۹۴، «تفسیر انجیل در کلیسا» برای تشویق آگاهی عمیق و هدایت در طریق نگرش بر کتاب مقدس به چاپ رسید. واقعیت این است که مخصوصاً در تشکل مذهبی و شبانی، کتاب مقدس مورد مطالعه پنهان باقی مانده و از جریان زندگی قطع شده است. در نتیجه حتی آنهایی که به اصطلاح سالها در «مطالعات» کتاب مقدسی آموزش دیده اند از آوردن کتاب مقدس به عنوان کلام زنده به درون زندگی مردم کاملاً عاجزند. شخص ممکن است سؤال کند: چه چیزی موجب می شود تا سایر گروههای مسیحی آن قدر مشتاق مردم عوام باشند؟ آیا این تشنگی آنان برای کلام حیات بخش خدا نیست؟ برای جبران این کمبود، می باید تشکلی جدی در رسالت کتاب مقدس به صورت سمینار و گردهم آیی مذهبی صورت گیرد. برنامه هائی در جریان

برادران غیر مسیحی خود را همان طور که مسیح دوست می داشت دوست بدارید اسقف آرماندو بورتولاسو (سوریه)

ما اغلب از وظایف خودمان در مورد بشارت صحبت می کنیم اما شاید تا به حال در راه صحیح برای موفقیت بر حسب نقشه های خدا شروع نکرده ایم. ما اغلب توسط اشتیاقی مقدس برای تبدیل ایمان دیگران به ایمان خودمان به کلیسا تسخیر هستیم و فراموش می کنیم که اجازه دهیم خدا از طریق روح القدس عمل کند و نقشه های خود را برای بشریت به کمال برساند. این موضوع تعمق زیر را درباره نوع محاوره، و بنابراین نوع بشارتی که ما باید پیروی کنیم ارائه می کند.

ما همگی بر نیاز به گفتگو با ایمانداران غیر مسیحی متفق هستیم، و به هر حال متوجه نوعی ترس در ایمانداران خودمان شده ایم، زیرا در بسیاری موارد آنها در اقلیت هستند.

نوعی عقده عدم امنیت در آنها وجود دارد. ما چکار می توانیم بکنیم؟ ما شاید فراموش کرده ایم که فقط محبت می تواند ترس را دور کند.

برادران و خواهران غیر مسیحی ما نیاز به شهادت محبت دارند و نه دفاع. انسان نیازمند شناخت یک فرد است قبل از این که بتواند او را دوست بدارد. ما باید خودمان و ایماندارانمان را قانع سازیم که، همان طور که شورای واتیکان دوم ما را دعوت نموده، هسته های کلام را که در سایر ادیان موجودند کشف کنیم. ما به محاوره زندگی دعوت شده ایم و به این دلیل است که مسیحیان آسیا می باید باز باشند و برادران و خواهران غیر مسیحی خود را در تمام سطوح ملاقات کرده و بر طبق نمونه معلمین در خدمت نیکوکاری به آنها باشند تا شهامت یافته و در حالی که در ایمان

تزلزل ایمان خود را حفظ نموده اند یا مردمی که می بایستی در تمام اطلاعات، تعلیمات، اداره کردنها و تقدیس شدنها درگیر باشند تعمق کامل نمایند. ما نباید منتظر زمان یا موقعیتی باشیم که مشارکت افراد عادی بر ما تحمیل شود بلکه باید طبیعت کلیسا را تشخیص داده و آزادانه این خدمات را با آنها تقسیم نماییم. کلیساهای مشرق زمین این سنت را دارند که الهیدان معمولی و متخصصین در علوم مقدسه، بشارت دهندگان، موعظه کنندگان، و اداره کنندگان موقت املاک کلیسایی را تشویق نمایند. افراد عادی در تأیید کاندیداها برای خدمت درگیر می شوند. نوعی از شراکت و سهیم شدن حتی در خدمات تقدیس شده برای آنها مجاز بود. چنان که در تحمیل توبه و شراکت دادن گناهکاران معمولی در کلیسا دیده شده، و در کلیساهای سیر و مالابار مرسوم بوده است.

چون اقتدار کلیسایی امکان شراکت افراد عادی را در بسیاری از این جوانب تأیید می کند، مخصوصاً در اعلام بشارت تلاشی صمیمانه برای آماده سازی موعظه کنندگان و الهیدانان معمولی که در علوم تقدیس شده استاد هستند ضرورت دارد.

آنها ممکن است درهایی را بیابند که به آسانی به روی آنها باز می شود در حالی که این برای کشیشان شاید امکان پذیر نباشد. حضور خانواده های مسیحی در نواحی غیر مسیحی به نوعی بشارت غیر مستقیم است. اما خانواده های مسیحی مهاجر را باید شبانی کشیشان آنها حمایت کند. در این رابطه کلیسای سیر و مالابار در موقعیت خوبی قرار ندارد و می باید با نشان دادن سخاوت بیشتر و صدقات توسط تمام افراد درگیر به این درد و رنج پایان داده شود.

کلیسا شناسی مشارکت را جذب نموده و توسعه دهید اسقف ژوزف آرنائوتی (سوریه)

با اشاره به Instrumentum Laboris مایلم پیشنهادات زیر را مطرح سازم:

۱- نوشته شده که «تأثیرات عمل نجات بخش (مسیح) ... ادامه دارد ... از طریق یک ... کلیسای کاتولیک» (بند ۳۴) و در (بند ۳۵) به «چهار مبحث» اشاره می کند که در آن چارچوب فکری کلیسا به عنوان مشارکت اعمال می شود، بدون این که به کلیساهای خواهر غیر کاتولیک توجه شود. صحیح تر خواهد بود اگر این نظریه را با دستاورد شورای دوم واتیکان و اقتدار کلیسایی که در سخنان پاپ ژان پل دوم خلاصه شده است که ما «تقریباً در هر چیز اشتراک داریم» (نور شرق شماره ۳)، تصحیح کنیم. و بنابراین به جا خواهد بود که این جنبه جهانی کلیسایی را با قرار دادن آن در یک فصل جداگانه روشن سازیم.

۲- شهدای بسیاری در آسیا بوده اند که فاکتوری برای بشارت و غنی سازی آن می باشند. بنابراین مهم است که همان طور که پاپ ژان پل دوم از ما درخواست می کند بر «جهانی بودن ... شهدا» تأکید کنیم. کلیساهای ارمنی هم کاتولیک و هم رسولی به افتخار فیض شهادت در سطح شخصی و مشارکتی رسیده اند و پیشنهاد می کنم که در هفدهمین قرن تعمیر ارمنستان یاد شهدای ارمنی گرامی داشته شود.

۳- از زمان تن گیری «هنگامی که زمان به کمال رسیده بود» (غلا ۴:۴) «کلیسا پر است از تثلیث اقدس» (اوریجن)، منبع، مدل و هدف کلیسا، و این یک راز مشارکت است.

این شورا تلاش دارد تا مشارکت کلیسایی را جذب نموده، به مرحله

خود پابرجا هستند عظمت ارزشهای روحانی خود را بشناسند و آنچه را که ما را متحد می کند بیابند قبل از این که در برابر آنچه ما را جدا می سازد تسلیم شوند.

اگر دیگران محبت ناگهانی و ارج نهادن ما را ببینند نمی توانند برای همیشه بی تفاوت بمانند.

اتحاد هنگامی به دست می آید که مشارکت و محبت در میان برادران و خواهران ما ادامه یابد. این اتحاد نوعی از شهادت است که ایمانداران ادیان دیگر نیازمند دیدن آن هستند، اگر باید به راستی کلام حقیقت را بشناسند. ما باید همدیگر را بیشتر و بیشتر دوست بداریم، واقعاً تا همان حدی که مسیح ما را دوست می داشت. در کنار آن قادر مطلق از چه چیز می ترسیم؟ با او ما حضور مریمی ساکت خواهیم بود، سلولهای زنده که به حصول چیزهای بزرگ نائل می شوند و محبت را در تمام راههای زندگی تصریح می کنند.

ما هر چه بیشتر کلیسای مشارکتی شویم همان قدر بیشتر خواهیم توانست با غیر مسیحیان مشارکت داشته باشیم حتی در گوناگونی. بشارت مسئله شهادت است و نه گرویدن به مذهبی جدید. بنابراین ما به کلیسائی تبدیل می شویم که به سوی دیگران دست دراز می کند، و نه کلیسائی که سعی دارد آنها را به سوی خود جذب نموده مذهبشان را تغییر دهد. محبت مسیح همیشه رایگان و بی طرف بوده و دیگران را برای نشان دادن واکنش آزاد گذارده. پس چرا نباید ما برادران و خواهران غیر مسیحی خود را آن گونه محبت کنیم که او کرد، با اجازه دادن به او تا از طریق روح قدوس محبت و حقیقت عمل کند؟

سه میلیون نفر در سال ۱۹۴۹ امروزه به حداقل ۱۰ میلیون نفر افزایش یافته است. مشاغل مذهبی شکوفا گردیده، و بسیاری از آنها به توسط ایمان در زمانهای دشوار چین ملهم شده‌اند. در واقع مشاغل مذهبی در چین در حال شکوفایی است. تا به امروز بیش از ۲۰۰۰ کشیش جوان و حداقل ۴۰۰۰ راهبه جوان وجود دارند، اما این تعداد برای خدمت به ۱۰ میلیون کاتولیک در چین و رساندن پیام انجیل به بسیاری غیرمسیحیان در این کشور کافی نیست.

در سالهای اخیر، بسیاری از خدانشناسان متعصب در چین به رشد ثبات و اقتصاد ملی چین بسیار علاقمندتر شده‌اند. بنابراین امروزه موضوع خدانشناسی دیگر فاکتور غالب ایدئولوژی در سیاست مذهبی حکومت چین نیست. حکومتهای نگران این است که آیا می‌تواند تمام جنبه‌های جامعه را کنترل کند یا نه. به هر حال کنترل حکومتی گاهی اوقات سخت و گاه آسان است، و این بستگی به نظرات مأموران رسمی محلی نسبت به مردم کلیسا دارد.

در طول سالهای کنترل حکومت چین، شکاف مابین جوامع کلیسای آشکار و زیرزمینی بیشتر و قطعی‌تر شده است. بنابراین کلیسای چین نیاز به کمک دارد، مخصوصاً در ترویج و پیشبرد آشتی مابین دو جناح کلیسائی.

از تمام اسقفها و کاتولیکهای بیرون از چین درخواست می‌شود که به دیدار کلیسای چین بیایند و آن‌جا با احتیاط و با شیوه‌ای متوازن ملاقات کنند. شخص می‌تواند تشکل دانشجویان علوم دینی و خواهران در درون و بیرون از چین را حمایت نماید. نیایشها و پشتیبانی همانند ارسال وسایل تشکل، مثلاً کتابها و سهمیم شدن در تجربیات می‌تواند به گسترش دیدگاه آنان درباره کلیسای جهانی و تعلیمات کلیسایی کمک کند.

در واقع حالات دیگری از درگیریها نیز وجود دارند. ما باید به سختی کار کنیم و درخواست پدر مقدس را در رابطه با ترویج آشتی و نیایش طنین انداز گردانیم. با تلاشها و حمایت کلیسا در چین، ما نشانه‌های بیشتری از این را در آسیا می‌بینیم.

اجرا درآورد و رشد دهد. شورای پاتریارکهای کاتولیک مشرق زمین (CCPO) تصمیم گرفته است که از نهم تا بیست و سوم ماه مه ۱۹۹۹ جلسه‌ای برگزار نماید، تحت رهبری پدران شورای هفت کلیسای پاتریارکی خاورمیانه، که کنفرانس و نه شورا نامیده شده است. علاوه بر این (CCPO) گفته است که «به جا خواهد بود اگر شوراهای محلی هزاره اول را احیا نمایم».

من امیدوارم که کلیسا با هر دو ریه خود تنفس کند. روحیه تثلیث اقدسی، خالق اتحاد شورایی و همکاری اسقفی. در آستانه هزاره سوم باشد که این روح قدوس قایق کلیسا را به دریای بزرگ هدایت کند، در مسیرهای جدید مشارکت مؤثر، در چارچوب تثلیث اقدس و مشارکت متبارک. سه شخصیت الهی با اتحادی تحسین برانگیز در اعمال «تدبیر الهی» تصمیم گرفته و عمل می‌کنند. می‌توانیم بگوییم که آنها شورای الهی خود را در آسمان برگزار می‌کنند. شرکت در شوراهای زمینی هم اکنون هم در انتظار آسمان بودن است.

از تشکل کاتولیکهای چینی حمایت کنید

اسقف جان تونگ هون (چین)

دخالت من در رابطه با Instrumentum Laboris بندهای ۱۰، ۲۶ و ۳۹ است. و تمرکز من بر روی قدرت شهادت، نیاز به تشکل و آشتی مابین کاتولیکهای سرزمین اصلی چین می‌باشد. کلیسای چین در حداقل سی سال گذشته از سالهای ۱۹۵۰ به بعد مورد تعقیب و آزار بوده. به هر حال، کاتولیکها در چین می‌بایستی بذرا امید را با محبت و بردباری زیاد کاشته باشند. این شاید توضیح برای این باشد که چرا تعداد سکنه کاتولیک چین از

تشویق تبدیل می شود به جای این که یک مرکز تصمیم گیری جهانی باشد. همانند پولس رسول، بارگاه پاپ تشویق، ترغیب و درخواست خواهد کرد، به جای این که دستور دهد.

آیا این تخیل را داریم که تولد مقر پاتریارکهای جدید، مثلاً پاتریارکی جنوب آسیا، یا جنوب شرق آسیا و شرق آسیا را تصور کنیم؟ این پاتریارکهای جدید با ماهیت مشورتی قادر خواهند بود تا کنفرانسهای اسقفی را حمایت نموده، تقویت کرده و کار آنها را توسعه دهند. بدین ترتیب رسوم کاتولیکی جدید به وجود خواهد آمد. بدین جهت ما عدم تمرکز رسم لاتین را در ذهن خود مجسم می کنیم - که به گروهی از رسومات محلی در آسیا که برادرانه در ایمان و اطمینان متحد باشند واگذار می شود.

جهانی بودن جزء حیاتی زندگی و کار کلیسایی است کاردینال ادوارد کاسیدی

اگر خبر خوش عیسی مسیح نجات دهنده تمامی بشریت بعضی وقتها با سردی و حتی پذیرش خصمانه ای در بسیاری از نقاط آسیا روبه رو شده است، این می باید مطمئناً به دلیل جدائیهای عمیق مابین آنها بی بوده باشد که پیام نجات بخش را اعلام نموده اند. «بدون شک این اختلاف آشکارا بر خلاف میل مسیح است، و سنگ لغزش را برای جهان فراهم می کند، و به هدف بسیار مقدس اعلام خبر خوش به هر موجود صدمه می رساند».

من گرچه می دانم که در این سالهای اخیر بسیاری از چیزها عوض شده اما برای من دشوار است که باور کنم که جستجو برای اتحاد بزرگتر در میان شاگردان مسیح در آسیا احتیاج چندانی به توجه ما در طی این شورای خاص نداشته باشد.

جهانی بودن چیزی نیست که کلیسای آسیا بتواند به روش خود به کار

تنوع کلیساهای محلی ایمان کاتولیکی را غنی تر می سازد اسقف هادیسومارتا، او. کارم (اندونزی)

شورای واتیکان دوم دیدگاهی از کلیسای کاتولیک را به عنوان مشارکتی از کلیساهای، مشارکتی از جماعات، مطرح می کند. ایمان یکی است ولی تجلیات آن بسیار. ایمان کاتولیکی با تنوع کلیساهای محلی که هر کدام در زمینه و محیط خود ریشه دارد، و در تماس زنده با یکدیگر می باشند، غنی تر شده. کلیسای کاتولیک یک هرم تک سنگی نیست بلکه مشارکتی است از کلیساهای محلی. پولس بزرگترین رسول برادری است که به طرز خستگی ناپذیر از کلیساهای محلی دیدن می کرد، با تشویق، تقاضا و گاهی عصبانیت و سرخوردگی، یا گاه نیز پر از شادی و آرامش. او به ندرت دستور می داد یا تحکم می نمود. در زمان پولس اخذ تصمیمات در دست جامعه محلی و تحت رهبری شورایی از مشایخ آنها بود.

از زمان شورای واتیکان دوم نقش کنفرانس اسقفی در هدایت حرکت برای تازگی و خدمت، قاطع بوده است. یک کلیسای محلی وقتی واقعاً یک کلیسا می شود که قوانین آن نه تنها منطبق بر روح قدوس انجیل و مقررات کلیسایی باشد بلکه همچنین با عادات و رسوم قومی و سنت قانونی مردم محلی مطابقت داشته باشد. ما برای تفسیر قانون کلیسا بر حسب عادات و رسوم قومی فرهنگی خودمان نیازمند اقتدار هستیم، تا بتوانیم در صورت لزوم آن را جایگزین سازیم. در بسیاری نواحی این اقتدار باید در دست کلیسای بخصوصی باشد، یعنی کلیسایی با کنفرانس اسقفان. این باید به تغییری در روابط مابین کنفرانس اسقفی و دادگاههای مختلف رومی منجر شود. مقر رومی پاپ آنگاه به مرکزی برای اطلاعات، پشتیبانی و

مذاهب دیگری را بپذیرد از ارث محروم می‌شود. در مورد مسلمانان کسی که تغییر مذهب داده مورد تعقیب و آزار و حتی شهادت قرار می‌گیرد. به طور کلی در اذهان هندوها خصومتی نسبت به مسیحیت وجود دارد. حتی آنهایی که نسبت به ما حالت دوستی دارند برای یک عضو خانواده خود پذیرفتن مسیحیت را آناتیما (تکفیر) می‌دانند.

پیدا کردن همسر دشوار می‌شود. حتی خواهران یک زن هندو که تعمید می‌یابند برای یافتن همسر دچار مشکلات فوق العاده‌ای خواهند شد، به خاطر تغییر مذهب خواهد. اکثریت افراد در این گروه مایل به دریافت عیسی در مشارکت مقدس می‌باشند. مشارکت روحانی آنها را راضی نمی‌کند. آنها آموزه نظام کلیسا را در رابطه با مشارکت مقدس پذیرفته و احترام می‌گذارند، اما اقرار دارند که شنیدن موعظه بدون مشارکت مقدس ناقص است. این «ایمانداران» مسیح را پذیرفته و مایلند به کلیسای او تعلق داشته باشند. اما آنها به جامعه مذهبی خود تعلق دارند و نه به کلیسای مردمی. ما احتیاج به مطالعه عمیق تر مذهبی و شبانی برای تعمید مورد آرزو و رابطه آن با کلیسای مرئی داریم. ما باید این ایمانداران به مسیح را حفظ کنیم و آنها را از دست ندهیم. کلیسا باید پیاموزد که با این ایمانداران در عیسی مسیح چگونه برخورد کند، همچنین باید که مشکلات اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی آنها را درک کند و آنها را به سوی مشارکت کامل با مسیح و کلیسای او هدایت نماید. چنین افرادی نیاز به مراقبت کشیشان دارند. به عنوان شبانان. آنها به مراقبت و نگرانی ما برای مقابله با مشکلاتشان و نیز به راهنمایی برای درک و ارج نهادن بر آموزه کلیسا احتیاج دارند. تلاش سیستماتیک شبانی مورد نیاز است. شاید این خدمت خاص در کلیساست که می‌باید تکامل یابد.

گیرد یا به دلخواه خود کنار بگذارد. پاپ ژان پل دوم در نامه بخشنامه‌ای خود خطاب به اسقفان و ایمانداران کلیسای کاتولیک در تمامی جهان در مورد تعهد به جهانی بودن (Ut unum Sint) (نوشته و در آن خاطر نشان می‌سازد که «در شورای واتیکان دوم، کلیسای کاتولیک خود را متعهد ساخت تا بدون عقبگرد طریق ماجراجوئی جهانی را تعقیب کند».

حضرت پاپ این را آشکار می‌سازد که «تعهد به جهانی بودن وظیفه هر مسیحی با وجدان است که به توسط ایمان و محبت منور گردیده»، که «جهانی بودن... فقط نوعی ضمیمه نیست که به فعالیت سنتی کلیسایی افزوده شده باشد» بلکه «بیشتر جزئی حیاتی از زندگی و کار اوست، و نتیجتاً می‌باید بر تمام آنچه که او هست و انجام می‌دهد نفوذ کند». شاید بدون بی‌توجهی به سایر انواع فعالیت‌های بشراتی، کلیسا در آسیا می‌باید در آینده بیشتر در «به عنوان کلیسای مقدس دیده شدن» تمرکز کند، با تعهدی عمیق بر شیوه‌های رهبانیت زندگی که در هماهنگی با سنت‌های آسیایی بنا شده باشد.

مشکلاتی که در سر راه تعمید در هندوستان وجود دارد

اسقف والرین دسوزا

در Instrumentum Laboris (بند ۳۰) به آنهایی اشاره شده که مسیح را به عنوان خدا باور دارند اما مایل به در آغوش کشیدن مسیحیت نیستند. گروهی دیگر هستند که عیسی را می‌پذیرند و مایلند تعمید بیابند اما به دلایل جدی خواستار تعمید نمی‌شوند. نگرانی من درد و رنج این «ایمانداران» است. در این جا به چند دلیل که مانع آنها از درخواست تعمید می‌شود اشاره می‌کنم. برحسب قانون هندوویسم، شخص هندویی که

کلیساهای آسیایی اگر هویت خود را کشف نکنند هیچ آینده‌ای نخواهند داشت. طرز زندگی ما، تلاشهای بشارتی، نحوه تفکر، نگرش مذهبی و خدمات می‌باید تغییر کند و بازتابی باشد از عادات و رسوم قومی آسیایی. با وجود مشکلات و مخاطراتی که در مبارزه برای یک کلیسای محلی بودن وجود دارد، روح آزادی و خلاقیت به نگهداری و پرورش نیاز دارد. ما به جای صرف انرژی در ترجمه متون رسمی نیاز به ترویج خلاقیت در محتوای فرهنگی آسیایی داریم.

نتیجه‌گیری: هم فرهنگی یک استراتژی سطحی نیست که برای ترویج دادن ایمانمان به کار گرفته شود بلکه همان طبیعت و هویت خدمت ماست، در همان نقشه و طرح خدا که در عیسی در محاوره نجات ما متجلی شده است. کلیسا فقط وقتی که با فرهنگهای آسیایی محاوره می‌نماید، به فرمهای آسیایی روحانیت مسیحی، نیایش و پرستش، الهیات و نحوه زندگی تولدی جدید می‌بخشد، ما به عنوان کلیساهای اصیل مسیحی و کاملاً آسیایی رشد خواهیم کرد. آیا شورا به کلیساهای آسیا در تلاش آنها برای این که واقعاً کلیساهای «محلی» در خدمت بشارت باشند - در پاسخ به خواسته پاپ ژان پل دوم که در اجتماع افتتاحیه FABC در اکتبر ۱۹۸۲ ایراد شد که: «برای کمک به مردم شما تا ایمان کاتولیکی را در زمینه فرهنگ غنی آسیایی بیان کنند» - کمک می‌کند؟ در اعضای جسم واحد خود، کلیسای یکتا... مسیح منقسم نشده خود می‌خواهد که، حتی بیشتر، آسیایی بوده و بشود؟

در زندگی و طرز تفکر ما باید عادات و رسوم قومی آسیایی طنین انداز باشد اسقف بندیکت جان اوستا (هندوستان)

خدا - تجربه: مبشرین در آسیا، با مواجه شدن با مردمی با ایمانی دیگر می‌توانند نه با تکرار دستورالعملهای آموزه‌ای بلکه با شهادت دادن به یک تجربه شخصی از خدا، اعتبار کسب کنند. در مورد رسولان، همانند تجربه پولس در راه دمشق، احساس خدمت و ضرورت آن، قدرت خود را از تجربه خداوند قیام کرده دریافت داشت.

آسیا و زمانه ما در جستجوی عمیق برای تجربه خدا - تجربه الهی است که به مشارکت و هماهنگی منجر می‌شود. این تنها پاسخ است به بیماریهایی که نتیجه صنعتی شدن، اقتصاد بازار و مصرف‌گرایی می‌باشند. تجدید خدمات بشارتی در قاره آسیا می‌باید طریق زندگی متفکرانه برای همه در کلیسا باشد. وظیفه کلیسا برای آزادسازی، هم فرهنگ سازی و محاوره بین ادیان می‌باید با خدا - تجربه معنوی ادغام شده باشد.

زندگی نیایشی - هم فرهنگ سازی: تلاشهای کلیساهای آسیایی برای ادغام میراث غنی از انواع نیایشها در نیایش و زندگی نیایشی ما را نباید به منظور تلفیق عقاید مختلف در نظر گرفت، بلکه به عنوان جستجویی برای یافتن هویت اصلی آسیایی. تحت رهبری روح قدوس عیسی جوامع مسیحی در آسیا مجبور هستند در شیوه‌های نیایش، طرز زندگی، و تفکر اصالتاً آسیایی باشند و تجربه خود را از مسیح به دیگران انتقال دهند. خدمت بشارتی آینده ما نیاز به این دارد که از دسته بندیهایی که به گذشته، هنگامی که غرب تاریخچه کلیسا را به وجود آورد، تعلق دارند آزاد شود.

جوامع مسیحی خاورمیانه پرفسور برنارد اپیفان سابلا (دانشگاه بیت لحم)

نزدیک به ۱۴ میلیون مسیحی در منطقه خاورمیانه که غربی ترین قسمت آسیاست زندگی می کنند. پدر مقدس در بحث پایانی ۲۰ آوریل به ما یادآور شد که خداوند ما در آسیا مولود نشد. این یوغ خاصی بر همه ما در آسیا می نهد و ما را دعوت می کند تا وضعیت خودمان را در نور مبارزه طلبی هزاره سوم بسنجیم.

کلیسا در خاورمیانه همانند سایر کلیساها بر اهمیت بشارت دادن که نشانه ای از ایمان است تأکید دارد. اما این کلیسا در حال حاضر با مبارزه طلبیهای خاصی که ما را به توجه فوری به آنها دعوت می کند، مواجهه است. قرن بیستم شاهد کاهش تعداد ایمانداران بوده زیرا که مهاجرت به شیوه ای برای رها شدن از مواجهه با مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در منطقه تبدیل گردیده است.

بدون پیوستگی و اجتماع، مأموریت محبت و خدمت در سرزمینهای ما تضعیف خواهد شد. بدین ترتیب وعده پُری حیات، با کاهش تعداد ایمانداران که در واقع در جوامع مسیحی خاورمیانه ای زندگی می کنند، در جوامع و اجتماعات ما در ناحیه تأثیر معکوس خواهد گذارد. جوامع پراکنده مسیحیان خاورمیانه در شمال یا جنوب آمریکا، استرالیا و یا سایر سرزمینهای دوردست وابستگیهای خود را با سرزمینهای زادگاه خویش حفظ می کنند که این وابستگیها عمدتاً احساسی و خاطره انگیز هستند. جوامعی که بر کناری می ایستند احساس به حاشیه رانده شدن دارند و نیازمند تقویت و تشجیع می باشند.

مبارزه برای پیوستگی و بقای جامعه ما را دعوت می کند به: اولاً،

آگاهی خود را از ریشه های مذهبی خویش عمیق تر سازیم؛ دوماً، به سایرین در جوامع خودمان باز باشیم؛ و سوماً، راههای عملی بیابیم که در آنها بتوانیم به حضور، پیوستگی و بقای جوامع کلیسایی خویش کمک نمائیم. شورای اسقفان آسیا برای ما از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا ما را با کلیساهای خواهر در گستره عظیم آسیا ارتباط می دهد. شورا باید برای ما امکان برقراری روابط با کلیساهای آسیائی دیگر را فراهم کند تا بتوانیم از آنها و همراه با آنها، راهها و وسایل شهادت دادن به جوامع خویش را بیاموزیم. همچنان که کلیساهای خواهر ما برای بشارت دادن فعالیت می کنند، وظیفه ما نیز این است که جوامع خودمان را به صورتی زنده نگاه داریم تا به ما این امکان را بدهد که دستهایمان را به سوی دیگران دراز کرده و شهادتی مشابه درباره جوامع خویش به دست آوریم.

از طریق محاوره با اسلام مارون ال-لاهام (اورشلیم)

محاوره با اسلام، که من درباره اش صحبت خواهم کرد، مربوط است به منطقه خاورمیانه. در ممالک متعدد آسیائی شاید مفاهیم دیگر متفاوت باشد. محاوره با کشورهای عرب و خلیج نیز همان قدر متفاوت است که با کشورهای خاورمیانه می باشد.

۱- مسیحیان اقلیتی هستند در جوامع مسلمان خاورمیانه، اما در عین حال آنها برای آن جامعه به همان اندازه مسلمانان اهمیت دارند، زیرا این دعوتی روحانی است که خواست خدا می باشد. ما مسیحیانی هستیم در میان مردم مسلمان خودمان، خدا می خواهد ما در میان آنها و برای آنها مسیحی باشیم، جامعه خودمان را در میان آنها بسازیم و فیض دریافت شده

(c) محاوره روحانی شامل تبادل تجربیات روحانی نیایش، و روابط با خالق در یک سطح انفرادی یا جمعی می باشد. این ناحیه در واقع بدون بررسی باقی مانده است.

(d) محاوره زندگی رایج ترین نحوه محاوره است. درباره مسائل زندگی روزمره، تحصیلات، کار، آزادی نیایش: در بسیاری نواحی که ایمان مذهبی می توانسته ولی نباید مانعی عملی ایجاد کرده باشد.

(e) در مورد محاوره فرهنگی، شخص باید دقت کند، همان طور که در Re- latio ante disceptationem (گزارش قبل از تبادل نظر) گفته شده، که ایمان در خاورمیانه به طور مکفی هم فرهنگ شده و مسیحیان عرب خود را جزئی جدائی ناپذیر از همان مردم مسلمان می دانند که با آنها و برای آنها زنده اند.

۴- محاوره اجازه پاک سازی خاطرات گذشته را می دهد، هنگامی که مطالعه مجدد تاریخ مشترک را ترویج می دهد موجب می شود که تفسیرهای متفاوت، صلیبیون، فتوحات مسلمانان و غیره با یکدیگر سازش کنند. هم چنین به ما کمک می کند تا بار دیگر به دام همان اشتباهات گذشته در تاریخ یا شرایط سیاسی همانند جنگ خلیج و برخورد اعراب و اسرائیل نیفتیم. مطالعه مجدد تاریخ با هم و آشتی دوباره خاطره ها یکی از فرمهای اساسی محاوره باقی می ماند.

کشف مجدد تعمیم

آقای آنتونی هو کا- کینگ (هنگ کنگ)

اسم من آنتونی هو است، در خانواده ای بودائی در هنگ کنگ به دنیا

را با آنها تقسیم نمائیم. بنابراین به نجات، که توسط عیسی مسیح به واقعیت گرائیده، شهادت می دهیم.

این دعوت مسیحی - عرب همیشه توسط خود مسیحیان یا مسلمانان به یک شکل درک نمی شود. گاه برای خدمت و گفتگو درک شده و خوش آمد گفته می شود، و گاهی اوقات نه. به هر حال فقدان واکنش به این معنا نیست که دعوت ما از بین رفته و دیگر وجود ندارد.

۲- اصل محاوره ما بین ادیان یک «برخورد محترمانه و صادقانه است که در آن طرفین مایل به شناخت یکدیگر هستند، یا از یکدیگر تعلیم گرفته و غنی تر می شوند». اگر این اصل اعمال شود، بدان معنی است که دو طرف متقابلاً به خودشان تا حدودی آزادی «رسمی» بیان داده اند، که در تحت شرایط دیگر جدید المذهبی (Proselytism) نامیده خواهد شد.

از طریق این نوع محاوره، طرف مسیحی می تواند آشکارا اصول تعصب گرایانه مسیحیت که برای مسلمانان غیر قابل قبول می باشد، همانند رازهای تثلیث اقدس، توبه و غیره را مطرح نماید.

همین نوع از محاوره به مسیحیان اجازه می دهد تا به تشریح نکات اساسی برای اسلام، که به دلیل بی توجهی و پیش داوری معمولاً ایده ای ناقص و اغلب اشتباه از آنها دارد، گوش کنند.

۳- محاوره با اسلام می تواند فرمهای مختلفی بگیرد: تعصب گرایانه، روشنفکرانه، فرهنگی، روحانی یا محاوره زندگی.

(a) محاوره تعصب گرایانه، عملاً وجود ندارد یا بسیار نادر است، و هنگامی که اتفاق می افتد معمولاً در یک سطح انفرادی یا خصوصی است.

(b) محاوره روشنفکرانه در چندین کشور خاورمیانه و در سطوح مختلف ما بین روشنفکران و رهبران وجود دارد. این بر ارزشهای کلی اصول اخلاقی (عدالت، صلح، برابری) یا ارزشهای مدنی (احترام به حقوق و وظائف دیگران، حفظ محیط زیست) اصرار می ورزد.

۱- امروزه، کلیسای اورشلیم، مادر کلیساهای کوچک و یا دقیق تر بگوییم گروهی از کلیساهای کوچک است - جمعاً ۱۳ کلیسا. در اورشلیم سه پاتریارک و ده نفر سراسقف، اسقف و یا معاون پاتریارکها از کلیساهای مختلف کاتولیک، ارتدکس، و پروتستان زندگی می کنند. روابط ما بین ما خوب است، و همکاری مشخصی در ملاقاتهای منظم ما وجود دارد. تعداد ۳۰۰،۰۰۰ مسیحی (کاتولیک، ارتدکس و پروتستان) در سرزمین مقدس زندگی می کنند که در حوزه اسقفی سه کشور (اسرائیل، فلسطین و اردن) پراکنده اند. از کل جمعیت ۱۲ میلیون نفری این منطقه ۱۰،۰۰۰ نفر مسیحی در شهر اورشلیم در جمعیتی حدوداً ۶۰۰،۰۰۰ نفری زندگی می کنند.

به هرحال در اورشلیم نه فقط کم بودن تعداد، بلکه بیشتر پیوستگی یا تداوم یک راز مطرح است، رازی که عیسی ۲۰۰۰ سال قبل با آن بر روی این زمین زندگی کرد. عیسی گروه کوچکی از شاگردان و چندین زن به همراه داشت که به او ایمان داشتند. علاوه بر این او در زادگاه خویش و میان قوم خود نشانه ای از تضاد باقی ماند (لوقا ۲)، یعنی قوم خودش او را پذیرا نشدند (یو ۱) بلکه برعکس او را رد نمودند و به مرگ محکوم ساختند. در زندگی کلیساهای ما و مردم سرزمین مقدس، ما به تجربه همین راز مردود شدن ادامه می دهیم. امروزه، عیسی در سرزمین خود، در کلیسای خود که در اورشلیم است، و توسط تمام ممالک مردود شناخته شده. تعداد اندکی مسیحی باقی می ماند تا پیام او را شهادت دهند.

این راز کلیسای اورشلیم شاید بخشی از جوابی به این سؤال باشد که توسط اغلب کلیساهای آسیا مطرح گردیده: چرا کلیساهای هنوز هم بعد از گذشت قرن‌ها و انجام تلاشهای بسیار توسط مملکت خویش نفی می شوند، و نماینده چنین تعداد اندکی هستند؟

۲- اورشلیم شهری مقدس برای سه مذهب است. برای مسیحیان این

آمده و در ۱۷ سالگی تعمید یافته ام. همسر و پنج فرزند دارم و معاون مدیر عامل سیتی بانک هنگ کنگ می باشم. زمانی که در مدرسه بودم، یک پدر یسوعی بخشایش گناهان را در نام عیسی مسیح برای من موعظه نمود. اما این بذر کاشته شده بعدها تقریباً خشک شد زیرا ایمان من به اندازه کافی قوی نبود تا با مشکلات روزمره مقابله نماید.

در این شرایط من به پیام یک تعلیم دهنده مذهبی روی آوردم که به من گفت خدا مرا به همین شکلی که هستم، با تمام ضعفهایم، دوست می دارد. من توانستم به ریشه های تعمید برگشته و آنها را ذره ذره کامل نمایم. این تجربه را به تنهایی کسب ننمودم بلکه با یک جامعه کوچک، ما سالها تجربه کردیم که این پیام حقیقی و نبوت گونه است و زندگی ما شروع به عوض شدن در این مسیر نمود.

به دلیل تجربه شخصی، من فکر می کنم که یک درخواست مجدد، در کلیسا، برای آموزش مذهبی افراد غیر مسیحی و مسیحیان نوایمان در حوزه های کلیسائی ما برای کسانی که ایمانشان توسط دلبستگی به دنیای مادی و به وسیله محیط زیست اطراف - که نسبت به زندگی مسیحی خصومت دارد - تهدید شده ضروری است. طریقی که ایمان آنها را قوی می سازد، و خانواده را در کشف مجدد تعمید احیا می گرداند.

این بازگشتی است به پیام شبانی کتاب اعمال رسولان: «باردیگر نیازی فوری وجود دارد برای ارسال رسولان از خود گذشته، مانند پولس و سیلاس که در دنیای آسیا سفر کردند و جوامعی را بنا نمودند، و توسط خانواده های بشارتی همانند آکوئلا و پریسکیلا کمک کرده شدند».

کلیسا به راز مردود شمرده شدن ادامه حیات می دهد

میشل صباح (پاتریارک اورشلیم).

چون دخالت من می بایستی به کلیسای کلدانی خود محدود باشد مایل هستم تأکید کنم که در تاریخ کلیساهای شرق، شخص باید بر نقش کلیسای کلدانی در بشارت دادن به اقوام آسیائی که از قرن هفتم رایج بوده تأکید کند. پس از پایان زمان تعقیب و آزارها که چهار قرن به طول انجامید، کلیسای ما دست به فعالیت بشارتی زد که به ممالک مختلف آسیائی به دوری حتی چین می رسید. سنگ نوشته «سین یان فو» که تاریخ آن به سال ۷۷۹ میلادی برمی گردد و به چینی و کلدانی نوشته شده، و یک کپی از آن در موزه واتیکان موجود است، بهترین دلیل تاریخی توسعه عملیات بشارتی کلیسای شرق در میان اقوام و ملل در ترکمنستان، تبت، مغولستان، عربستان، هندوستان و جنوب شرق آسیاست.

به علاوه جالب است به یاد آوریم که یکی از پاتریارکهای بزرگ کلیسای ما مار یواهای سوم، با اصلیت چینی مغول با مارکوپولو، سیاح ونیزی، در سال ۱۲۸۰ در طی ۱۶ سال سفر او به مشرق زمین در دربار خان، شاهزاده مغول، ملاقات نمود. مارکوپولو فعالیت بشارتی این کلیسا را که در ممالک مختلف شرق بسیار خوب سازمان داده شده بود، توصیف کرد. در همان زمان ایمانداران این کلیسا تعدادشان به حدود ۸۰ میلیون نفر می رسیده که در ۲۵۰ حوزه اسقفی و بیش از ۳۰ حوزه سر اسقفی پراکنده بوده اند.

هنگامی که تیمور لنگ که در سال ۱۳۶۹ مسلمان شده بود، به قدرت رسید تعقیب و آزار مجدد کلیسا در تمامی امپراتوری اعلام گشت. بعدها ترکهای او تومن نیز که آنها هم در سال ۱۲۸۱ مسلمان شده بودند به دنبال تیمور لنگ رفتند و کلیسای ما محدود به ممالک خاورمیانه شد و بدین سبب تعداد ایمانداران تقلیل یافت.

امروزه این فعالیت بشارتی تحت غلبه و استیلای اسلام در سرزمینهای قرار دارد که در آنها ایمانداران این کلیسا زندگی می کنند، و قوانین محدود کننده ای بر علیه هر نوع جدید المذهبی وجود دارد.

شهر مقدس par excellence (اصلی ترین) است، زیرا شهر اصلیت آنهاست. این شهر باید محل آشتی میان انسان و خدا، و میان انسانها، و سرچشمه صلح برای منطقه و برای جهان باشد. امروزه، اورشلیم شهری مورد اختلاف است، شهر جنگ، نفرت و بی عدالتی.

صلح منطقه و جهان بستگی به برقراری صلح در اورشلیم دارد. بقای تعداد اندکی از مسیحیان که در این جا زندگی می کنند نیز بستگی به صلح و ثبات در اورشلیم دارد. بسیاری از کلیساهای در آسیا و در تمام جهان علائمی از همبستگی و حمایت برای کلیسا در اورشلیم نشان داده اند. به هر حال، جدا از مقرر مقدس و کنفرانس کلیسائی ایالات متحده، انسان می تواند شاهد باشد که چگونه کلیساهای در رابطه با جستجوی راه برای برقراری صلح و عدالت در اورشلیم سکوت اختیار کرده اند. به کلامی از جانب کلیساهای نیاز است، و این می تواند به بازیابی راه عدالت و آشتی دوباره کمک کند.

فعالیت بشارتی آسیا به عنوان يك «مشارکت» رافائل، بیداوید (پاتریارک کلدانیها، عراق)

خطاب من به موارد ۳۷، ۳۸، ۳۹ از Instrumentum Laboris است. کلیساهای شرق را کلیساهای آسیای غربی خوانده اند، نامی جدید با این هدف که تضمین شود که کلیساهای خاص ما کلیساهائی هستند در مشارکت با کلیساهای مختلف آسیائی و با کلیسای جهانی. در سند شورای اسقفان ما، می بایستی تأکید بیشتری بر کلیساهای شرق گذارده می شد، مادرانی که از زمان اولین رسولان به جوامع مسیحی تولد داده اند.

خشونت، تبعیض و غیره - در بسیاری از سطوح زندگی و دقیقاً در رفتار مردم آسیا مرتبط باشد. بنابراین هرگونه راه حل و یا استراتژی تکاملی که پیشنهاد شود می باید پایه در عمل خود مسیح و روح بخشایش و توبه داشته باشد. روشن نمودن این که چگونه این محبت و گشایش می باید مردم بی تفاوت را لمس نموده الهام بخشد و از اسارت آزاد نماید، بخشی از وظیفه بشارتی ماست. حتی اگر انسان امروزه به شیوه های جدیدی برای بهتر نمودن زندگی دست یافته باشد عیسی هنوز هم تنها نجات دهنده است. دلیل واقعی برای زندگی از خدا می آید (پید ۱: ۲۷).

کلیسای سریانی علیرغم آینده ای دشوار به حیات خود ادامه خواهد داد

سر اسقف باسیل موسی داود (سوریه)

من به عنوان اسقف کلیسای سیرو انطاکیه ای، درباره کمکهایی که به نظر من کلیسای سریانی می تواند در این شورا بنماید - با توجه به دیدگاه بشارتی جدید و مشارکت کلیسایی - با شما صحبت می کنم. برای ما زبان سریانی (آرامی) عنصر بسیار مهمی است که توسط خداوند ما عیسی و رسولان وی صحبت می شده. سریانی زبان اولیه بشارتی بوده و بنابراین اولین وسیله هم فرهنگ سازی و بشارت برای ما در آسیاست - از طریق تفسیرها و ترجمه های کتب مقدسه که مهمترین آنها «پشیتا» می باشد.

کلیسای رسولی انطاکیه با سنت آرامی همواره احساس می کند که به دوش کشنده پیام انجیل در آسیا بوده است. در طی قرون او نفس روحیه خدمت و جهانی بودن را که در توسعه وسیع جغرافیایی وی نمایان بوده

فعالیت بشارتی ما شامل زندگی کردن در هماهنگی پدران به توسط نیکوکاری - بهترین زبان برای صحبت کردن با شهروندان دیگر - از طریق زندگیمان به عنوان مسیحیان ایماندار و عمل کننده، در اطاعت از دستور مسیح نجات دهنده عالم، الهام شده.

نقش نیایش در روحانیت آسیائی سراسقف گادنسیو روزالس (فیلیپین)

حضور شخصی در آسیا همیشه با یک طرح مطلق صدا، تحرک و فضا احاطه شده. سکوت و انزوا ویژگی آسیائیه در وطن خودشان است. و این (ویژگیها) واقعاً سکوه های نیایشی می باشند. سکوت برای آنها بیگانه نیست. خدا را در آن سکوت قرار دادن با تقاضای کمک از او، حضور او، نام او، انسان را برای نیایش آماده می کند. اما نیایش مسیحی، خطاب به پدر در عیسی، شخص را به نیکوئیها و رحمت پدر باز می کند. مادر مریم نشان داد که هیچ حکایتی از نیاز بشریت هرگز از بین نرفته و بدون توجه نمی ماند (لو ۱۹: ۲، یو ۴: ۲-۱). تمام تنگدستیها و اسارتها در نیایش به پدر گنجانیده می شود، همچنان که تمام نیازها در عیسی برآورده می شود که آمد تا «باشد که همگی حیات یابند و آن را زیاده تر حاصل کنند» (یو ۱۰: ۱۰). در کنار بخشش گناهان، عیسی ساختارهای شریانه ای که در زندگی بر اساس گناه بنا شده بودند را متلاشی ساخت.

اساس قاطع بی ظرفیتی و اسارت آسیایی، که گناهکار بودن انسان است، عمدتاً دست نخورده باقی مانده است. ما باور داریم که عیسی «تمام گناهان ما را آمرزیده است» (کول ۲: ۱۳). اما گناه به عنوان اساس قاطع اسارت نیاز به این دارد که کاملاً با بسیاری حالات گناه آلود - طمع،

گیرد. ما با امیدواری شاهد تولد تجربیات رهبانیت در این جا و آن جا هستیم. از آن جا که تعداد مسیحیان در شرق رو به کاهش بوده و هست ما مجبور به طرح این سؤال هستیم که آیا در هزاره سوم هنوز هم مسیحیانی در شرق هستند؟ تعداد ما از پنجاه درصد به سی و بعد به ده درصد و در اکثر کشورهای عرب به دو درصد یا کمتر تنزل یافته. آیا این پایان کار است؟ نه. همه چیز گفته نشده. ما حتی از زمانهای سخت تر از این هم گذشته ایم و باور داریم که بذری که در زمین کاشته شده بار دیگر شکوفه خواهد آورد و کلیساهای شرق ما هنوز دعوت دارند تا نقشی مهم در خدمت کلیسایی در آسیا و در تمام جهان بازی کنند.

شیوه بشارت دادن آسیایی را تأیید و تقویت کنیم سراسقف ایگناتیوس سوهاریو هارجو آتموجو (اندونزی)

در آسیا مردم آنچه را می بینند باور می کنند. مردم آسیا به افراد و روابط مابین آنها بیشتر احترام می گذارند تا به اصول آموزه ها. ما در کار بشارتی تجربه می کنیم که چقدر مردم به افراد و روابط ارج می نهند مخصوصاً آنهایی که به نوعی تجسم احترام، همدردی و شفقت هستند. برداشت اخلاقی بشر دوستی آسیاییها اولین دعوت به شروع خدمت بشارتی ماست.

هنگامی که ما به افراد مخصوصاً ایمانداران درباره اطمینان اساسی خودمان نسبت به هموعان خویش صحبت می کنیم در می یابیم که تا چه اندازه نگرانی، ارزش، درد و رنج، و عشق به صلح و هماهنگی زندگی و انگیزه هایی که آنها بلافاصله سهیم می شوند در وجود مردم نهفته است. در این جاست که ما جستجوی آنها را برای معنی ایمان، ارزشها و اشتیاقها

حفظ نموده و به قلب قاره و به هندوستان رسانیده است. فرهنگ سریانی، غنای فرهنگی و روحانی حوزه باستانی مدیترانه را به آسیا آورد و عناصر حکمت و روحانیت باستانی آسیایی را به دنیای مدیترانه ای برد.

آزادی و اصالتی که مشخصه نیایش سریانی است البته بیان کننده هم فرهنگ سازی موفقانه ایمان مسیحی نیز هست. کافی است سرودهای نیایشی ماراپرم، معلم کلیسا را به یاد آوریم.

بجا و مناسب است که بر سازماندهی شورای کلیسای خودمان تأکید نماییم که همانند سایر کلیساهای شرق نقش پاتریارک در درون آن نمونه و مدلی است از سازماندهی کلیسایی و بسیاری از واقعیتهای متنوع قاره آسیا. آیا می توانم یک بار دیگر به تجربه کلیسای سریانی خودمان و سایر کلیساهای شرق در رابطه با دستگذاری کشیشان ازدواج کرده، که شاهدان پابرجای انجیل در کلیسا و اجتماع شده اند، اشاره نمایم؟ بدون آنها جوامع کلیسایی ما بسیار مشکل تر می توانستند در طی دوره های سخت و زمانهای تاریک دوام آورند.

من مایلم توجه شما را به وفاداری آنها به سوگند رهبانیت تا به امروز جلب نمایم، با وجود این که چهارده قرن از استیلای اسلام می گذرد. در طی قرون ما آنچه را که لازمه محاوره است به دست آورده ایم، که با محاوره زندگی، در کنار یکدیگر کار کردن، همسایه خوب بودن، احترام متقابل، و قدر فرهنگ یکدیگر را دانستن شروع می شود. هنوز هم نمونه های فراوانی از محاوره های مذهبی وجود دارد که امید فراوان به حصول نتایج ارزشمند و مفید از آنها می رود.

کلیسای سریانی اساساً توسط روحانیت رهبانی نشان دار شده: از یک سو عمیقاً به تجربیات صوفیانه و زهدگرایی جذب گردیده و از سوی دیگر قانع شده که می باید مسؤلیتهای فرهنگی و کلیسایی گسترده ای را به عهده

کلیسا در آسیا باید قدرتی برای بشارت دادن باشد اسقف ژوزف ویانی فرناندو (سریلانکا)

اگر کلیسا در آسیا در آستانه هزاره سوم دعوت می‌شد تا فعالیت بشارتی جدیدی را شروع کند، باید درون‌نگری عمیقی وجود داشته باشد تا دریابد که کلیسا چگونه باید این وظیفه بشارتی را به انجام رساند. با وجود تمام فعالیت‌های اجتماعی برای مراقبت از فقرا در قاره آسیا کلیسا به نظر نمی‌رسد که در مأموریت بشارتی خود چندان موفق باشد.

مردم آسیا عمیقاً مذهبی هستند. آسیا تشنه خداست. این موضوع مردان و زنانی که دارای روحانیت عمیق هستند و توسط الهیت لمس شده‌اند را تحسین کرده. بنابراین آنچه که امروزه مورد نیاز است جهت دادن دوباره به پیروی ما از خداوند عیسی در مفهوم خدمت بشارتی ماست.

خدمت باید از نیایش و تعمق جریان یابد. یک روحانیت عمیق بر اساس «خود تهی‌سازی» (Knosis) که ریشه در ارزشهای مذهبی زهدگرائی، انکار نفس، فقر طبق تعلیمات انجیل و انزوادارد پیش فرضی برلی مشارکت عمیق با خدا و همسایه است. ما نمونه‌ی زیبا از چنین قدرت بشارتی در زندگی و خدمت ژوزف واز متبلرک، میسر هندی، داریم که کلیسای سریلانکارا در قرن هفدهم در شرایطی نجات داد که تحت تعقیب و آزار بود.

کلیسا در آسیا اگر مایل است که اصالتاً وظیفه بشارتی خود را به انجام رساند باید روحانیتی را که در نجات دهنده خود، خداوند عیسی مسیح، ریشه دارد فورموله کرده و کلیه ارزشهای ذاتی مذهبی و فرمهای فرهنگی قاره ما را بر خود بگیرد، در این صورت او دیگر فقط کلیسای «حفاظت‌کننده» نخواهد بود و به قدرتی قوی در راه خدمت بشارتی تبدیل خواهد شد.

درمی‌یابیم. در این محاوره زندگی ما تشخیص می‌دهیم که روح قدوس خدا در طی زمان قبل از این که ما به آنها برخورد کنیم در آنها چه کرده است. بدین سبب در آسیا ما نیازمند شروع با دانش روحانی متمایز از آنچه که روح خدا انجام داده هستیم. این را ما در محاوره زندگی انجام می‌دهیم.

فقط در چنین محاوره زندگی است که ما، بشر و جو آزاد روحانی پیروان سایر ادیان را می‌یابیم که در آنها مردمی که توسط روح خدا لمس شده‌اند اشتیاق خود را به شناخت مسیح بیان می‌کنند. این اصالت انسانی و وضعیت روحانی برای انتقال حیاتی که ما داریم بسیار مناسب است. انجیل را می‌توان فقط به شیوه‌ای منتقل کرد که خدا را در حال عمل توسط روح قدوسش احترام می‌گذارد، آزادی و عزت مردمی را که به روی انجیل باز هستند محترم شمرده و روابط انسانی مابین ایمانداران مسیحی و سایرین را حمایت می‌کند.

در سهیم شدن در ایمان ما به گام جستجوگر و پیش‌رونده مردم احترام می‌گذاریم که به نوعی در واقع گام روح القدس می‌باشد. فقط به این طریق است که ایمانداران مسیحی می‌توانند همکاران روح خدا شوند. در بشارت دادن، ما با محاوره زندگی در سطح انسانیت و روح مردمی شروع کرده به آنچه که به عنوان شاگردان هستیم و به آنچه که داریم - پیام زندگی و نجات در مسیح - شهادت می‌دهیم و از کسانی که می‌خواهند به جمع شاگردان، یعنی کلیسا، بپیوندند دعوت می‌کنیم. این بدان معنی است که ما با کلیسا شروع نمی‌کنیم بلکه با آنچه که روح القدس در مردم، ادیان، و فرهنگها و غیره انجام می‌دهد و ما را دعوت می‌نماید تا مردم را به رویارویی و تجربه عیسی هدایت کنیم. در این مفهوم است که تعلق داشتن به کلیسا مطرح می‌گردد. این نگرش الهیاتی در ساختار *Instrumentum Laboris* منعکس نگردیده. من از پدران شورا تقاضا می‌نمایم که شیوه بشارتی آسیایی را تأیید و تقویت کنند.

is اشاره ای گذرا شده. اولین چیزی که خداوند از ما خواسته این است که برای تعهد خدمت بشارتی در کلیساهای آسیا نیایش کنیم. کلیسای سیرو-مالابار به ریشهٔ رسولی خود افتخار می‌نماید و منشأ آن را تا به تومای قدیس رسول به عقب می‌برد، که تجربه ای منحصر به فرد از خداوند رستاخیز کرده داشت و آمد تا راه حقیقی و تنها راه به سوی خدا را به هندوها تعلیم دهد.

به هر حال، حتی پس از ۲۰۰۰ سال، راه مسیح آشکارا در هندوستان فقط توسط اقلیتی بسیار کوچک حدود ۲/۴ درصد، پیموده می‌شود. کلیسای سیرو-مالابار از سال ۱۸۹۶ که اسقفهای سنت خود و ملیت خود را یافت پیشرفتهای درخشانی کرده است. خدا با تعدادی از متعهدین به خدمت بشارتی به طرز حیرت‌آوری به کلیسای ما برکت داده.

با اشاره به این وضعیت غیرعادی کلیسای سیرو-مالابار که به او اجازه پیروی از انجام خدمت بشارتی در سنت کلیسایی خود داده نمی‌شد بود که مجمع واتیکان دوم اعلام نمود که همهٔ کلیساها در سراسر جهان برای موعظه به انجیل تحت رهبری پاپ روم حقوقی مساوی دارند. در پیوند نزدیک با این حق، حق برخورداری ایمانداران از مراقبت شبانی در سنت کلیسایی خودشان می‌باشد. این دستورالعملها به زحمت به انجام رسیده است. پس از نامهٔ پدر مقدس به اسقفهای هندوستان در تاریخ ۲۸ ماه مه ۱۹۸۷ بعضی از موانع برای رشد کلیسای سیرو-مالابار از میان برداشته شده است. اما در زمینه موقعیتهای بشارتی و مراقبت شبانی از مهاجرین در هندوستان و خارج از کشور کارهای بسیار بیشتری باید انجام شود.

در حال حاضر اسقفهای سه کلیسای کاتولیک در هندوستان نشانه‌های مثبتی از همکاری نشان می‌دهند. به اجرا گذاردن سریع این راهنماییهای پدر مقدس در یک روح مشارکت الزامی است. اگر موانع فعلی در راه خدمت بشارتی کلیسای سیرو-مالابار و مراقبت بشارتی آن برداشته نشود،

پیوند با سایر کلیساها در آسیا را تقویت کنیم کشیش، دیوید گیل (استرالیا)

درودها از کنفرانس مسیحی آسیا، یک سازمان منطقه ای کلیسای جهانی که نمایندهٔ قریب به ۱۲۰ کلیسای پروتستان، ارتدکس و انگلیکن در ۱۷ کشور است که از پاکستان در غرب تا ژاپن در شرق، و تا استرالیا و نیوزیلند در جنوب گسترش دارد، هم چنین درودها از شورای ملی کلیسا در استرالیا، یکی از معدود شوراها آسیائی که در آن یک کنفرانس اسقفی کاتولیک عضویت کامل دارد.

موضوعات مطرح شده در شورا فقط مسائل کاتولیکها نیست بلکه مسائلی است که برای تمامی کلیساهای آسیائی مطرح است. اما مردم ما از موقعیتهای فراوانی که برای همکاری جهانی کلیسایی وجود دارد به طور کامل بهره نمی‌برند. اختلافات آموزه ای و محدودیتهایی که بر مسؤلین کلیساهای ما تحمیل گردیده نباید عذری باشد برای شکست در راه انجام کاری که می‌بایستی انجام می‌شده تا اتحاد مسیحیان به پیش رود. ما امیدواریم که این شورا اقداماتی برای تحکیم پیوند با سایر کلیساها در آسیا انجام دهد.

موانعی که بر سر راه خدمت بشارتی است

باید برداشته شود

سراسقف وارکی ویتایاتیل (هندوستان)

«محصول زیاد است اما دروگران اندک». من دربارهٔ کارگران انجیل صحبت می‌کنم که به آنها در بند هفتم Instrumentum Labor

مسیحی خصومت دارد. سادگی و اصالت زندگی بر طبق انجیل مسیح، توسط همگان با شادمانی تشخیص داده خواهد شد و این خود خدمتی بشارتی است.

۴- اتحاد مسیحیان در آسیا نیازمند توجه فوری است. معیار مشارکت و اقتدار در کلیسا هنوز هم موضوع مناقشه مابین خانواده‌های مختلف کلیسایی است. آنها را باید در گفتگو با سنت‌های ارتدکس و پروتستان به کمال رسانید و نه به طور یک جانبه از طریق کلیسای روم.

هر کلیسا ویژگی‌های فرهنگی منحصر به فرد خود را حفظ می‌کند شاهان سرکسیان (کلیسای ارمنی لبنان)

خاورمیانه و شورای کلیساهای خاورمیانه خودشان را در وضعیتی منحصر به فرد معرفی می‌کنند، که تجربه آنان شایسته تعمق و بررسی است. می‌باید به نکات ذیل توجه کرد:

۱- کلیساهای قدیمی و جدید در کنار یکدیگر زندگی کرده و خودشان را عرضه می‌کنند.

۲- چهار فامیل کلیسایی با هم در درون شورای خاورمیانه همکاری دارند.

۳- کلیساها با غیر مسیحیان به مدت چندین قرن گفتگو و تماس‌های دائمی داشته‌اند، با تمام عواقبی که این تماسها تداعی می‌کنند.

۴- کلیساها از طریق زندگی و خدمت در ممالک خاورمیانه بر ایمان مسیحی خودشان شهادت می‌دهند.

۵- هر کلیسا بی‌همتایی فرهنگی، تاریخی و سنتی خود را حفظ می‌کند، در حالی که در یک سنت، یک تاریخ، یک زمان حال، و آن طور که امیدواریم در یک آینده مشترک مسیحی سهیم هستند.

رشد آن دچار رکود شده و حرارت بشارتی آن به سردی خواهد گردید. این یک واقعیت است که محدودیتهایی که کاتولیک‌های شرقی در هندوستان با آنها روبه‌رو هستند در هیچ جای دنیا توسط مسیحیان پیرو تومای قدیس که در مشارکت با روم نیستند تجربه نشده است.

اتحاد مسیحیان در آسیا نیاز مبرم به توجهات ما دارد دکتر. م. جورج (کلیسای سریانی، هندوستان)

عالیجناب، اجازه دهید تشکرات عمیق خود را در نام کلیساهای عضو کنفرانس آسیائی مسیحیان و کلیسای خودم، کلیسای ارتدکس مالانکارا در هندوستان، ابراز دارم.

۱- الگوی زیارت برای این شورا و خدمت بشارتی در آسیا الگویی بسیار مناسب است. می‌باید آن را از سفرهای با انگیزه سودآوری متمایز دانست. خدمت بشارتی استعماری که با ورود واسکوداگاما در سال ۱۴۸۹ به هندوستان آغاز گشت را باید در این پانصدمین سالگرد آن به دقت مورد بررسی قرار داد. پاکسازی فضای آسیائی از سلطه اقتصادی و فرهنگی برای خدمت بشارتی الزامی است.

۲- مردم آسیا تقویم خودشان را در هماهنگی با آهنگ طبیعت و ضربان حیات کیهانی دارند.

آنها آمدن نور و حیات و ولادت مسیح را با تقویم رومی تشخیص می‌دهند. ثبت زمان در آسیا، به دور از هرگونه سلطه‌گری غربی، پیش فرضی است برای بشارت. جشن تولد مسیح نباید به برگزاری جشن سلطه یک فرهنگ بر فرهنگهای دیگر تبدیل گردد.

۳- خود - آگاهی جدید در ادیان باستانی آسیائیها با فعالیتهای بشارتی

۴- ما باید نشان دهیم که آماده همکاری با کلیسای چین هستیم. در کنار هنگ کنگ، کلیساهای دیگر آسیائی مخصوصاً کلیسای فیلیپین، کره و بسیاری کلیساهای محلی دیگر چیزهای بسیار برای هدیه کردن به کلیسای چین دارند.

۵- ما خودمان را به عنوان اقلیت در چین در نظر نمی گیریم بلکه به عنوان مبشرین «برای» چین، که آماده هستند تا همکاری بیشتری را مابین کلیسای خودمختار چین و سایر کلیساهای محلی در کلیسای جهانی به وجود آورند.

به روند تشکلی جدیدی برای جوانان نیاز است. نیکلاس سامچای تارافان (تایلند)

در Instrumentum Laboris به «جوانان به عنوان مبشرین» اشاره شده. آنها با توجه به تعداد زیادشان، مسلماً نقشی بسیار مهم در زندگی کلیسائی جامعه و قاره آسیا ایفا می کنند، کلیسا همان گونه که تلاش دارد تا به جستجوی «شبهه ای نوین برای کلیسا بودن در آسیا» بگردد، می باید بیاموزد که با جوانان گام بردارد. باید بکوشد تا جوانان را از دیدگاههای متفاوت آنان درک کند. امروزه، جوانان با مشکلات زیادی روبه رو هستند، آنها اهداف بازاری هستند که طالب و مروج فرهنگ مادی گرایی و مصرف گرایی می باشد، و قربانی به کار گرفتن کودکان، سوء رفتار و ناسزاگویی کودکان، و مینهای زمینی. آنها جای زخمهای بحران اقتصادی جاری را بر تن دارند و آینده آنها توسط بدهیهای (دولتها) تیره و تار شده. با بیگانه شدن به اقلیتی تبدیل می شوند، و با تبعیضها - مثلاً در مورد کودکان دختر - و رقابت در زمینه تعلیم و تربیت روبه رو می شوند. در چارچوب عنوان شده در بالا،

به کلیسای چین اعتمادی را که شایسته اوست نشان دهید ژروم هاندربو (بلژیک)

۱- ما باید به کلیسای چین اعتماد کنیم. کاتولیکهای چین در گذشته دچار مصائب بی شماری بوده اند. پس از هر تعقیب و آزار در تاریخ، کاتولیکهای چین در حالی که بر مردگان خود ماتم گرفته بودند، به دعا کردن ادامه می دادند: «من به یک کلیسای مقدس رسولی و کاتولیک ایمان دارم». این کلیسای چین اینک برای بار دوم در این قرن خود را از نو سازماندهی می کند. در سند نهائی این شورا، کلیساهای آسیا می باید اعتماد خود را به کلیسای چین، که کاملاً مستحق آن می باشد، نشان دهند. اعتمادی که چنینها با تکیه بر آن و به شکرانه ایمان و نیایشهای خود و ما قادر خواهند بود تا در تصمیم گیریها بر مسائل داخلی خود فائق آیند.

۲- ما باید اعتماد خودمان را نشان دهیم. اسقفان چینی هر دو گروه کلیسائی موفق خواهند شد در محاوره مشکلی که دارند به حکومت خود بقبولانند که اسقفهای یک کلیسای خاص چین هم اعضای گروه اسقفان جهانی هستند، که تحت ریاست پاپ می باشند، برای کمک به دولت به منظور تمایز مابین روابط دیپلماتیک با واتیکان و روابط ایمانی کلیسای چین با مقرر پاپ، و برای کمک به کلیسا جهت تقدیم به خدا آنچه را که متعلق به خداست، و به سزار آنچه که متعلق به سزار است.

۳- ما همچنین نگران کلیسای چین هستیم زیرا که باید بر اختلافات نظرهای داخلی خودمان در رابطه با کلیسا فائق آئیم. چه در آسیا، آمریکا یا در اروپا زندگی کنیم، باید از ندای آشتی که بارها توسط پدر مقدس تکرار شده پیروی نماییم: «مبادا با اختلافات درونی خودمان شکاف موجود در درون کلیسای چین را تأیید کنیم».

طریق تعمید، مأموریت دارند تا به عیسی توسط عنصر کلیسا بشارت دهند. با یکدیگر گام برداشتن می باید به معنی با یکدیگر کار کردن باشد. در سنت آسیائی، و بخصوص شرقی، با یکدیگر بودن و مشارکت یک مدل خانوادگی است. زندگی کلیسا را نمی توان در تمام پری آن احساس نمود، مگر این که قسمت اعظم جسم کلیسا، یعنی افراد عادی، خودشان را در حیات کلیسائی درگیر نمایند.

آنها فقط با درگیر شدن در کار کلیسا احساس خواهند کرد که جزئی از کلیسا هستند و چنین احساس تعلق به کلیسا به آنها توانائی خواهد داد تا مبنای در زمینه های مربوط به خودشان باشند.

کلیسا فاقد تلاشهای ایثارگرایانه کیشیان و افراد مذهبی، که مدلهای مبارزه طلبانه برای افراد عادی هستند، می باشد. طبق مدلی که توماس رسول ارائه داده این دعوتی است برای تغییر در آموزش آنها به عنوان شاگردان حقیقی عیسی.

تشکیل شورای کلیساهای مشرق زمین با توجه به مشکلات زیاد و مشترک، نیاز مبرم زمانه است.

کلیسای آسیا، و به طور خاص کلیساهای شرق، ممکن است در آینده مسؤولیت بشارت مجدد را در کلیسای غرب بر عهده گیرد.

امید است تا زمانی که سنت «با هم کار کردن همانند یک خانواده» بار دیگر احیا شود، کلیساهای مشرق زمین حداقل از مدل ارائه شده توسط این شورا، که توسط پدر مقدس برگزار شد، تبعیت نموده و هر کجا که قوم خدا منجمله افراد عادی حضور دارند آنها را در روند تصمیم گیری درگیر سازند.

«بشارت» دادن به جوانان بسیار مشکل خواهد بود. زیرا به نظر می رسد که هیچ رابطه ای مابین ایمان و شرایط زندگی ما موجود نباشد. در نام جوانان آسیا، آیا می توانم از صمیم قلب عنوان کنم که:

۱- لطفاً، ما و مسائل ما را به عنوان مشکلی فوری در نظر بگیرید، چون ما حال و آینده آسیا و کلیسا هستیم.

۲- لطفاً به ما اجازه دهید که نه تنها در فعالیتهای گوناگون شرکت کنیم، بلکه همین طور همیشه در روند تصمیم گیریها در کلیسا درگیر باشیم.

۳- برای روند تشکلی جدید به ما اجازه دهید. چنین روندی می باید شامل افشاگری و پنهان کاری باشد، برنامه هایی که قدرت می بخشند، دائمی و پرمحتوا هستند و محوریت آنها بر مسیح بوده، و به تفکری عمیق تر و اقدام منجر می شوند. لطفاً به جوانان اجازه دهید تا تشخیص داده و روحانیت را خودشان به وجود آورند، در جایی که ایمان از طریق درگیری در مسائل و موضوعات اجتماعی مشاهده می شود، و برای ملکوت خدا که هم اینک است و هنوز نیست فعالیت کنند. سیستم تعلیم و تربیت کاتولیکی باید فرصتی باشد برای شاگردان جهت مطالعه تعلیمات اجتماعی کلیسا و سایر مذاهب، با تأکید بر ارجحیت انتخاب به نفع فقرا، نه این که سازمانها به سوی منافع بیشتر هدایت شوند. نهایتاً لطفاً، تمام تصمیمات زیبای FABC در رابطه با جوانان را به مرحله اجرا درآورید، و در عین حال مکانیزمی برای ارزیابی تأثیرات آنها ایجاد نمایید.

افراد عادی باید در زندگی کلیسائی بیشتر درگیر باشند
ژوزف کوریان (کرالا، هندوستان)

به افراد عادی باید گفته و تعلیم داده شود که آنها در اتحاد با کلیسا، از

کلیسای محلی تقسیم شده - ۷ کلیسای کاتولیک و ۵ کلیسای ارتدکس، که البته باید اجتماعات گوناگون پروتستانها را نیز به آنها افزود - و نیز وقتی می دانیم که این کلیساها خواه ارتدکس، خواه کاتولیک هر یک ساختار ویژه خود و سنتهایی که به شدت پای بند آنها هستند را دارا می باشند درست همان طور که سالمندان و خانواده های بزرگ به نشان اشرافی خود پای بندند (چرا که اغلب آنها کلیساهای باستانی پاتریارکی از قشر رسولی می باشند) غنا و پیچیدگی این حقیقت کلیسائی را بهتر در می یابیم. به ما گفته می شود که گوناگونی، زیبایی را پدید می آورد و این حقیقت دارد!

ولی این نیز حقیقت دارد که چند صدایی بدون هماهنگی تبدیل به هرج و مرج صوتی شده و گوناگونی بدون اتحاد موقعیتهای حساس، حتی کشمکشهایی را در مرکز همان خانواده ایجاد می کند.

از همین جاست که به نظر من اتحاد، همبستگی، عمل متحد و هماهنگ در اولویت می باشند.

«من همصدا با هملت شکسپیر نمی گویم «بودن یا نبودن، مسئله این است»، بلکه بیشتر منظورم «خمیرمایه بودن یا نبودن» در خمیر این دنیای اسلامی و یهودی است که ما را احاطه کرده، این آن سوآلی است که در اذهان ما مطرح می شود.

از آن جا که ترویج انجیل به صورت مستقیم تقریباً غیر ممکن شده است ما انتخاب دیگری جز ترویج آن توسط شهادت زندگی نداریم.

منظور من از اتحاد ادغام این کلیساها به منظور درهم آمیختن آنها و تشکیل یک کلیسای واحد، در حالی که سایرین در این کلیسا حل شده و از بین می روند، نمی باشد. اما برای آن که خمیرمایه ای باشد که خمیر را تخمیر نماید ابتدا باید که این کلیساها به نوبه خود توسط یک خمیرمایه تخمیر یابند، البته نه تنها به صورت افرادی که خود را با فرمانبرداری به روح القدس می سپارند (در این جا می توانیم خدا را به خاطر مقدسین و

حقیقت کلیسای امروز در خاورمیانه ابراهام نهمه، اسقف اعظم یونانیان کاتولیک سوریه

پدر بسیار مقدس، پدران گرامی شورای اسقفان آسیا،
برادران و خواهران در مسیح عیسی،

در آنچه می خواهم بگویم، توجه شما را به Instrumentum Laboris (بند ۳۷) جلب می نمایم، همان قسمتی که مسأله شراکت کلیساهای محلی با یکدیگر و یا با کلیسای جهانی مطرح شده و صحبتها را به خاورمیانه محدود می نمایم.

حقیقت کلیسایی امروزه در خاورمیانه به چشم بیننده مانند حقیقتی غنی و بدون تردید، اما تا حدی پیچیده و حتی منحرف کننده، به نظر می رسد.

سرزمین مذاهب مهم توحیدی و در عین حال سرزمین تناقضها و اختلافات مذهبی و سیاسی در طول تاریخ، سرزمینی که تن گیری پسر خدا را دیده و در گذشته مهد مسیحیت نوپا و شاهد نیک بختی و توسعه درخشان آن بوده است. سرزمین کلیساها و صومعه های هزار نفری و مؤمنین میلیونی و با این وجود امروزه سرزمین مسیحیتی تکه تکه شده، قتل عام گشته که توسط از یک سو مهاجرتهای توده های تحت فشار اقتصادی و نابسامانیهای سیاسی و از سوی دیگر توسعه روز افزون و سریع جهان اسلام و یهودیت که آن را احاطه کرده و در محاصره خود قرار داده است غرق شده. کشورهای عراق، ایران، لبنان، سوریه، اردن، فلسطین که امروزه بیش از ۱۲۰ میلیون نفر جمعیت دارند در تمام نواحی آنها بیش از ۴ میلیون مسیحی یافت نمی شود.

از سوی دیگر، وقتی می دانیم که همین اقلیت مسیحی به بیش از دوازده

حاشا از من که بخواهم شما را بد بین کنم، که این کار گناهی بر علیه روح القدس است. برعکس، در جایی که هستیم دلایلی برای امیدواری وجود دارد. که در این جا می خواستم بر آنها تأکید کنم، به امید آن که بازتاب و مکانی مساعد در نتیجه گیریهای این شورای محترم بیابد.

I - در درون اتحاد کلیساهای کاتولیک

آگاهی از حقیقت کلیسایی به همان شکلی که بیان نمودیم بیش از پیش احیاء شده و اشاعه می یابد، و بیداری عمیقی به وجود آمده که حرکت قاطعانه و شجاعانه به سوی یک اتحاد، مشارکت و همکاری هماهنگ تر در زمینه حضور و کار کلیساهای کاتولیک در خاورمیانه شروع شود.

نوآوریهای اخیر بسیار صورت وعده دارند:

۱- مجمع پاتریارکی کاتولیک، با تشکیلات اخیر، سازمانی کلیسائی است که دعوت شده تا نقش بسزائی در ارتقاء مشارکتی که در آرزوی آن هستیم ایفاء کند. این مجمع به هر حال موفق خواهد بود اگر:

(الف) تدارکاتی بهتر مقدم بر آن باشد؛

(ب) به صورتی گسترده تر با آراء عمومی ارتباط برقرار نماید؛

(ج) به کارگیری نتایج آن با دقت دنبال شود؛

(د) توسط شوراهای تابع هر کلیسا بهتر حمایت شود، امری که اگر

هر پاتریارک خود را با نمایندگی کوچکی که توسط شورای تابعه به صورت تام الاختیار فرستاده می شود همراه سازد، تحقق خواهد یافت.

۲- امیدوارم طرحی که در بطن است در سال ۱۹۹۹ در لبنان چشم به جهان بگشاید یعنی در اولین کنگره پاتریارکها و اسقفان کاتولیک خاورمیانه با شرکت نمایندگان روحانیت، زنان و مردان مذهبی، هیئتهای نمایندگی عامه مسیحیان از قشرهای مختلف اجتماعی و بالأخره نمایندگان سایر مذاهب. به نظر می رسد که این طرح حامل امیدواریهای عظیمی است.

شهادی متعددی که مشرق زمین دائماً توصیه می نماید سپاس گوئیم) بلکه به ویژه به صورت کلیساهایی که دعوت به مخمر شدن به صورت قوم خدا شده اند، قومی که در حال مهاجرت است.

امیدوارم این اجازه به من داده شود تا بگویم که طریق روحانی مشارکت و اتحاد در محبت پدر برای انسانها، و پاسخ به این محبت توسط محبت برادران تا پای جان، درست به مثال عیسی بر روی صلیب، امروزه تنها راه مؤثر در جهان است که سرعت ارتباطات و سهولت روابط و گفتگو جایی برای فرد گرایی در آن باقی نمی گذارد و مشارکت و مشاورت را به شدت تسهیل می نماید. بنابراین حقیقت کلیسائی در خاورمیانه به هیچ وجه شهادتی دائمی و آشکار از اتحاد و مشارکت نمی باشد.

ما چگونه می توانیم جنبه جهانی بودن کلیسا را در قلب محیط غیر کاتولیک خود شهادت دهیم، هنگامی که خود ما کاتولیکها به اندازه کافی عمل شبانی خود را در بیشتر بحثها و بخصوص در زمینه گفت و شنود جهانی با کلیسای خواهر غیر کاتولیک هماهنگ نکرده ایم؟ چگونه می توانیم در محیط اسلامی و یهودی خود شهادت دهیم که ما شاخه های زنده یک تاک، یعنی مسیح، هستیم در حالی که به عنوان مثال بر روی جزئیات پیش پا افتاده ای مانند توافق بر سر تعیین تاریخی مشترک برای عید قیام، اختلاف ما بدون راه حل باقی مانده و خود را مورد تمسخر غیر مسیحیان قرار داده ایم؟

اما در مورد تفاوت های اصولی جدی تر و شدیدتر بر سر نکاتی از جمله مسیح شناسی، روح القدس شناسی، کلیسا شناسی و مریم شناسی چه می توان گفت، البته اگر الهیات پروتستان را به حساب بیاوریم.

آیا پدر بسیار مقدس ما، ژان پل دوم بارها ما را آگاه نساخته که دعوت سایرین به سوی انجیل در صورتی که خود ما در عدم اتحاد به سر می بریم غیر ممکن و حتی بی فایده است؟

جدائی. اما این نباید بیش از یک انگیزه برای دو برابر کردن تلاشهایمان باشد، تلاشهایی برای غالب آمدن بر تمامی مشکلات هر قدر هم که بزرگ باشند.

به هر حال، برای آن که گفتگوی جهانی و پیشروی کلیساهای کاتولیک شرق به سوی اتحاد با کلیساهای خواهر ارتدکس سهولت یابد و به طرز شایسته ای برای این کلیساها که توسط خون و شهادت بهائی برای اتحاد با کرسی مقدس پرداخته اند تحقق یابد - اتحادی که صراحتاً از تردید و غرض ورزی به دور می ماند. به نظرم اهمیت زیادی دارد که کرسی رم برای پاتریارکهای کاتولیک شرق همان امتیازاتی را قائل باشد که در گذشته قائل بود، اهمیتی که پاتریارکهای ارتدکس هنوز هم در درون کلیساهای خود برای هر آنچه به اراده شسانی مربوط است در کل و یا به طور اختصاصی دارند:

الف - حق شوراهای هر کلیسا برای انتخاب اسقفان با توجه به آداب و سنتهایشان.

ب - حق به کارگیری قدرت قضائی درباره مؤمنین کلیساهایشان که در سراسر جهان پراکنده اند.

ج - و سرانجام حق این که خود ایشان به نام هیئت روحانی خدمتگزار مؤمنان پراکنده، برای مجرد یا تاهل روحانیون تصمیم بگیرند.

به امید آن که روح حیات بخش و عمل کننده در کلیسا به وساطت مریم، مادر خدا و مادر کلیسا، امیدواریهاییمان را باردیگر بیدار نموده، تجدید نماید و ما را به آستانه هلهله عظیم و سومین هزاره ای که تا افق سر می کشد، به سوی شادمانی باز یافتنها و مشارکت بین تمامی کلیساهای شرق و با کلیسای جهانی در جهت رفاه تمامی انسانهایی که به جهان چشم می گشایند هدایت نماید.

این دو نوآوری و باز هم برخی دیگر، به طور طبیعی به گونه ای هستند که از کلیساهایمان نه تنها یک آبر کلیسا نمی سازند بلکه فقط یک کلیسا، بلی به جای در کنار هم قرار دادن کلیساهایی که به علت نام مشترکشان به هم مربوط می شوند (کاتولیک)، نامگذاری ای که مفهوم بالقوه آن تحقق نیافته، فقط یک کلیسا خواهیم داشت.

II - از نظر جهانی

نهضت وحدت کلیساها چیست؟ آیا همان به کارگیری تلاشهای مشترک بین دو یا چند جناح مسیحی نیست که نسبت به کلیساهای مختلف سوگند یاد کرده اند، با این هدف که نکات مشترکی که قبلاً به دست آمده محاصره نمایند و نکات دیگری را توسط یک دست ساختن اختلافات و کوتاه نمودن فواصل به منظور دستیابی به مشارکتی در باورها و تجربیات، و برای تحقق یافتن یک ایمان به عیسی مسیح، تسهیم در زندگی در ایمان، در امید و در احسان کشف نمایند.

نوآوریهای متعدد جهانی در سالهای اخیر تمایل مشترک به سوی اتحاد نشان می دهد، آنها مانند پرستوهایی هستند که آمدن بهار را اعلام می کنند. اگر این نوآوریها از کلیسایی به کلیسای دیگر دارای همان تقدیر نیک انجام نیستند فقط می توان:

۱- به خاطر آنانی که با موفقیت روبه رو شده اند شاد بود، از این جمله می توان نزدیکی تقریباً به کمال رسیده کلیسای کلدانی و آشوری را ذکر نمود.

۲- و مشکلات برخاسته را در مسیر نزدیکتر شدن دو کلیسای خواهر و نظیر یعنی کلیسای کاتولیک ملکیت یونانی و کلیسای ارتدکس بیزانس را طبیعی تلقی نمود. در واقع، به سرعت بالا رفتن از قلعه اتحاد آسان نیست آن هم زمانی که طی قرنهای رو به عقب شتافته ایم، حتی تا عمیق ترین چاه

موعظه کنندگان به انجیل نیز می باید کلام در دهانشان قرار گیرد، آن را جذب کنند، توسط آن تغذیه شده و برقرار بمانند، تحت تأثیر آن قرار گرفته و تبدیل شوند، تا بتوانند به طور مؤثر آن را اعلام نمایند.

۲- لبهای اشعیای نبی مطهر گردیدند زیرا او می دانست که مردی ناپاک لب است، و بنابراین نالایق برای موعظه پیام (اش ۶: ۵-۷). همین تطهیرسازی را باید همه کسانی که به انجیل موعظه می کنند انجام دهند. آنها باید نگرانی بزرگی برای قدوسیت حیات داشته و مواظب باشند تا لبهای خود را پاک و از هر سخن شریانه و پست دور نگاه دارند.

۳- کتاب اعمال، جامعه مسیحی اورشلیم را به عنوان جامعه ایمانداران معرفی می کند، که در نیایش متحد شده و در تعداد رشد می نمودند (اع ۲: ۴۴-۴۷، ۴: ۳۴-۳۷، ۵: ۱۲-۱۴). فقط یک جامعه مسیحی و با ایمانی عمیق می تواند به حیات نیایشی زندگی کرده و کاملاً متحد باشند تا بتوانند دیگران را نیز به ایمان به عیسی جذب کنند. مردم اهمیت چندانی نمی دهند که ما چه می گوئیم، حتی نه برای آنچه که ما انجام می دهیم، و یا این که ما چه هستیم و چگونه زندگی می کنیم.

۴- جوامع صومعه ای تا آن جایی که به ایده آلهای جوامع مسیحی اولیه اورشلیم عمل کنند، می توانند کمکهای بزرگی برای خدمت بشارتی باشند، مخصوصاً در ممالکی که سنت رهبانیت غیر مسیحی وجود دارد صومعه ها تشکیل دهنده بهترین سکوها برای محاوره میان ادیان هستند.

به برادران تحت تعقیب و آزار ما همدردی نشان دهید

اسقف ژوزف ورث (روسیه)

کلیسا در ممالک اتحاد شوروی سابق خوشحال است که توانسته پس از چندین دهه جدائی اجباری یکبار دیگر خود را با خانواده بزرگ کلیسای

خدمت بشارتی در آسیا عمدتاً محاوره زندگی است کاردینال پال ژوزف فام دین تونگ (ویتنام)

وظیفه شورا این نیست که وارد بحثهای مذهبی درباره تاریخ یا الهیات شود، بلکه این که راهنمائیهای شبانی برای خدمت بشارتی عرضه نماید. اکثریت عظیم مردم آسیا تجربه عمیق مذهبی دارند که ما باید آنها را بشناسیم و ارج نهیم. خدمت بشارتی آسیا در وهله اول محاوره زندگی با تمامی ایمانداران است، تجربه ای که هم اکنون هم آنها را به خدا که منشأ تمام چیزهاست نزدیک تر ساخته است.

اعتقاد عمیق ما این است که انجیل می تواند برای مردان و زنان آسیائی چیزی شاخص و حیاتی به ارمغان بیاورد: شناخت خدای پدر، محبت او که از آن همه چیز سرچشمه می گیرد، و نجاتی که او به ما در عیسی مسیح عرضه می کند. اما به این منظور تجربه مذهبی ما باید با آموزه ما برابری کند، و حیات نیکوکاری جوامع ما می باید انعکاس اصیلی از محبت خدا باشد. مادر ترزا اهل کلکته به ما نشان داد، که با این شیوه راهی برای محاوره با هندوئیسم و سایر مؤمنین آسیائی گشوده خواهد شد.

صومعه ها بهترین سکو برای محاوره بین ادیان هستند

آقای جان کوریچیانیل (هندوستان)

در Instrumentum Laboris به کرات به موضوع اعلام انجیل به مردم آسیا برخورد می کنیم. من در این جا به چند تعمق در این باره اشاره می کنم.
۱- هنگامی که ارمیا و حزقیال به نبوت دعوت شدند کلام خدا در دهانشان نهاده شد (ار ۱: ۹، حزق ۲: ۸، ۳: ۳)، به منظور آماده ساختن آنها برای موعظه.

کلیسا را تجربه کنیم. امروزه ما در کشورهای اتحاد شوروی سابق آزاد هستیم و وظیفه مقدس خود می دانیم که با برادران و خواهران دیگرمان که این آزادی را ندارند متحد باشیم.

شرق و غرب با هم باید با مادی گرائی مقابله کنند کاردینال راجر اتشه گارای

ما در کدام شورا هستیم؟ به جای آسیا لازم است که از شرق صحبت کنیم. اگر این کلمه را به معنی واقعی آن برداریم تمام آن چیزی را که شرق را از غرب جدا می سازد، از نظر فرهنگی به مراتب بیشتر از جغرافیائی، روشن می سازیم. این شورا می باید ما را نسبت به این فاصله در سطح مذهبی آگاه سازد، و در این مفهوم، من آن را شاخص ترین و مهم ترین شوراها می دانم که شهادتی خواهد بود برای توانائی کلیسا برای تجسم پیام مسیح نجات دهنده در همه جا، از طلوع تا غروب خورشید.

بسیاری از کلیساهای آسیا حاشیه ای و یا در اقلیت هستند، و در بعضی ممالک نوایمانان به گروههایی از مردم محدود می شوند که آنها نیز به توسط فرهنگهای ملی به حاشیه رانده شده اند. عضویت اقلیتهای بومی در کلیسای اقلیت، یکی از علائم مشخصه خدمت بشارتی در آسیاست.

ویژگی قوی اقلیت بودن کلیسا دیدگاه روحانی خاصی را جذب می کند. کلیسا هر چقدر بیشتر یک اقلیت باشد، همان قدر بیشتر باید نگران نشان دادن ویژگیهای منحصر به فرد خود باشد. اکثریت مذهبی هر چقدر بیشتر به راز نقشه جهانی خدا برای نجات آشنا شود، همان قدر بیشتر کلیسا باید انرژی خود را از ایمان به عیسی مسیح، تنها نجات دهنده ما، دریافت کند. اصولاً، آیا این روحانیت نمک جهان بودن و خمیرمایه در

جهانی مرتبط سازد. شب تعقیب و آزار سپری شده و روز بار دیگر فرا رسیده است، روزی با امیدهای فراوان. در این شورا کلیسا در سیبری برای اولین بار با کلیسا در آسیا ملاقات می کند. ما در شادی مشترک تعلق داشتن به یک کلیسای مسیح سهیم هستیم. من از این فرصت استفاده کرده و تشکرات عمیق خود را برای نیایشها و همدردیهای شما در طی سالهای تعقیب و آزار بزرگ اعلام می نمایم.

پدران بسیار مکرم شورا، من به عنوان عضوی از کلیسا، که پس از تحمل درد و رنج زیاد بار دیگر حیات می یابد، مایل هستم توجه خود را به کلیساهای محلی در آسیا که هنوز هم تحت تعقیب و آزارند معطوف دارم. احساس می کنم که ما نباید در همدردی نسبت به برادران و خواهران تحت تعقیب و آزار غفلت نمائیم. نمی دانم این همدردی ما چگونه باید بیان شود و به آن عمل گردد تا این که واقعاً مفید فایده افتد بدون این که موجب زیانی گردد، اما می دانم که اسقفان چین، کره و کشورهای دیگر که تحت تعقیب و آزار هستند و وضعیت دقیق را می دانند می توانند در این مورد ما را کمک کنند. من درباره اتحاد شوروی می اندیشم. ما باید به دفعات با تأسف در این گردهم آئی مهم جهانی که در روم و یا در جایی دیگر در هر دو سطح سلسله مراتبی و سطوح وسیع تر برگزار می شود اعلام کنیم که کلیسای تحت تعقیب و آزار ما فراموش شده بود. و از طرف دیگر تشویق و تسلی بسیار احساس کردیم، هنگامی که خبرهای همدردی و حمایت کلیسای جهانی به کلیسایی که پشت پرده آهنین زندگی می کرده رسید. پدر مقدس، من نمی توانم سخنان شما را فراموش کنم، که احتمالاً در سال ۱۹۷۹ در یکی از آن موقعیتهای که شما آشکارا و به وضوح اعلام کردید «هیئتها و اسقفان بعضی از کلیساهای شرق باز هم غایب هستند، ما دیگر نمی توانیم ساکت بمانیم؛ نباید این طور باشد!» و در واقع مدت طولانی هم آن طور نماند. امروزه حداقل، می توانیم بیائیم و با همگی شما یک

حقوق و وظائف کلیسای لاتین بهره می برند! در آن صورت کلیسای کاتولیک، خادم بزرگ نیکوکاری، می تواند به مرکزی تبدیل شود که تمام مسیحیان در آن به یکدیگر نزدیک می شوند، و درخواست بزرگ او برای اتحاد می تواند به بیانی زنده برای کلیسائی بودن یک جامعه تبدیل شود.

مسیحیت در آسیا باید ویژگیهای آسیائی خود را حفظ کند اسقف اسوالد توماس کلن گومیس (سريلانكا)

۱- متأسفانه این جای زخم تاریخی در بیشتر ممالک آسیائی وجود دارد که مسیحیت یک مذهب غربی است که همراه با قوای استعمارگر آمد. این پیش داوری اغلب توسط متعصبین مذهبی و افرادی که سعی داشته اند از این موضوع استفاده سیاسی بنمایند مبالغه شده و سدی است جدی برای خدمت بشارتی ما.

ما باید فکر خود را متوجه این موضوع ساخته و ببینیم چگونه می توانیم این ذهنیت را از بین ببریم.

۲- مادی گرائی و غربی شدن مذهب و زندگی کشیشی، و تلاش جماعات مذهبی سنتی رو به افول غرب به منظور به عهده گرفتن خدمتی در آسیا، در حیات مذهبی آسیا تأثیر معکوس دارند. این اغلب موجب شهادت معکوس در نحوه زندگی مذهبی در آسیا شده و باعث گردیده که حیات مذهبی مسیحی با ویژگیهای حیات سنتی مذهبی، که در زندگی رهبانیت، ترک دنیا و انزواگرائی بازتاب دارد، مطابقت ننماید.

۳- ما نیاز به بومی شدن عمیق در زندگی مذهبی خودمان داریم هم در نگرش روحانی و هم در شایستگی ظاهری. جوامع مذهبی که در آسیا به وجود آمده باید حمایت و تشویق شوند تا خصوصیت آسیائی و نحوه زندگی و روحانیت خود را حفظ کنند و به عنوان یک بهار جدید زندگی

خمیر بودن نیست که کلیسای آسیا به شدت تجربه می کند، که امروزه به دلیل روند مادی گرائی به روحانیت تمام کلیسا در تمامی جهان مبدل می شود؟ به این مفهوم، کلیساهای شرق و غرب دعوت شده اند تا به یکدیگر در حفاظت از انجیل کمک کنند، تمامی انجیل.

کلیسای شرق - که ولادت نجات دهنده را دید - کلیسائی است که مصمم است از آستانه هزاره جدید عبور کند. باشد که جشن سال مقدس در تمامی شرق با شادی و تازگی در خدمت عدالت و صلح جشن گرفته شود.

امیدها برای کلیسای یونانی ملکیت در هزاره سوم سراسقف فرانسیس ابومخ (سوریه)

والوگنز (Valognes) در کتاب خود پیش بینی می کند که به دلیل مهاجرتها و پائین بودن میزان تولد این مسیحیان به آرامی از بین خواهند رفت. به هر حال ما به آنها مشکلات و قربانیهای را که اجداد آنها می باید در راه ایمان خود می دادند یادآور می شویم.

کلیسای رسولی محلی ما هنوز هم دچار سه مشکل دیگر هست:

۱- جدائیهای داخلی ما
۲- مشکلاتی که توسط مبشرین لاتین به وجود آمده، مشکلاتی که کلیسای «لاتین» به وجود آورده اند به جای این که خودشان را با شرق هم - فرهنگ سازند.

۳- تحقیری که به دلیل اقدامات خاص بر کلیساهای کاتولیک شرقی ما وارد آمده موجب بروز مشکلات در برگزاری جشن دو هزار سالگی همراه با برادران ارتدکس ما گردیده است.

اگر فقط می توانستیم امیدوار باشیم که هزاره سوم روزی را خواهد دید که فرزندان کلیسای کاتولیک یکدیگر را سازماندهی می کنند، و از همان

کنند. بنابراین ضروری ترین وظیفه اولیای کلیسا این است که با یکدیگر متحد شوند، با این آگاهی که در یک وضعیت که به آنها مبارزه طلبی بشارتی عرضه می کند و آنها نمی توانند آن را نادیده بگیرند شریک هستند.

۲- خدمت بشارتی: جدا از خدمت بشارتی کلیسا در آسیا در زمینه های محبت و خدمت که در بند هفتم Instrumentum laboris آمده، بیانیه رسولی کلیساهای خاورمیانه را دعوت می کند تا در دنیای اعراب با دیدی مثبت نسبت به پیشرفت انسانها، درباره انسان دوستی، اخلاق و وضعیت اجتماعی سیاسی، ادغام شوند.

ضروری ترین نیاز آموختن این مطلب است که تاریخ را در راستی بنا کنیم. در واقع این رژیمهای سیاسی این ممالک است که راستی را تعیین می کند بدون احترام به دوگانگی اساسی حکومت و جامعه. ما بایستی به یک آزادی دموکراتیک که شخص را به روی دیگران باز می کند، و گفتگو مابین فرهنگها و ادیان را تضمین می نماید، و خواستار احترام برای حقوق و وظائف افراد است، و با دیدگاهی مثبت به پیشرفت فردی و جمعی که تداومی کننده احساس شراکت، مسؤلیت و قربانی دادن بوده و تأییدی است بر اقتدار سیاسی «خادم خداست برای تو به نیکوئی» (روم ۴:۱۳) شهادت دهیم.

کلیسای کاتولیک بذری است که درختی از آن پرورش خواهد یافت از آندرزنی مادژ (ترکمنستان)

روح القدس که در درون تاریخ قبل از ما عمل می کند، بیشتر و بهتر از ما و دائماً خط سیر جغرافیایی خدمت بشارتی را تعقیب می نماید، از ما پیشی گرفته است. دو مبشر از گروه بشارتی Oblate از Mary Immaculate

مذهبی و بشارتی در آسیا شناخته شوند.

۴- آسیا در فقر و تهیدستی خود نه فقط مسائل اجتماعی-اقتصادی را می بیند، بلکه همچنین مسئله عمیق تر الهیاتی، مسئله شیطان. که برای آن جوابی را جستجو می کند. ادیان سنتی جوابهای متفاوتی عرضه کرده اند. مسیحیت که جواب آن را در مرگ، صلیب و رستاخیز مسیح دارد می باید این جواب مذهبی را به صورت طبقه بندی شده آسان و قابل درک به اذهان آسیائیه عرضه کند، همان طور که توماس آکویناس قدیس به غرب عرضه نمود، تا این که مردم آسیا ببینند که مسیحیت بزرگترین خواسته یا نیاز آنها را با تمام پری خود برآورده می سازد. برآورده سازی نیازهای مادی بدون اجابت جاه طلبی روحانی آنها فقط پیشبرد دیگری است برای چارچوب غلط فکری درباره سوء استفاده از فقر به منظور گرایش به مذهبی جدید.

اقتدار سیاسی خادم خداست برای خیریت بشر اسقف بکارا رای (لبنان)

شورا برای آسیا به کلیساهای غرب آسیا موقعیتی برای آگاهی تازه از هویت و خدمت بشارتی آنها عرضه می کند.

من سعی خواهم کرد با اشاره به اعلامیه پس از شورای رسولی به آنها اشاره کنم: امید می تازه برای لبنان.

۱- هویت: این کلیساهای خاص بیانی هستند از راز کلیسا. اینها جوامع مذهبی و کلیسایی هستند که تحت شرایط دشوار تاریخی به وجود آمده و هم اینک در خطر از دست دادن این هویت قاطع مذهبی می باشند. این بر آنها واجب است که در این منطقه خاورمیانه که در حال تحول اجتماعی سیاسی و فرهنگی است که حفظ این هویت را دشوار می سازد، دوباره آن را کشف

– ما در موقعیتهای مختلف با مسلمانان ملاقات نموده و در فضای حسن نیت متقابل با آنها برخورد می‌کنیم.

– ما در حال آموختن زبان ترکمن هستیم که روزی زبان رسمی این جمهوری جدید خواهد شد.

مثل انجیل دربارهٔ مردی که توسط راهزنان مجروح و روی جاده رها شده بود به نظر می‌رسد که آئینه‌ای دقیق از زندگی افرادی باشد که ما ملاقات می‌کنیم.

تعجب آور این است که این افراد برای سالهای تاریکی که تحت رژیم دیکتاتوری امپراتوری روسیه زندگی کرده‌اند احساس دلنگی زیادی دارند.

بنابراین سخنان مارتین بابر به طرز حیرت‌آوری مناسبت دارد که می‌گوید «بردگی واقعی هنگامی است که انسان آزادی خود را فراموش کند و دیگر طالب آن نباشد، زیرا که تسلیم بردگی شده است».

پنج‌ماه مارس گذشته ما این فرصت را یافتیم تا با دانشجویان و اساتید اسلامی در دانشگاه عشق‌آباد ملاقات کنیم. یکی از آنها از ما سؤال کرد «چرا خدا اجازه داد پسرش روی صلیب با بی‌رحمی آن‌طور شکنجه شود؟»

ما جواب دادیم که در طی دو هزار سال گذشته کلیسا نیز همین سؤال را تکرار کرده – متحیر از بی‌خردی محبت خدا برای بشر – جواب این سؤال برای ما منشأ ستایش و پرستش است: «زیرا که او ما را تا به آخر محبت نمود».

ما با حیرت متوجه هستیم که چگونه بسیاری از مردم برای خدمت بشریتی تازه در ترکمنستان نیایش می‌کنند. ما بنابراین باید امیدوار باشیم که سخنان زنی که در واکنش به خبر بازگشت کلیسای کاتولیک به مرزهای

late (مریم بی‌عیب (معصوم))، هنگامی که ما در تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۹۷ به عشق‌آباد رسیدیم آن‌جا حضور داشتند.

بعضی از افراد هنوز اجداد خود را که کاتولیک بوده‌اند به خاطر می‌آوردند و به ما خوش آمد می‌گفتند و عکسهای قدیمی از کلیسای کاتولیک را که در اوائل قرن بیستم در پایتخت ترکمنستان گرفته شده بود به ما نشان دادند. یک نفر حتی جایی را نشان داد که قبلاً کلیسایی در آن‌جا برپا بوده است.

متأسفانه این کلیسا نیز مانند بسیاری دیگر از کلیساهای مسیحی در درون مرزهای امپراتوری شوروی قرار داشته. انقلابیون، بسیاری از صلیبها و برجها را کنده و تخریب نموده و کلیساهای نیز برای مقاصد مختلف دیگری اختصاص یافته‌اند.

اینک شش سال است که ترکمنستان به استقلال دست یافته است. به هر حال، یک کلیسا برای به دست آوردن هویت حقوقی می‌باید حداقل ۵۰۰ امضا در یک شهر جمع‌آوری نماید.

– هر یکشنبه ما مراسم عشای ربانی را برای کاتولیکهای خارجی که به دلایل مختلف شغلی در پایتخت سکونت دارند به جا می‌آوریم.

– ما تلاش داریم خانواده‌هایی را که ریشه کاتولیک دارند شناسائی کرده و به دیدار آنها برویم.

– ما از افراد دعوت می‌کنیم تا در جلسات مطالعه کتاب مقدس، که در طی آن کلام خدا به زبان روسی مطالعه می‌شود شرکت کنند.

– چندین نفر به عنوان نوآموز مذهبی پذیرفته شده‌اند.

– ما همچنین تلاش داریم تا ریشه‌های کاتولیکی را در تمام شهرهای ترکمنستان شناسائی کنیم.

– ما برای تماسهایی در سطح جهانی با کلیساهای ارتدکس و پروتستان پیشقدم شده‌ایم.

امروزه از طریق خدمت خادمین مسیح به مرور بیشتر آشکار می شود. همچنین تأکید می نمایم که پاپ اولین مبشر در طی سالهای اخیر در تاجیکستان بوده، و اقتدار روحانی او به طرز گسترده ای مورد شناسائی است. همین موضوع در مورد خواهران مادر ترزا از کلکته رخ داده، که هر کجا که حضور داشته باشند درها را گشوده و راه را برای ما مهیا می سازند. ما بنابراین از آنها برای نمونه شجاعانه اشتیاق بشارتی که ارائه می دهند تشکر می کنیم که نمونه هایی قاطع از سرزنده بودن خدمت بشارتی کلیسای امروزی است. به همین گونه ما از رسولان بی شمار زمان خود که در شرایط دشوار خدمت بشارتی و تعقیب و آزارها فعالیت می کنند سپاسگزاریم. در زمانی همانند زمان ما، هنگامی که ناامیدی و شک درباره اعلام مسیح به مردم آسیا در میان ما کم نیست - و به دلایل مختلف، منجمله اشتیاق برای ساختن انجیل به عنوان «یک محصول فرهنگی غرب» - به جاست که به یاد آوریم که کلیسا درست در قلب آسیا متولد گردیده و دعوت شده تا جهانی باشد، مادر همه افراد بشر و تمام فرهنگها.

نگاهی کلی به وضعیت کلیسا در ازبکستان کرزیستف کولکا (ازبکستان)

مسیحیت در قرن سوم به آسیا آمده بود. در طی قرون وسطی، سالهای زیاد مقر اسقفی در سمرقند قرار داشت. متأسفانه، نحوه تکامل و توسعه اسلام، مخصوصاً در زمان حکومت تیمورلنگ، به حضور مسیحیان پایان داد. از قرن چهاردهم تا قرن نوزدهم، تقریباً هیچ اشاره ای به کلیسای کاتولیک در این سرزمینها نشده است. فقط فتح قسمتی از این سرزمینها توسط روسها و بعدها توسط اتحاد شوروی موج جدیدی از مسیحیت را به

بیابان کاراکوم گفته بود «شما بذری هستید که از آن درختی خواهد روئید»، به حقیقت پیوندند. خدا به شما برکت دهد.

کلیسا در تاجیکستان دعوت شده تا جهانی باشد کارلوس اویلا (تاجیکستان)

برادران مسیحی که از نقاط مختلف اتحاد شوروی اخراج شده یا به دلایل دیگری به تاجیکستان آمده بودند بذری ایمان به مسیح را با خود آوردند. آنها شعله این فیض را در میان تعقیب و آزارهای آن زمان و در طی جنگ وحشتناک داخلی، روشن نگاه داشتند. بنابراین ما از برادران و خواهران آلمانی، لهستانی، لیتوانی و ارتدکس روس برای شهادت آنها سپاسگزار هستیم. توسط آنها بود که بذری کلیسا در تاجیکستان کاشته شد. امروزه کلیسای تاجیکستان واقعیتی متواضع اما زنده است، که دعوت شده تا بذری حضور مسیحیت را به کمال رساند و به خدمت بشارتی خود با وفاداری ادامه دهد.

به دنبال فروپاشی رژیم کمونیستی و شروع جنگ داخلی ۱۹۹۲، روند صلح در مملکت - که با وجود مشکلات فراوانی که هنوز وجود دارند ادامه دارد - روابط خوب کلیسا با مسؤولین دولتی و مذهبی و تولد نوین احساس مذهبی در مسیحیان و غیرایمانداران، فاکتورهائی هستند که تأکید بر این دارند که این لحظه ای مناسب برای شروع مجدد در راه طولانی و ترسناک خدمت بشارتی در این مملکت و در تمام آسیای میانه است. من مایل به تأکید بر ویژگی دیگری هستم که طی چند سال اخیر در همه جا یافت می شود - در آسیا و مخصوصاً در تاجیکستان کوچک، جهانی بودن کلیسا

دارد، و این وضعیت مسلماً مدت زمانی ادامه خواهد داشت.

مشکل رو به رشد، روند مهاجرت سکنه روسی زبان است. در میان ۲۲ میلیون ازبک کاهش تعداد مسیحیان بیشتر و بیشتر آشکار می شود. در تاشکند فقط، که ۲/۵ میلیون جمعیت دارد، آنها حدود سی و پنج درصد سکنه را تشکیل می دهند. فرهنگ اروپائی و مسیحی که با آنها به این جا آمده با آنها نیز این جا را ترک می کند، و جو کلی بیشتر طرفدار اسلام می شود.

محاورات در حال جریان راه را به سوی برادری

هموار خواهد کرد

سراسقف توماس منامپارامپیل (هندوستان)

مهم است که تشخیص دهیم که فرهنگها واقعیتهای زنده ای هستند. آنها به طور دائم در حال دگرگونی و تکامل می باشند. جوامع همیشه در حال تبدیلمند، هم فرهنگ شدن بنابراین گفتگوئی با عهد باستان نیست بلکه با جوامعی در حال حرکت. آنها در حالی که ریشه های خود را در گذشته دارند نگاهشان به سوی آینده است. برای یک تیم از متخصصان غیر ممکن است که بتوانند یک انجیل هم فرهنگ شده با یک جامعه را عرضه کند، آن طور که گاه ما به آن نظاهر می کنیم.

یک خدمت بشارتی نیاز به همگام و هماهنگ و همصدا شدن با جامعه ای دارد که می خواهد او را نجات دهد. او باید به دنیای درونی جامعه فرو رود و با منیت و شخصیت عمیق و آرزوها و انگیزه های بیان نشده آن روبه رو شود، وجدان ناخود آگاه جمعی آن را مورد خطاب قرار دهد، و انجیل را به گوش روحهای آن زمزمه کند.

در این زمینه هاست که شاعران، هنرمندان و شخصیتهای نبی گونه می توانند فعالیت کنند. زمینه ای که مبشرین بزرگ اعجاز خود را در آن به

وجود آورد، مخصوصاً از ارتدکسها و کاتولیکها. در شروع این قرن، این مسیحیان کلیساهائی در تاشکند، سمرقند و فرگانا ساختند که امروزه متعلق به ازبکستان مستقل است که تا این اواخر یکی از جمهوریهای اتحاد شوروی بود. پس از گذشت تقریباً ۶۰ سال از سکوت و فعالیت مخفیانه زمانی که کمونیستها در قدرت بودند، سال ۱۹۹۱ کلیسای کاتولیک بار دیگر به طور رسمی دائر شد و به خدمت بشارتی ما تولدی تازه بخشید.

تعداد افراد جامعه ای که به نحوی پابرجا مانده بودند تقریباً حدود ۲۰ نفر بود. امروزه سه کشیش و یک برادر فرانسیسکن و نیز چهار خواهر از جماعت بشارتی خیریه مادر ترزا، در ازبکستان کار می کنند. ما در حال حاضر در خدمت سه حوزه کشیشی در شهرهای در بالا یاد شده هستیم، در حالی که معمولاً حدود ۲۷۰ نفر یکشنبه ها به نماز کلیسائی می آیند. حدود ۳۰۰۰ نفر کاتولیک اعلام شده وجود دارند که بعضی از آنها بیگانگانی هستند که مخصوصاً در تاشکند به کار اشتغال دارند، و نیز بازماندگان یک نسل قدیمی تر کاتولیکها که در اواخر قرن گذشته به این سرزمین وارد شده اند.

متأسفانه، فقط تعداد محدودی از نژاد ازبک در جوامع حوزه شبانی ما تعمید دریافت داشته اند، زیرا اکثریت افراد بومی مسلمان هستند (حدود ۵۰۰۰ مسجد در ازبکستان وجود دارد).

متأسفانه ما با کمبود نیروی انسانی و امکانات مواجه هستیم، هرآنچه که به دست می آوریم در راه بازسازی کلیساها خرج می کنیم که در وضعیتی ویرانه به ما پس داده شده اند. از طرف دیگر این کلیساها حضور تاریخی ما را در این قسمت از جهان تأیید می کنند و این ما را از سایر گروههای مذهبی جدید که به تازگی ظهور کرده اند، مخصوصاً گروهکها، جدا می سازد.

زندگی و کار ما به کمک از کلیساهای اروپا و آمریکای شمالی بستگی

صحبت کردیم) در سطح فردی و متواضعانه مورد نیاز است، هم چنین در سطح ملی و جهانی. افراد بزرگی چون مهاتما گاندی و تاگور در سطح تمامیت بشری فکر می کردند، نه فقط درباره مملکت یا تمدن خودشان. چنین محاوره در حال انجام مابین شرق و غرب مانع از برخورد مابین تمدنها خواهد شد، مابین شرق و غرب و شمال و جنوب، و هیچ جایی برای مرکز بودن اروپا یا مرکزیت آسیا باقی نمی گذارد بلکه فقط برای برادری جهانی.

صفحه‌ای جدید از تاریخچه کلیسا در قزاقستان اسقف یان پاول لنگا (قزاقستان)

من خدا را شکر می کنم و از کلیسای او سپاسگزارم که به من این امکان را داد تا در این لحظه تاریخی با شما باشم. برای من و حوزه اسقفی ام، که تمامی سرزمین قزاقستان را شامل می شود، افتخار بزرگی است که در این جا حضور داشته باشیم. سازمان رسولی قزاقستان، و آسیای میانه در ۱۳ آوریل ۱۹۹۱ در قزاقستان به وجود آمد. این سازمان پنج کشور را در بر می گیرد، که از آنها چهار کشور تا به حال به استقلال است یافته اند. امروزه، ۴۹ کشیش در حوزه اسقفی ما فعال هستند، که از ده کشور مختلف آمده اند. بر حسب تاریخ نویسان قزاق سکنه بومی قزاقستان قبل از این که در سال ۱۳۰۱ مسلمان شوند کافر، مسیحی نسطوری و یا زردشتی بودند. کاتولیکها از قرن چهاردهم حضور داشته و جوامع و حوزه های شبانی مختلفی از ایمانداران به وجود آورده اند.

در سال ۱۹۳۷ تعقیب و آزار به نهایت خود رسید و همه کشیشان از منطقه اخراج شدند و کلیساها ویران گردیدند. تعداد زیادی از کاتولیکها از ولگا، اوکراین، لهستان و یا سرزمینهای بالتیک به نواحی ما تبعید شدند،

یک گفتگوی تمدنها

در جلسات قبل اشاراتی به ارزشهای آسیائیهها شده بود. کار سخت، انضباط، زندگی توأم با قناعت، همبستگی خانوادگی، وفاداری مذهبی، احترام به مسؤولین، وفاداری در درون جامعه ... اینها را اغلب ارزشهای مشخصه آسیائیهها می دانند، تأکید بر گشودگی در برابر عالم ماورای ادراک را نیز باید به اینها افزود.

آسیای می تواند با حفظ این ارزشها و تقویت آنها در آغوش کلیسا به منظور استفاده و بهره وری جامعه جهانی، دستاوردی برای بشریت داشته باشد.

اما هیچ کدام از اینها مختص آسیائیهها نیست. آسیائی بودن به بهترین وجه حفظ نمی شود اگر به تضاد آن با جوامع دیگر تأکید شود. بخششهای خدا تکمیل کننده هستند. تمدنهای شرقی و غربی در واقع دو جریان پرقدرت از تجربه انسانی می باشند که آب آنها اغلب سرریز و به درون دیگری جاری شده اند. سیستم اعشاری (عناصر علم) در هندوستان کشف گردید و به عنوان اعداد عربی به غرب برده شد، و در آنجا تکامل بیشتری یافت و در زمان ما به عنوان علم و تکنولوژی امروزی مجدداً به شرق آورده شد. فلسفه یونانی که در غرب تولد یافت، توسط نویسندگان عرب در شرق حفظ و به غرب بازگردانده شد و حیات دوباره یافت که به عنوان احیای فرهنگی یا رنسانس شناخته می شود. برای قرنهای غرب الهیات، نیایش، رهبانیت و سنتهای روحانی از شرق به عاریه گرفته است. مادر شرق نیابستی اگر امروز چیزهای خوبی را از غرب قرض می نمائیم آن را کاری منفی محسوب داریم. این از آسیائی بودن ما نخواهد کاست.

بسیاری از فعالیتهای کلیساهای ما (منجمله این شورا) در برگیرنده محاوره میان تمدنهاست، چیزی که ما ارزش می نهیم و از همدیگر می آموزیم و یکدیگر را به کمال می رسانیم. روح گفتگو (که درباره آن

باشد که بذر انجیل در قرقیزستان ریشه بدواند الکساندر کان (قرقیزستان)

به نمایندگی از طرف کاتولیک‌های قرقیزستان مایل هستم سپاسگزاربهای خود را به پدر مقدس برای نیایشهای او، به خاطر آنچه که برای ما انجام داده، و برای انتصاب کاردینال جولیان وایودز (اهل لاتویان) که مسؤولیت تمامی کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق را دارد، و نیز برای نمایندگان او ابتدا در اتحاد جماهیر شوروی و سپس در کشورهای استقلال یافته در آسیای میانه ابراز دارم.

همچنین از آن پدر مقدس به خاطر انتخاب اسقفان برای روسیه، قزاقستان و آسیای میانه، و نیز تشکیل هیئتهای جدید بشارتی - با روابط و قانون مخصوص به خود - (Sui juris)، در آسیای میانه، و به طرز خاص برای اعتمادی که او به « انجمن کوچک عیسی » (Minima Jesu) Societa که هیئت بشارتی قرقیزستان را به آن سپرده ام دارد، سپاسگزارم. در میان ۴/۵ میلیون سکنه قرقیزستان فقط ۲۰۰ کاتولیک زندگی می کنند که بعضی از آنها اعقاب آلمانها، لهستانها، لیتوانیها و لتونیهای اخراج شده می باشند.

بعضی نیز بیگانگانی هستند از آمریکا، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، لهستان، آلمان، اتریش، چین، کره، مالزی و غیره... که به عنوان دیپلمات، تاجر و یا در سازمانهای بین المللی برای امور خیریهو خبر رسانی و غیره کار می کنند.

کاتولیکها به شیوه ای خاص در بخشهای مختلف به فعالیت اشتغال دارند، به طور مثال، سفیر واتیکان سراسقف ماریانولز، و اسقف اشمیتز وابسته فرهنگی او که در دانشگاه دولتی به تدریس الهیات مشغول است. مشاور اقتصادی رئیس جمهور هم یک کاتولیک است، فرد دیگری نیز درگیر مبارزه بر علیه انتقال و پخش مواد مخدر است، و دیگری هم مدیر یک برنامه اینترنت می باشد. آنها در حوزه اسقفی بسیار فعال بوده و برای

بر حسب برنامه ای که حتی رژیم تزاری هم مایل به انجام آن نبوده است. صفحه ای جدید از تاریخ کلیسا ورق خورده است. مشکلی جدید به دلیل مهاجرت بسیاری از ایمانداران ما به آلمان، لهستان، یا روسیه در پی تشدید نابسامانیهای اقتصادی و سیاسی، به وجود آمده.

شهادت کلیسای کاتولیک به وسیله کلام و کار و مخصوصاً نیکوکاری، بهداشت و درمان (توزیع دارو و یا مشاورتهای بهداشتی) ارائه می شود، مثلاً برای نیازمندان، و به ما اجازه می دهد که مسیح را در جامعه ای چند مذهبی و چند قومی (بیش از ۱۲۰۰ گروه قومی) اعلام کنیم. این نشانه کاتولیک بودن به ما اجازه می دهد تا بشارت رسولی بر محور مسیح را در تمامی بخشهای جامعه انجام دهیم، با توجه به این که ما در هر کجا که باشیم هنوز زود است که از بشارت به مسیح صحبت کنیم، اما می باید از بشارت حقیقی صحبت کنیم که در بعضی جهات نشان دهنده ویژگیهای خاصی از دوره رسولی است.

اتحاد با مقرر رسولی می تواند به ما کمک کند تا از خطر ملیت گرایی در مورد بعضی گروههای قومی در کلیسایمان جلوگیری کنیم، کلیسا می باید نشان دهنده عطایای روح القدس باشد که به هر جا مایل باشد می دمد.

شهادت ما و موعظه ما می باید نشان دهنده اتحاد ما بین اعلام نجات و کمکی باشد که به نیازمندان داده می شود. فقرا همیشه در کنار ما هستند، حتی اگر امروز افرادی وجود دارند که بیشتر در روح القدس فقیر هستند تا در مادیات، موضوع مهم این است که در موعظه هایمان برای آنها از مسیح غافل نشویم.

روح القدس از طریق عطایای خود اعلام ملکوت خدا را برای مردم آسیا هدایت می کند.

قدیس در اطراف پدر مقدس گرد آمدیم تا قربانی مقدس را برگزار نماییم. ما به زبانهای مختلف آسیائی نیایش کرده و سرائیدیم، از شهدا و قدیسن قوم خود استغاثه کرده و خداوند را طبق سنتهای برداشت شده از فرهنگهایمان با حرکت دادن سر و دستها پرستش نمودیم. ما به مکاشفه ای که یوحنا ی رسول ما را سهیم نموده گوش فرا می دهیم: « بشنو که روح به کلیساهای آسیا چه می گوید» (مکا ۳: ۶)، « آنچه می بینی در کتابی بنویس و آنها را به هفت کلیسا بفرست...» (مکا ۱: ۱۱).

این شورا شرکت کنندگانی را از تمام نقاط آسیا و نیز نمایندگان از تمام قاره ها گرد هم آورده است. ما خدا را برای این مشارکت شاخص که همه ما در مسیح احساس کرده ایم، برای تقسیم صادقانه نگرانیها و مسائل شبانی و احساس همدردی عمیق که همه ما آن را تجربه نموده ایم سپاس می گوئیم. حضور نمایندگانی از میانمار، ویتنام، لائوس، کامبوج و نیز از آسیای میانه، مغولستان و سیبری دلیل خاصی برای شکرگزاری از خداوند است. در گذشته افرادی از این قبیل ممالک مشکلات زیادی برای شرکت در چنین اجتماعاتی داشتند. متأسفانه دو نفر از اسقفان، که ما انتظار داشتیم صدای کلیسا را از سرزمین اصلی چین به ما برسانند، نتوانستند همراه ما باشند اما ما از نیایشهای آنها فیض یافتیم.

شنیدن گزارشها و شهادتها از کارهای بزرگی که هزاران مبشر از زمان رسولان تا به امروز در آسیا انجام داده اند احساس سپاسگزاری عمیقی در ما به وجود آورد. ما از همکاری و کمک سازمانهای کلیسائی، که کلیسا را در آسیا سخاوتمندانه کمک نموده اند سپاسگزار هستیم.

ما خدا را برای الهام و نمونه قهرمانانه ای که از بسیاری مبشرین و شهدای آسیایی به ما داده و نیز برای خواهران و برادرانی که امروزه وظیفه بشارت کلیسائی را در شرایط مبارزه طلبی در کشورهای مختلف بردوش

دریافت نماز مقدس به کلیسا می آیند و فعالانه در مراسم روزهای یکشنبه و اعیاد شرکت دارند. یک خانم مالزیائی در حوزه اسقفی به تدریس زبان انگلیسی اشتغال دارد.

کلیسای قرقیزستان امیدهای فراوانی به ثمرات این اجتماع خاص داشته و احساس می کند که در راه خود به هزاره سوم توسط تمام کلیساهای آسیا و در تمامی جهان همراهی می شود. من در نام قوم خدا در قرقیزستان تقاضای نیایشها برای بذر انجیل می نمایم تا باشد که میوه های خوب بیاورد همان گونه که خداوند انتظار دارد.

پیام از سوی شورای اسقفان

گردهم آئی ویژه برای آسیا

به دعوت پدر مقدس، پاپ ژان پل دوم، در آستانه هزاره سوم ما پدران گردهم آئی خاص شورای اسقفان برای آسیا، همراه با فرستادگان گرامی و سایر دعوت شدگان، از روز ۱۹ آوریل تا ۱۴ مه ۱۹۹۸ در روم اجتماع نمودیم. همگام با همگی شما، ملت های ما سرشار است از سپاسگزاری خاص به خدای پدر. او آن قدر جهان را محبت نمود که یکتا پسر خود عیسی، نجات دهنده ما، را فرستاد تا همگی حیات یابند و آن را زیادتیر حاصل کنند (یو ۱۰: ۱۰).

زمان فیض

گردهم آئی ما، برای اولین بار از کشورهای مختلف آسیایی، این شورا را تجربه ای منحصر به فرد و یک رویداد شاخص می سازد که بر پایه های آن کلیساهای خاص ما می توانند بنا کنند. از همان ابتدا ما در کنار قبر پطرس

محبت نجات دهنده مسیح باشیم آگاه ساخت. ما خود نیاز داریم تا بشارت داده شویم در همان حال که تلاش داریم به دیگران بشارت دهیم. مایلیم به گونه ای زندگی کنیم که دیگران با دیدن ما شاید بتوانند نگاهی سریع به ثروتهای عالی خدا که در پسرش عیسی در ما ذخیره نموده بیندازند. این روح القدس است که به ما کمک می کند تا در آستانه ورود به هزاره سوم آنچه را که رؤیای کلیسا در آسیا می باشد ببینیم. حضور نمایندگان کلیساها، که در گذشته تحت آزار و تعقیب بوده اند و آنهایی که امروزه متحمل شکنجه می شوند، در میان ما به درک ما از مسیحیانی که در شرایط دشوار زندگی می کنند افزوده است.

فرستادگان محترم از سایر کلیساهای مسیحی اشتیاق برای وحدت مجدد تمام مسیحیان را در ما شعله ور ساختند. خداوند ما این اتحاد را می خواست و برای آن نیایش کرد. این موضوع نیاز فوری تغذیه روابط ما بین کلیساها را به یاد ما می آورد. دست آوردهای میهمانان ویژه و نمایندگان جماعت های عادی، مذهبی و رسولی احساس هوشیاری و آگاهی برای خدمت شبانی در ورای سنتها و علائق سازمان یافته را در ما تشدید نموده است.

مأموریت بشارتی کلیسا

کلیسا توسط خداوند رستخیز کرده به ما سپرده شد با این هدف که خبر خوش ملکوت خدا را در قدرت روح القدس اعلام نمائیم. کلیسا به عنوان مدل نمونه اولیه جماعت مسیحی را انتخاب می کند که «در تعالیم و مشارکت ایشان و شکستن نان و در دعاها مواظبت می نمودند» (اع ۲: ۴۲). درک ما از بشارت این است که همگی حیات یابند و آن را زیادتیر حاصل کنند (یو ۱۰: ۱۰). با ریشه داشتن در تثلیث متبارک، این حیات

دارند سپاس می گوئیم. به مشقات آنها در موقعیتهای گوناگون در طی شورا اشاره شده است.

دروود بر اقوام آسیائی

ما با احترام به تمام برادران و خواهران در آسیا که اعتماد خود را در سنتهای مذهبی دیگر قرار داده اند درود می فرستیم و با کمال میل به ارزشهای روحانی مذاهب بزرگ آسیائی همانند هندوئیسم، بودائیسم، یهودیت و اسلام اعتراف می نمائیم. ما ارزشهای اخلاقی موجود در سنتها و عادات که در تعالیم فلاسفه آسیائی یافت می شود را ارج می نهیم، تعالیمی که فضائل طبیعی و وفاداری مذهبی اجدادی را پرورش می دهند. ما همچنین به باورها و سنتهای مذهبی اقوام بومی و عشایر، که ترس توأم با احترام آنها برای تمامی خلقت نشان دهنده نزدیکی آنها با خالق است، احترام می گذاریم.

و همگام با تمامی اقوام آسیائی آرزومند رشد در به مشارکت نهادن ثروتهایمان و در احترام متقابل به تفاوت هایمان هستیم. ما به همکاری با یکدیگر مصمم هستیم تا شرایط زندگانی اقوام خود را بهبود بخشیم. ما ایمان را بزرگترین گنجینه خود محسوب می داریم، و مایلیم که آن را با همه تقسیم نمائیم، با احترام کامل به باورهای مذهبی و آزادیهای آنان.

گوش فرادادن به روح

ما با هم نیایش کرده و به آنانی که کلام خدا را هر روز به ما می رسانند گوش فرادادیم. جلسات در گردهم آئی اصلی، گروههای بحث، پویایی و تحرک صلح جویانه و منظم تمامی شورا ما را مجبور نمود که هرروزه حضور روح خداوند را در کنار خود تجربه نماییم. او ما را از نقاط ضعف و کمبودهایمان که به خاطر آنها ما شاید خودمان شاهدان مسکین

می‌گیرد تجربه کنند. این در ما موجب بیداری واکنش در پرستش، تعمق و سکوت می‌شود. برای این، به هر حال باید آیین نیایش به صورت مشارکت باشد. این اعمال می‌باید این را القاء کند که چیزی جدی و مقدس در حال اتفاق افتادن است. ما گرچه احساس کردیم نیاز مبرم داریم که بیشتر و بیشتر روی فرهنگهای محلی در برگزاری مراسم نیایشی خودمان حساب کنیم، با شادمانی متوجه شدیم که هم اکنون هم عملاً همه جا در آسیا مراسم نیایشی به زبان (بومی) افراد برگزار می‌شود.

بالتر از همه این خدمت بشارتی عمیق روحانی که در مسیح ریشه دارد، بر احساس همدردی و همآهنگی، خودجداسازی و خود تهی سازی، همدردی با فقرا و دردمندان و احترام برای یکپارچگی خلقت به طور خاص تأکید می‌نماید. به شهادت جوامع رهبانیت و تعمق کننده نیاز است تا آشکار کننده چهره واقعی عیسی باشد. زندگی و اعمال مردان و زنان مقدس نیز به همین گونه است.

بدین منظور، ما نیازمند برنامه‌های تشکلی هستیم، برای تربیت کشیشان و افراد متدین خوب مردان و زنانی که زندگی خود را وقف نیایش کرده و در زندگی روحانی عمیق زیست می‌نمایند تا بتوانند دیگران را هدایت کرده و آنها را در راه به سوی خدا همراهی نمایند. مسیحیان در آسیا نه فقط به یک سازماندهی خوب بلکه به شبانان غیور و راهنمایان روحانی نیاز دارند.

ما اهمیت تطبیق با فرهنگ را برمی‌افزایم تا این که «کلیسا تبدیل به نشانه‌ای هوشمندتر از آنچه که هست بشود و وسیله‌ای مؤثرتر در راه بشارت باشد».

در مفهوم آسیایی یک موقعیت ضد اخلاقی، ضد مذهبی و ضد فرهنگی محاوره‌ی مابین ادیان به وضوح به نیازی مبرم تبدیل شده است. در زمانهای

توسط عیسی، پسر خدا به ما واگذار شده که برای انسانها فرستاده شد تا آنها را از گناه، شریر و مرگ نجات دهد، و عزت و اتحادی را که ما توسط خدا به آن دعوت شده ایم برای ما بیاورد.

کلام خدا در زندگیهای ما می‌باید جایگاه مرکزی داشته باشد و ما را روحاً تغذیه نماید. انجیل یک کتاب معمولی نیست بلکه صدای زنده‌ی خدای زنده است که هر روزه ما را دعوت می‌نماید تا نقشه او را برای زندگی و دنیایمان پیاده نمائیم. ما خوشحالیم که به شکرانه ترجمه‌های خوب انجیل به زبانهای بومی، مردم به «کلمات حیات جاودانی» (یو ۶:۶۸) دسترسی دارند.

تمام مسیحیان موظفند به مسیح بشارت دهند. این نیاز نه از روی هرگونه احساس برتری، بلکه از روی شادی یافتن گنجی و تمایل به تقسیم آن ناشی می‌شود. خدای ناشناخته و دور از دسترس خود را در عیسی مسیح کاملاً آشکار ساخته و با ما به گفتگو می‌پردازد. پدر زنده، عیسی را فرستاد که حیات خود را از او یافت (یو ۶:۵۷). این حیاتی است که عیسی آمده تا ما را در آن شریک سازد. این منشأ تمام زندگیهاست و تا ابد ادامه دارد.

بسیاری از شیوه‌های خلاقه، همگام با فرهنگهای آسیائی، برای معرفی عیسی به خواهران و برادران ما پیشنهاد شدند. ما از خدمات گرانبهای افرادی که خبر خوش را به کسانی که درباره عیسی مسیح شنیده‌اند بشارت می‌دهند سپاسگزاریم و باور داریم که معرفی عیسی به عنوان تجلی بخشش خدا و محبت او معنی و مفهوم وسیعی در آسیا دارد.

همگی آگاه هستیم که نیایش در بشارت نقش کلیدی دارد. این واقعه‌ای است که توسط آن بسیاری افراد ممکن است خدا را لمس کرده و او را به عنوان تنها کسی که ابتکار عمل برای ملاقات با آنها را در دست

اسقفی فراهم شود به طوری که دربرگیرنده یک مسؤلیت در روابط عمومی باشد. باید به تعلیم رسانه‌ای، استفاده سازنده از روزنامه‌ها و مجلات، تلویزیون، رادیو و شبکه اطلاع‌رسانی جهانی توجه کافی مبذول شود. رسانه‌های جمعی را به حق محکمه‌ای جدید می‌نامند، و در این جاست، همانند سایر زمینه‌ها، که کلیسا می‌تواند نقشی نبوت‌گونه ایفا نموده و هرگاه ضروری باشد به صدای بی‌صدایان تبدیل گردد. چون خدای خلقت ما را امین و حافظ خلقت خود دانسته ما باید زمین مادر و سیستم‌های حیاتی که ما را تغذیه می‌کنند محترم داریم و همه چیز را با قدرت خودمان انجام دهیم تا از تنزل محیط زیست، که حاصل طمع بی‌عنان است و به آلودگی زمین، رودخانه‌ها، هوا و از بین رفتن جنگلها منجر می‌شود جلوگیری نمائیم. ما باید برای ساختارهای موافق محیط زیست و گسترش مداوم مخصوصاً در بخش کشاورزی فعالیت کنیم.

افراد عادی نقشی مهم در مأموریت کلیسا به عهده دارند. بسیاری از آنها نشانه‌هایی هستند که روح قدوس به آنها قدرت می‌بخشد تا در هزاره آینده که می‌تواند دوران افراد عادی خوانده شود عهده‌دار نقشی مهمتر باشند. بعضی نشانه‌ها تعهد آنها برای خبر خوش، درگیری آنها در زندگی کلیسایی و شراکت فعالانه و علاقمند آنها در جوامع کوچک مسیحی است. برنامه‌های تازه‌سازی، تعلیم نوآموزان و مؤسسات تعلیماتی کاتولیک همگی نقشی اساسی در تشکل افراد عادل برای خدمات بشارتی ایفا می‌نمایند. برای تجهیز آنها به منظور تبدیل ساختارهای اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - اقتصادی جامعه، ما باید شناختی کافی از تعالیم کلیسا درباره مسائل اجتماعی - اخلاقی به آنها بدهیم.

در آسیا خانواده‌سازی بسیار مورد مخاطره است. در بعضی ممالک فقیر جهان سوم به دلیل کنترل جمعیت سوء رفتار نسبت به دختران اعمال

ما، کلیسا برای رویارویی با مذاهبی با هزاران سال قدمت تلاشی عمده به صورتی جدی آغاز نموده. محاوره مابین مذاهب ملاقاتی خالصانه و محترمانه است که در آن طرفهای مقابل مایل به شناسائی یکدیگر، آموزش از یکدیگر و غنی‌سازی متقابل هستند، همان کاری که مسیحیان و مسلمانان در لبنان برای انجام آن تلاش دارند. برای ایمانداران مسیحی این شامل اشتیاق برای سهم شدن در پیام نجات بخش مسیح نیز می‌شود. کلیسا در آسیا دعوت شده تا وارد محاوره سه‌گانه شود، محاوره‌ای با فرهنگهای آسیائی، محاوره‌ای با مذاهب آسیائی و محاوره‌ای با مردم آسیا، مخصوصاً نیازمندان. برای ادامه محاوره، با آسیا، تشکل برای محاوره بسیار مهم است، مخصوصاً در مراکز تشکل ما.

ما به خدمت عالی در زمینه تعلیم که توسط کشیشان، برادران و خواهران، و اشخاص معمولی در آسیا ارائه می‌شود اعتراف می‌نماییم و مطمئن هستیم که افراد توسط تعالیم و آموزش تکنیکی و حرفه‌ای قدرت می‌یابند. ما خودمان را متعهد به پیشرفت ارزشهای انجیل و حفاظت از ارزشهای فرهنگی و سنتهای آسیائی همانند میهمان‌نوازی، سادگی، احترام برای افراد، اشیاء و مکانهای مقدس می‌دانیم. برنامه‌های درسی می‌باید از اندیشه موشکافانه حمایت نموده و شاگردان ما را در تجزیه و تحلیل قوای مختلف در کار در جامعه مهارت بخشند تا شرایط را تمیز دهند، در جاهائی که از افراد سوء استفاده می‌شود. ما باید به تعلیمات غیررسمی توجه بیشتری مبذول داریم و گاه و بی‌گاه محتوای سیستم آموزشی خودمان، روشهای آن، استفاده‌ای که به دریافت‌کننده می‌رساند، روابطی که بسط می‌دهد، ارزشهای مستقر در آن و تأثیر آن را در جامعه ارزیابی نمائیم.

برنامه‌های شبانی برای روابط اجتماعی می‌باید در تمام حوزه‌های

بسیار ضروری است. اگر آنها مسیحی هستند، تشکلی مناسب آنها را قادر خواهد ساخت تا در ممالک میزبان خود بشارت دهند.

بخشی دیگر از مردم که می باید موجب نگرانی ما باشند پناهندگان هستند. میلیونها نفر از آنها در آسیا وجود دارند که ممالک خود را ترک کرده و در نیاز مبرم به هرگونه کمکی به سر می برند.

تقاضا برای عدالت و صلح

ما نمی توانیم احساسی جز نگرانی عمیق داشته باشیم هنگامی که از سختیهای که افراد در چندین کشور آسیائی در رابطه با خشونت، مبارزات داخلی، تنشها و جنگ ما بین کشورها متحمل می شوند مطلع می شویم.

همچنین مسئله اورشلیم است، شهری مقدس برای سه دین یکتا پرستی: یهودیت، مسیحیت و اسلام. ما از همه مسؤولین تقاضا می کنیم تا به منظور حفظ ویژگی منحصر به فرد و مقدس این شهر مقدس هر چه در توان دارند انجام دهند. ما درباره درد و رنج مردم عراق، مخصوصاً زنان و کودکان تعمق می کنیم و قویاً خواستار اقداماتی برای برداشتن محاصره (اقتصادی) علیه این کشور هستیم. در برخی کشورهای آسیایی مردم تحت فشار رژیمهای سیاسی هستند که به خواسته های مشروع آنان برای آزادی بیشتر و احترام بیشتر برای حقوق اساسی آنها توجهی نمی نمایند.

ما از کلیساهای خاص جهان اول دعوت می کنیم تا با نیازمندان آسیا همدرد بوده و نمایندگان آنها در برابر دولتهای خودشان و سازمانهای اقتصادی، همانند بانک جهانی IMF و سازمان جهانی تجارت، باشند تا آنچه را که پاپ ژان پل دوم در «روز جهانی پیام صلح» امسال مطرح کرد به تحقق برسانیم: «جهانی شدن بدون به حاشیه رانده شدن. جهانی شدن در همدردی».

ما قویاً توصیه می نمائیم که در حین مراسم بزرگداشت سال ۲۰۰۰ دین جهان سوم مورد تجدید نظر قرار گیرد و یوغ خرد کننده آن برداشته شود.

می شود. ارزشهای سنتی خانواده واژگون گردیده با خودخواهی، مادیات، خوش گذرانی، و طمع جایگزین می شوند. حملات مستقیم بر حیات از طریق جلوگیری از بارداری، عقیم سازی افراد و سقط جنین صورت می گیرد. ما باید خانواده را حفظ کنیم زیرا که از موجودات انسانی حفاظت می کند و پایه اصلی جامعه و کلیساست. هرگاه خانواده از بین برود، جامعه از بین می رود. خانواده کلیسای محلی است که در مرکز جامعه مسیحی قرار دارد. خانواده اولین مدرسه است و والدین اولین معلمین هستند. اولین کتاب درسی برای کودک روایتی است که در درون خانواده ما بین والدین با کودکان آنها و نیز با سایر خانواده ها حکمفرماست.

یکی از نشانه های بزرگ عصر ما بیداری و آگاهی زنان از وقار آنها و برابری آنها با مردان است. کلیسای آسیا برای این که نشانه ای قابل اعتماد برای احترام و آزادی زنان در جامعه و در دنیا باشد باید به مسیح به عنوان ترویج دهنده عزت واقعی زنان شهادت دهد. این را ما می توانیم با تشویق شراکت زنان برای خدمت و بشارت به محبت مسیح انجام دهیم.

جوانان امید آسیا و امید کلیسا هستند. نیاز زمانه این است که کلیسا به جوانان تشکلی را که نیاز دارند تا با مبارزه طلبیهای جامعه به سرعت در حال تغییر و آینده کاملاً نامطمئن ما مقابله کنند ارائه دهد. با مواظبت صحیح از میلیونها جوان در آسیا، ما قلبهای آنان را با امید پر نموده آنها را قادر می سازیم تا بشارت دهند. ما با سپاسگزاری می پذیریم و آرزومند تحکیم قدرت بشارتی جوانان، که هم اکنون در کلیساهای مختلف و در بنای فردایی بهتر برای جامعه در کار است، هستیم.

توجه خاصی می باید به کارگران مهاجر معطوف داشت. هزاران نفر از آنها خانواده های خود را ترک می کنند تا هزینه معاش آنها را در ممالک دیگر تأمین نمایند. توجه شبانی به آنها در سنت کلیسائی خاص خودشان

مرگ را شکست داده ایم. با او ما هم قیام نموده ایم.

ما باید بدون خودستائی درباره دست آوردهای گذشته آتش روح را همان گونه که پاپ ژان پل ششم گفت حفظ کنیم، «بیائید خوشی و راحتی شادی بشارت را حفظ نماییم حتی اگر با اشکها باشد که می باید افشانه شود، باشد که برای ما این معنی را داشته باشد... شوق و شور درونی که هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند آن را خاموش سازد... و باشد که دنیای امروز ما که گاه با نگرانی و گاه با امید جستجو می کند قادر باشد مژده نیکو را دریافت نماید، نه از بشارت دهندگان که رانده شده، ناامید، بی صبر یا نگران هستند، بلکه از خادمین انجیل که زندگی آنان با حرارت می درخشد، که در ابتدا شادی مسیح را دریافت کردند و آماده هستند تا زندگی خود را به مخاطره اندازند تا ملکوت بتواند اعلام شود و کلیسا در میان جهان استقرار یابد».

در این پیام، ما فقط به چندین موضوع که در طی شورا مطرح شدند رجوع می کنیم. بسیاری از مسائل دیگر نیز مورد بحث قرار گرفتند که در موقعیتهای گوناگون به پدر مقدس ارائه گشته و نهایتاً در اعلامیه رسولی پس از شورا که در انتظار آن هستیم گنجانیده خواهد شد.

نیایش پایانی

همان گونه که شور را شروع کردیم آن را خاتمه می دهیم با همان قربانی مقدس، در حالی که نان و شراب تقدیس شده جسم و خون مسیح می شود و در همان حال جماعت به «یک جسم و یک روح» در مسیح تبدیل می گردد. این دیدار با عیسی می باید اینک در ابعادی گسترده تر در تمام قاره آسیا ادامه یابد. این کار روح القدس است، آن کسی که همواره برای کمک در کنار ماست. ما رو به سوی مریم می آوریم که در او مسیح توسط روح القدس شکل گرفت. ما نیایش می کنیم که او برای ما شفاعت کند تا همانند عیسی، پسر الهی او، کلیسا هم بیشتر از همیشه کلیسای خدمتگزار گردد و به مأموریت محبت خود ادامه داده در خدمت مردم آسیا باشد، تا این که «همگی حیات یابند و آن را زیاده تر حاصل کنند» (یو ۱۰:۱۰).

*--- Instrumentum Laboris : تحت اللفظی: وسیله جهت کار.

متنی که به اسقفان جهت تبادل نظر و آماده نمودن کار قبل از تشکیل جلسات شورا برای آنها ارسال شده بود.

دلایل برای امید

بزرگترین دلیل ما برای امید داشتن عیسی مسیح است که فرمود «خاطر جمع دارید منم، ترسان مباشید» (متی ۲۷:۱۴)، و «من بر جهان غالب شده ام» (یو ۱۶:۳۳).

دلیل دیگر برای امید داشتن دینداری مردم ماست که حتی در سخت ترین شرایط از خود استقامت و صبر نشان داده اند.

در میان این مردم - که آشکارا دعوت شده اند تا نقشی مهم در تکامل بشریت ایفا نمایند - کلیسا همیشه حضور دارد. به استثنای مورد خاص فیلیپین، مسیحیان در همه جا در اقلیت هستند و در تعدادی موارد حتی یک اقلیت بسیار کوچک می باشند. به هر حال، بعضی از کلیساها در آسیا بسیار زنده اند و برخی نیز (تحرك) فوق العاده ای از خود نشان می دهند.

به طور خاص ما در همه جا موارد زیادی از تعهد و وقف برای کشیشی و زندگی مذهبی می بینیم و خوشحال هستیم که در بسیاری از ممالک آسیائی افراد عادی نسبت به مسؤولیتهای مسیحی خود کاملاً آگاهی دارند. آنها به شیوه های گوناگون در فعالیتهای کلیسا شرکت می کنند. در میان آنها، بسیاری از وظائف خود برای شاهد اصیل مسیح بودن و پیشبرد رشد ملکوت خدا آگاهند.

کلیسا هر جا که ریشه دوانید، خدمات ارزنده و قابل تقدیری برای مردم انجام داد. گرچه شاید اتفاق افتاده باشد که برخی سازمانها در حقیقت در خدمت نیازمندترینها نبوده اما ما با خوشحالی می بینیم که تلاشهای بیشتر و بیشتر انجام می شود تا اطمینان حاصل گردد که سازمانهای کلیسائی حقیقتاً به نیازمندان کمک می کنند. در عین حال ما از این که بعضیها از سازمانها بیرون رفته و در زندگی محروم ترین افراد شریک می شوند و همراه با آنان برای دفاع از حقوق ایشان مبارزه می کنند خوشحال هستیم.

پس بیائید مطمئن باشیم. روح قدوس خداوند در آسیا آشکارا در کار است و کلیسا هم در این قاره کاملاً فعال می باشد. با مسیح ما از هم اکنون